



باقی همه با توست

خدایا رحمت خود را با ابر پربران و بهار پرآب و گیاهان خوش منظر شاداب بر ما نازل فرما. بارانی درشت قطره بر ما فرو فرست که مردگان را زنده و آن چه از دست ما رفته، به ما بازگرداند.

امام علی (ع)

خداوند مهربان، پروردگار و صاحب هر سال از عمر این دنیا که پیرترین و جوان ترین است، می دانیم که از اولین روز تا آخرین روز! چه در آن باشیم و چه بار سفر بسته باشیم و به فصل هایی دیگر از هستی رفته باشیم، تو همراه ما هستی. همه سال هایی که مهمان دنیا و آفریدگان تو بوده ایم، گذشته است و از غم و شادی سهمی به ما رسیده است. چه کسی می داند چند سال یا چند لحظه دیگر مهمان خواهد بود؟ اما در همین لحظه بودن است که می شود یک بار دیگر با دیدن رویش دوباره جوانه ها، بهانه ای برای حرف زدن با تو پیدا کرد. پس این گونه آغاز می کنیم.

خدای مهربان! به نشان تمام برکتی که از این عمر به ما بخشیده ای، قلبمان را گواهی می گیریم و قبل از خواستن دوباره و دوباره برکت در فصل نو، کلمات شکر را در سر و بر زبان می گذرانیم.

سپاس برای تمام نفس هایی که به سلامت و حکمت کشیده ایم و هنوز مهمان دنیای تو مانده ایم. سپاس برای تمام لحظه هایی که چشمان را به آسمان راهنما شده ای تا نفسی تازه کنیم و عمیق تر دنیای تو را بفهمیم. خداوند آسمان و زمین که هر نفس و هر لحظه، برکت را به تمامی «بودن» ارزانی می کنی! این بودن کوتاه ما را در جهان، برکت دوباره ببخش. به ما فرصت زندگی را آن طور ببخش که توانمان برای فهمیدن آن بیشتر و بیشتر شود.

خدای تمام حکمت هایی که ما از آن بی خبریم و گاهی به نادانی برایش «چرا» می بافیم، هیچ کس جز تو که خالق مایی، تدبیر بالا و پست روزهایمان را نمی داند. گاهی روزمان چون خورشید است و گاهی چون سیاهی شب. جای پریشانی نیست وقتی بدانیم تدبیر این شب و روز در امان توست.

خدای مهربان قلب ها! کمک کن تا محافظان دل هایمان باشیم که به وقت لرزیدن، بزرگ شوند و محکم تر در جاده زندگی قدم بردارند. نه آن که به آسانی راه تباهی و غم را در پیش گیرند. شادی را از قلب های آرام دریغ مکن و قلب های اندوهگین را شادی ببخش تا یک بار دیگر همراه زندگی مشق تپیدن کنند.

خدای نفس هایی که به وقت سلامت فراموششان می کنیم و به وقت پریشانی، می شماریمشان! خدای حال های خوب که در آن خنده هایمان بال هایی می شوند برای رسیدن به تو. خدای مهربان که از ناتوانی انسان در سپاس این «تمامی نعمت» که به او بخشیده ای، آگاهی! خوبی و پریشانی حال، همه از حکمت توست! گفته ای که اگر همه چیز را به تو بسپاریم، حال همیشه ما خوب است. به قدم هایمان قدرتی ببخش تا هر چه می توانیم، راه را پیش بیاوریم؛ راهی که در آن به تو می رسیم.

حال همیشه خوب، دعای شروع فصل نوی ما باشد. باقی همه با توست.

فرا رسیدن سال نو مبارک و خجسته باد

۲۲



۲۶



۴



۳۶



۳۸



۳۲



۵۶



۶۰



۵۰



نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵

فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶

نشانی الکترونیک: vakharazm@kharazmi.ir



انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب مقالات، مصاحبه‌ها و گزارش‌ها، لزوماً به معنای تأیید محتوای تمامی آن‌ها از سوی ماهنامه نیست.

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا قلیچ‌خانی

همکاران این شماره: شرمین نادری

شهرزاد همتی، میناعینی‌فر، فرید دانشفر

علی پویا، المیرا حصارکی، نیلوفر مرادی

مجید اعزازی، حمید جعفری، ایلینا پیرولی

مرجان مصدق، مانی ساکت، سحر قاسم‌نژاد

نادر هوشمندیار، جعفر خلاق آزاد

میترا ناهیدپور، طاهرا مرادی، معصومه یزدانی

نیلوفر نیک‌بنیاد، حمید حاجی‌میرزایی

طراح جلد: سهیل نوری

گرافیک و صفحه‌آرایی: مجید مرادی

ویراستار: شیدا محمدطاهر، مرجان ابری

امور دفتری: وحیده بهزادی



ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
برای خانواده بزرگ شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی



سال دوم - شماره سیزدهم - فروردین ۱۳۹۴

http://kharazmi.ir

موسم جوش و خروش و خارزم

دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

صبا به تهنیت پیر می‌فروش آمد
که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد
هوا مسیح نفس گشت و باد نافه‌گشای
درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد
تنور لاله چنان بفرورخت باد بهار
که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد

درآمدن بهار افزون بر نشاطی که در تمامی ارکان طبیعت ایجاد می‌کند، برای اعضای گروه وخارزم موسم دوچندان مبارکی است تا سالگرد برآمدن آن را که زبان گویای مدیران و کارکنان گروه با سهام‌داران، مشتریان، ذی‌نفعان و اعضای خانواده بزرگ سرمایه‌گذاری خوارزمی به حساب می‌آید، به شادی نشینند و عهد خود با مخاطب را تازه کنند؛ عهده‌ای که با آرمان ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها شروع شد، با برنامه‌ریزی راهبردی هفت‌ساله، که نام «راه خوارزمی» به خود گرفت، قطعیت یافت و از پانزده ماه قبل مراحل اجرایی خود را شروع کرد. یکی از ابزارهای لازم برای تحقق اهداف برنامه، نشریه‌ای بود تا از طریق آن با تمامی ذی‌نفعان تبادل نظر شود، گزارش‌های لازم ارائه شده و دستاوردها و دشواری‌ها به اطلاع برسد، هر چند انتشار دوازده شماره در سال با تمام دشواری‌هایش، به دلیل پیچیدگی‌های متعدد محیط کسب‌وکار، برای تبادل نظر و ارائه گزارش‌های مختلف ممکن است کافی به نظر نرسد.

اکنون در آستانه انتشار سیزدهمین شماره وخارزم، وقتی به مطالب طرح‌شده در شماره اول درخصوص راه خوارزمی مراجعه می‌شود، بی‌اختیار زبان شکر و سپاس گشوده می‌شود از این‌که آن یار دل‌نواز چگونه اعضای گروه خوارزمی را بیش از آن‌که در تصور می‌گنجد، یاری داد تا گام‌های نخستین را استوارتر بردارند و در پایان سال به اهداف خود رسیده باشند، اگرچه همواره زان یار دل‌نواز شکری است با شکایت، حتی اگر شکایت مورد نظر در مقابل آن‌چه شکر نامیده می‌شود، بسیار ناچیز است و فراموش‌شدنی.

در سال نودوسه گروه خوارزمی بیش از سه برابر بزرگ‌تر شد، سود آن افزایش یافت و پایه‌های کسب سود قابل تقسیمی به‌مراتب بیشتر از سال‌های گذشته ریخته شد. به گونه‌ای که اکنون تنها سود حاصل از عملیات نیروگاه منتظر قائم در سال جاری بیش از میزان سود تقسیمی سال گذشته کل گروه برآورد می‌شود و بدیهی است که با تحقق سود پیش‌بینی‌شده سایر شرکت‌ها، می‌توان سال‌های آتی را برای خوارزمی، طلایی پیش‌بینی کرد. اکنون نیروگاه منتظر قائم بزرگ‌ترین دارایی گروه است و در آستانه ورود به بورس در قالب یک شرکت مادر تخصصی در صنعت برق و انرژی. اما با توجه به برنامه راهبردی گروه و آن‌چه بر اساس برنامه‌های اجرایی و عملیاتی شرکت‌ها در حال پیاده‌سازی است، وزن این شرکت در کنار شرکت‌های بزرگی مانند توسعه ساختمان خوارزمی، توسعه مدیریت و سایر شرکت‌های مهم دیگر تنها بخشی از دارایی‌های ارزش‌آفرین گروه خواهد بود. اکنون سال نودوسه در حالی به پایان می‌رسد که تمامی شرکت‌های گروه برنامه‌های راهبردی و عملیاتی، خود را برای رسیدن به اهداف سالانه که درنهایت به میزانی از دارایی به ارزش سیصدوسی هزار میلیارد ریال در سال نودونه شمسی و تحقق سود هشتادوپنج هزار میلیارد ریالی در همان سال خواهد رسید، تنظیم و تصویب کرده‌اند. و هم از این‌روست که نماد شرکت سرمایه‌گذاری

خوارزمی در بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری بورس، از نظر ارزش شرکت و ارزش ذاتی با فاصله قابل توجهی بالاتر از دیگر شرکت‌های هم‌گروه خود ایستاده است.

ازجمله، آن‌چه تاکنون به دست آمده، به تاریخ پیوسته و شایسته آن است تا در آستانه سال جدید، که مرغ در خروش و گل به جوش می‌آید، با طلب مدد از انفاس قدسی و در هوای مسیح نفس، با شتابی افزون‌تر به عملیاتی ساختن اهداف سال نودوچهار پرداخت و تاریخی دیگر ساخت. آن‌چه در این روزها دغدغه اصلی گردانندگان گروه خوارزمی به شمار می‌آید، تحقق برنامه‌های سال پیش‌روست؛ سالی که با توجه به عوامل مهمی مانند کاهش قیمت نفت، کسری بودجه قابل پیش‌بینی برای دولت و پایداری تورم - البته با نرخی به‌مراتب پایین‌تر از گذشته - هم‌چنان سال سخت و ناهمواری به شمار می‌رود و گمان می‌رود که حتی با حصول کامل توافق هسته‌ای مبتنی بر منافع ملی و مصالح کشور، هر چند امید زیادی در جامعه ایجاد می‌شود و محدودیت‌های بین‌المللی یک به یک برچیده می‌شوند، اما حداقل در نیمه اول سال بخش واقعی اقتصاد از آثار آن برخوردار نخواهد شد. با وجود این دشواری، برنامه عملیاتی گروه در این سال، دارای سرفصل‌های مهمی، ازجمله ورود شرکت برق و انرژی سپهر - مالک نیروگاه منتظر قائم - و شرکت توسعه ساختمان خوارزمی به بورس، عملیاتی کردن طرح‌های شرکت توسعه معادن صدر جهان، تشکیل شرکت مادر تخصصی نفت و گاز و پتروشیمی، توسعه عملیات و بازار شرکت لابراتوارهای سینادارو، توسعه فعالیت‌ها در بورس‌های اوراق بهادار و کالا از طریق شرکت‌های توسعه مدیریت سرمایه خوارزمی و سرمایه‌گذاری آتی نگر سپهر ایرانیان، ورود مفاخر به عرصه‌های جدید فناوری اطلاعات که مقدمات آن در سال گذشته فراهم شده، تقویت و توسعه سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت پراکنده بانک‌داری، توسعه عملیات و متنوع‌سازی فعالیت‌های بازرگانی و همچنین ورود جدی به عرصه فعالیت‌های بین‌المللی است که پایه‌های آن با فعال کردن شرکت تخصصی بین‌المللی در خارج از کشور نهاده شده و به‌تدریج در سایر نقاط راهبردی جهان گسترش خواهد یافت. در این راستا با اجرای مرحله دوم افزایش سرمایه که در ماه‌های آغازین سال انجام می‌گیرد، گام نخست اجرای برنامه راهبردی در سال دوم برداشته می‌شود و بدیهی است که جز با توکل و امید به فضل الهی و یاری سهام‌داران ارجمند، تلاش بی‌وقفه مدیران و کارکنان گروه و پشتیبانی تمامی ذی‌نفعان از جمله مدیران و کارکنان بانک‌های معظم صادرات ایران و مسکن دستیابی به این اهداف میسر نخواهد بود.

گاه آن است که ضمن عرض شادباش بهاری به تمامی اعضای گروه بزرگ خوارزمی و تلاش‌گران عرصه ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها - اعم از همکاران ارجمند و خانواده‌های فداکارشان، سهام‌داران دقیق و حمایت‌گر، مشتریان وفادار و حرفه‌ای، و تمامی شرکا و ذی‌نفعان راهبردی و اهالی بزرگ بازار سرمایه و پول - به بیتی از ملای رومی اشاره شود که آدمی را به یاد روز واقعه و حساب‌دهی - چه روز مجمع سالانه شرکت باشد و چه رستاخیز و دنیای دیگر که تمام سرائر آشکار می‌شوند - می‌اندازد و قیاس لطیف آن با بهار و دگرگونی و نو شدن طبیعت:

این بهار سبز بعد از برگ‌ریز
هست برهان بر وجود رستخیز

مروری اجمالی بر کارنامه‌ی گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در سال ۱۳۹۳

«خوارزمی» در سالی که گذشت ...

خوارزمی (سهامی عام) به شمار می‌رود. ماهنامه و خارزم در اولین شماره سال نو، مروری دارد گذرا بر خطوط اصلی این تحولات و رخدادها در مجموعه‌ای اقتصادی که با عزمی راسخ شعار اصلی خود را «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» اعلام کرده و هدف اصلی خود را کسب درآمدی معادل یک درصد تولید ناخالص ملی در پایان برنامه راهبردی هفت‌ساله شرکت قرار داده است.

«تملک نیروگاه منتظر قائم»، «افزایش سرمایه»، «برگزاری همایش‌های دوم، سوم و چهارم مدیران گروه»، «برگزاری مجمع عادی سالانه و تقسیم سود نقدی»، «برگزاری کارگاه آموزشی با سخنرانی پروفسور جلیوند»، «ارتقای ساختار سازمانی»، برپایی سازوکارهای مدیریت ریسک و مجموعه تدابیر متنوع برای تحقق اهداف مرحله‌ای برنامه راهبردی هفت‌ساله، از جمله مهم‌ترین تحولات و رویدادهای سال ۱۳۹۳ در شرکت سرمایه‌گذاری

پیام نوروزی مدیرعامل

بی‌گمان برای گروه خوارزمی، نخستین رویداد سال ۹۳، انتشار پیام نوروزی دکتر حجت‌الله صیدی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی بود. پیامی که مسیر یک‌ساله پیش روی خوارزمی را ترسیم می‌کرد. دکتر صیدی در این پیام نوشته بود: نو شدن زمین و زمان در بهار هر سال را رازی است که یزدان پاک برای ما خاکیان تدارک دیده است، تا غافل نماییم از قیمت روزگاری که بی‌درنگ می‌گذرد. بایسته آن است که درنگ کنیم در راز خلقت و نوشدن پی‌درپی آن، تا دریابیم که آفریننده هستی، نو شدن را دوست‌تر دارد و برآمدن دوباره را وعده داده است. چه برآمدن آفتاب از پس سیاهی شب باشد و چه برآمدن بهار از سردی جانسوز زمستان.

هم از این‌روست که در آستانه نوشدن زمین و زمان، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز عزم آن کرده تا سخنی تازه بگوید تا دو جهان تازه شود ... این دغدغه مبارک، گروه مدیران و کارشناسان خوارزمی را از ابتدای پاییز گذشته بر آن داشت که به بازنگری در برنامه‌های راهبردی گروه روی آورند. چه آن‌که هم فضای کسب‌وکار در اثر رویش امید و تدبیر در پی نو شدن بود و هم خوارزمی در پی بالندگی در بازار اوراق بهادار و فراتر رفتن از بیست هزار میلیارد ریال دارایی، نیازمند تدبیری نو، تا راه را استوارتر از آنچه آمده است دوام بخشد. بدین‌گونه بود که در روزهای آغازین آذرماه گذشته کلیات برنامه راهبردی نهایی شد و چشم‌انداز رسیدن به جایگاه یکی از پنج شرکت برتر هلدینگ و سرمایه‌گذاری ایران در آستانه سال یک‌هزار و چهارصد خورشیدی و دارای بالاترین نرخ بازده سرمایه‌گذاری، پیش روی کارکنان گروه خوارزمی قرار گرفت.

تملک نیروگاه منتظر قائم

اگرچه در ساعت‌های پایانی وقت اداری سال ۱۳۹۲، مدیران شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و بانک صادرات ایران بر سر معامله‌ی مجموعه‌ی نیروگاه منتظر قائم (عج) به توافق دست یافتند، اما در عمل، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در سال ۹۳ این مجموعه‌ی نیروگاهی را به تملک خود درآورد. ارزش معامله‌ی مذکور معادل مبلغ ۱۶/۸ هزار میلیارد ریال است و حصه‌ی غیرنقد آن طی ۱۶ قسط شش‌ماهه پرداخت خواهد شد.

این نیروگاه در محور کرج- فردیس واقع شده است. ظرفیت اسمی تولید نیروگاه منتظر قائم (عج) بیش از ۱/۶ هزار مگاوات است و دارای ۶ واحد گازی، ۴ واحد بخار و ۳ واحد سیکل ترکیبی است. این اقدام شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در راستای برنامه‌ی استراتژیک گروه خوارزمی و با هدف تقویت حضور در بخش انرژی صورت پذیرفت. بی‌گمان نیروگاه منتظر قائم (عج) یکی از اقدامات ارزنده و مثبت گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در چارچوب سیاست «ارزش‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» به شمار می‌رود. از همین رو بود که دکتر حجت‌الله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) نهم مهرماه ۹۳ در رأس هیئتی متشکل از مدیران ستادی گروه خوارزمی از این نیروگاه بازدید کرد.

در این بازدید، دکتر صیدی و هیئت همراه وی، با حضور در سایت نیروگاه منتظر قائم از نزدیک با روند فعالیت‌های جاری این نیروگاه آشنا شدند. سپس طی نشست‌ی در دفتر مدیرعامل شرکت مدیریت تولید برق منتظر قائم، در

جمع اعضای هیأت مدیره‌ی شرکت برق و انرژی سپهر و مدیران شرکت مدیریت تولید برق منتظر قائم به تبیین و تشریح استراتژی و اهداف شرکت خوارزمی در مجموعه‌ی صنعت برق پرداخت. در این نشست، دکتر صیدی طی سخنانی اظهار کرد: «شرکت خوارزمی در بخش برق، استراتژی ویژه‌ای را ترسیم کرده است. بر این اساس استراتژی و هدف بلندمدت شرکت، توسعه‌ی نیروگاه منتظر قائم و تأمین ۱۰ درصد از برق مورد نیاز شبکه‌ی برق کشور است. در میان‌مدت برنامه‌ی گروه خوارزمی، بهینه‌سازی و افزایش ظرفیت و بازدهی عملیات نیروگاه منتظر قائم است. شرکت خوارزمی، در بخش کوتاه‌مدت انجام عملیات تعمیر و نگهداری را بر اساس پیش‌بینی و زمان‌بندی مطلوب در دستور کار دارد.



افزایش ۱۱۳ درصدی سرمایه خوارزمی

تملك نیروگاه منتظر قائم در سال ۹۳ اما تنها رویداد برنامه‌ریزی شده در سال ۹۲ نبود. افزایش سرمایه‌ی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی اقدام دیگری بود که تصمیم‌گیری و شاکله‌ی اولیه‌ی آن در سال ۹۲ بنیان گذاشته شده بود. مجمع عمومی فوق‌العاده‌ی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) که در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۹۲ برگزار شده بود، با استناد به مجوز ۷ بهمن ۹۲ سازمان بورس و اوراق بهادار، مقرر کرده بود تا سرمایه‌ی این شرکت از طریق صدور سهام جدید از مبلغ ۴۶۸۵٫۳۰۷ میلیون ریال به مبلغ ۱۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال، منقسم به ۱۰٫۰۰۰ میلیون سهم ۱٫۰۰۰ ریالی افزایش یابد. به این ترتیب بود که این افزایش ۱۱۳ درصدی سرمایه‌ی خوارزمی، از محل اندوخته‌ی سرمایه‌ای این شرکت به مبلغ ۲٫۱۹۶٫۸۲۰ میلیون ریال و از محل مطالبات حل شده‌ی سهامداران و آورده‌ی نقدی به مبلغ ۳٫۱۱۷٫۸۷۳ میلیون ریال در تابستان سال ۹۳ انجام شد.

البته در این میان، برخی از سهامداران از حق تقدم‌های خود در مهلت قانونی ۶۰ روزه استفاده نکردند. از همین رو، بیش از ۷۱۶ میلیون حق تقدم استفاده‌نشده‌ی خوارزمی که طی روزهای ۱۴ تیرماه تا ۱۲ مردادماه سال ۹۳ عرضه‌ی عمومی شده بود، در بازار اول بورس اوراق بهادار تهران به فروش رسید.

مدتی بعد نیز اداره‌ی ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با انتشار آگهی از ثبت افزایش سرمایه‌ی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) خبر داد. اداره‌ی مزبور به‌طور رسمی اعلام کرد که افزایش سرمایه‌ی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) از ۴٫۶۸۵ میلیارد ریال به ۱۰٫۰۰۰ میلیارد ریال منقسم به ۱۰ میلیارد سهم ۱٫۰۰۰ ریالی، در تاریخ ۲۷ مرداد ۹۳ نزد این اداره به ثبت رسیده است.



تشکیل کمیته‌ی ریسک در خوارزمی

شکل‌گیری کمیته‌ی مدیریت ریسک شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) نیز در ماه‌های نخست سال ۹۳ صورت پذیرفت. این کمیته با هدف کنترل مسئولیت‌های مرتبط با مقررات و ضوابط سازمانی بورس و اوراق بهادار و همچنین استقرار ضوابط مندرج در نظامنامه‌ی مدیریت ریسک و تحکیم رویکرد حاکمیت شرکتی، براساس منشور مدیریت ریسک این شرکت در اردیبهشت ماه تشکیل شد.

در همین رابطه، دکتر علیرضا پاکزاد، مشاور مدیرعامل و مدیریت ریسک گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی به وب سایت رسمی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی گفته بود: مدیریت ریسک‌های برون‌سازمانی به دلیل دارا بودن منشا بیرونی (از جمله ریسک تغییرات نرخ ارز، تصمیمات کلان اقتصادی دولت و نهادهای دولتی و همچنین بحران‌های مالی داخلی و بین‌المللی)، بسیار دشوار است. از طرفی دیگر ریسک‌های درون‌سازمانی دارای منشا درونی بوده و اثرات نامطلوب این‌گونه ریسک‌ها را می‌توان از طریق شناخت به‌موقع و مدیریت صحیح آن‌ها کنترل کرد.

وی با اشاره به مقدمه‌ی توجیهی «منشور مدیریت ریسک» شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی افزوده بود: از آن‌جا که اعضای هیئت مدیره‌ی هر شرکت ناگزیر به درک شرایط محیط تجاری و مسئولیت‌های خود در رابطه با موقعیت شرکت و حفاظت از سرمایه و دارایی آن هستند؛ از این رو، به کسب آگاهی به‌موقع و دقیق از عوامل و موارد ریسک در ارتباط با فعالیت تجاری شرکت و به‌کارگیری رویه‌ها و راهکارهای اصولی در زمینه‌ی از بین بردن آن اهتمام دارند. از سوی دیگر، هیئت مدیره‌ی هر شرکت بنا به وظیفه و مسئولیت خود، باید از ویژگی‌های رقابتی شرکت به‌طور اصولی حفاظت کند و با هدف دور شدن از هرگونه خطر، زمینه‌ی لازم برای مدیریت ریسک را فراهم سازد. گام اول در این عرصه، تدوین و تنظیم «منشور مدیریت ریسک» است و مسئولیت اجرای این منشور با کمیته‌ای تخصصی در شرکت‌های وابسته خواهد بود. از همین رو، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در اواخر اسفندماه سال گذشته «منشور مدیریت ریسک» خود را تدوین و به شرکت‌های تابعه ابلاغ کرده است.



همایش دوم مدیران خوارزمی؛ گامی دیگر به سوی افق‌های نو

دومین همایش از سلسله همایش‌های مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی که ۲۸ و ۲۹ خرداد در شهر مشهد برگزار شد، مهم‌ترین رویداد سومین ماه سال ۹۳ به شمار می‌رود.

در روز نخست این همایش، دکتر حجت‌اله صیدی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با تأکید بر این نکته که همایش‌ها در راستای برنامه‌ی راهبردی ۷ ساله‌ی شرکت خوارزمی برگزار می‌شود، گفت: «همایش‌های این‌چنینی که به صورت فصلی برگزار می‌شود، می‌تواند به تبادل نظر در مورد اقدامات انجام‌شده و همین‌طور بازنگری در امور شرکت‌ها منجر شود.» صیدی در ادامه با تشریح فعالیت هرکدام از شرکت‌های زیرمجموعه یادآور شد که «شش ماه از ترسیم افق خوارزمی می‌گذرد، افقی که طرح اولیه‌ی آن در همین شهر -مشهد- نوشته شد و امروز به برخی از مهم‌ترین اهداف تعریف‌شده‌ی آن رسیده‌ایم.»

دکتر صیدی در بخشی از صحبت‌های خود با اشاره به این‌که تحقق اهداف افق ۷ ساله با توسل به شیوه‌های سنتی قابل اجرا نخواهد بود، گفت: «برای رسیدن به اهداف باید از کوچک‌ترین فرصت‌ها استفاده کرد.» به گفته صیدی تشکیل اولین هولدینگ فلزات گرانبها هم به تصویب رسیده و کارهای آن در حال پیگیری است. برنامه‌ی سخنرانی‌های اولین روز دومین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی به این شرح بود: سخنرانی معاون شرکت آتی‌نگر با موضوع «چشم‌انداز بازار مسکن در سال ۹۳»، سخنرانی مهندس حیدری مدیرعامل شرکت توسعه‌ی ساختمان خوارزمی و مهندس فرشچیان رئیس هیئت مدیره‌ی این شرکت با محوریت «عملکرد شرکت توسعه‌ی ساختمان خوارزمی»، سخنرانی دکتر ثقفی با موضوع «مفاهیم، اصول و اهداف حسابرسی داخلی»، سخنرانی دکتر برکچیان با موضوع «اقتصاد ایران در سال ۹۳» و سخنرانی آقایان عرفانی (نایب رئیس هیئت مدیره‌ی بانک صادرات ایران)، دکتر پاکزاد و دکتر ابن‌الرسول (مشاوران مدیرعامل گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی) به ترتیب با موضوع‌های «اهمیت استقرار مدیریت ریسک در شرکت‌ها»، «مفاهیم، موازین و فرآیند استقرار مدیریت ریسک» و «برنامه‌ریزی استراتژیک». سخنران روز پنج‌شنبه همایش هم دکتر علوی است که با محوریت «کاربرد مفاهیم رهبری خود و رهبری اصیل برای مدیران ارشد» انجام خواهد شد.



همایش سوم مدیران خوارزمی؛ عزمی نو برای تحقق راهبردها

سومین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی اما در روزهای اول تا سوم مهرماه ۱۳۹۳ با حضور حدود ۸۰ نفر از مدیران شرکت‌های وابسته به این گروه در شهر تبریز برگزار شد. در این همایش، دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، از مدیران شرکت‌های وابسته به گروه خوارزمی خواست تا با استفاده از شیوه‌های خلاقانه و ابتکاری در مسیر تحقق برنامه‌ی ۷ ساله‌ی این گروه گام بردارند. مهندس محمدرضا پیشرو، مدیرعامل بانک صادرات نیز در این همایش بر لزوم استفاده از ظرفیت‌های مالی و ارتباطی بیرون از گروه خوارزمی تأکید کرد. دکتر مهدی کرباسیان معاون وزیر صنعت و مدیرعامل سابق شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز در این همایش از اعلام آمادگی ایمیدرو برای همکاری با گروه خوارزمی در بخش صنایع معدنی خبر داد.

در سومین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی، دکتر فضل‌الله ریاحی درباره‌ی «تأمین مالی در ایران و جهان»، دکتر حامد شادکام درباره‌ی «بازار سرمایه، ضرورت توسعه‌ی کسب‌وکار در آینده»، پرهام سیدین با موضوع «شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان در یک نگاه»، دکتر مهدی برکچیان درباره‌ی «عملکرد اقتصاد ایران در فصل اول سال ۹۳»، دکتر عیسی شهسوار خجسته رئیس

کل اسبق سازمان امور مالیاتی کشور با موضوع «نگاهی به نظام مالیاتی ایران با تأکید بر تأثیر اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم بر بنگاه‌های اقتصادی ایران»، دکتر اصغر ابن‌الرسول مدیر طرح و برنامه‌ی گروه خوارزمی درباره‌ی «سنجش عملکرد- کارت امتیازی متوازن»، دکتر ابراهیم صفوی درباره‌ی «سالمندی و سلامت» و منوچهر زمانی، مدیرعامل صرافی سپهر درباره‌ی «مبادلات ارزی» سخنرانی کردند.



دورانی جدید برای گروه خوارزمی

دکتر صیدی در سومین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی، با بیان این‌که از حدود یک سال گذشته دوران جدید خوارزمی را با همت مدیران و کارکنان شروع کرده‌ایم، اظهار کرد: در این دوران، اولین قدم این بود که به این سؤال پاسخ دهیم که چرا در خوارزمی کار می‌کنیم و ذی‌نفعان استراتژیک خوارزمی چه مطالبه‌ای از ما دارند؟ در پی پاسخ به این پرسش، مأموریت خوارزمی در یک عبارت شفاف و صریح «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» تعریف شد. این عبارت کوتاه و در عین حال نمادی پرمعنا و بسیار مهم برای تحقق اهدافی کلان است. برای تحقق این اهداف، برنامه‌های راهبردی و چشم‌انداز ۷ ساله تهیه شد.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی افزود: بر اساس برنامه‌ی راهبردی ۷ ساله‌ی گروه خوارزمی، قرار است در سال ۹۹ این گروه ۳۳ هزار میلیارد تومان دارایی داشته باشد - حدود ۱۰ میلیارد دلار و معادل یک درصد تولید ناخالص داخلی - و ۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان هم سود خلق کند و به ذی‌نفعان خود انتقال دهد.

دکتر صیدی با بیان این‌که ۱۱ ماه از تدوین برنامه‌ی راهبردی ۷ ساله‌ی گروه خوارزمی و حدود ۱۰ ماه از معرفی این برنامه در همایش شیراز گذشته است، اظهار کرد: سال اول اجرای این برنامه سال سختی بود، سال رکود اقتصادی بود و از همین رو، سال سختی برای بنگاه‌ها بود، اما ما با موفقیت این سال را طی کردیم و شرکت‌های زیرمجموعه‌ی گروه خوارزمی کارنامه‌ی خوبی داشتند.

برگزاری مجمع خوارزمی و تصویب سود ۱۵۰ ریالی

اگرچه مهرماه ۹۳ با برگزاری سومین همایش مدیران گروه خوارزمی شروع شد، با برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ به پایان رسید. این مجمع به ریاست محمدرضا عرفانی، نایب رئیس بانک صادرات ایران با حضور بیش از ۹۰ درصد سهامداران و نیز مدیران شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی یکشنبه ۲۷ مهرماه سال جاری در تهران برگزار شد. در این مجمع، پس از ارائه گزارش هیئت مدیره خوارزمی توسط مدیرعامل این شرکت و ارائه گزارش حسابرس و بازرس قانونی، تقسیم ۱۵۰ ریال

سود نقدی برای هر سهم خوارزمی تصویب شد. انتخاب مؤسسه‌ی حسابرسی دایرایان به‌عنوان حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و مؤسسه‌ی حسابرسی کوشامش به‌عنوان حسابرس مستقل و بازرس علی‌البدل و انتخاب روزنامه‌های کثیرالانتشار اطلاعات و دنیای اقتصاد جهت درج آگهی‌های شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز از دیگر مصوبات مجمع عادی سالیانه‌ی این شرکت بود. احمد دودانگه از مؤسسه‌ی همیاری غدیر و بهروز امیدعلی از شرکت سرمایه‌گذاری تأمین آتی‌هی مسکن به‌عنوان ناظرین مجمع و محمدرضا ستایش به‌عنوان منشی جلسه انتخاب شدند. همچنین منصور شمس‌احمدی از سوی مؤسسه‌ی حسابرسی، شاهدان جهت قرائت گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت در مجمع حضور داشت.

ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها

دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی طی سخنانی در مجمع عمومی عادی سالیانه‌ی این شرکت، تدوین برنامه‌ی راهبردی شرکت، ورود به حوزه‌های جدید سرمایه‌گذاری، بهینه‌سازی ترکیب سرمایه‌گذاری‌های موجود و توسعه‌ی آن‌ها، انتقال شرکت‌ها از بازار اولیه به بازار ثانویه و افزایش سرمایه‌ی شرکت را مهم‌ترین گام‌های برداشته‌شده در شرکت برشمردند. وی با بیان این‌که هیئت مدیره‌ی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با تدوین و تصویب کلیات برنامه‌ی راهبردی شرکت در آذرماه ۱۳۹۲ چشم‌انداز تازه‌ای را پیش روی سهامداران و ذی‌نفعان شرکت ترسیم کرده است، گفت: «بر اساس برنامه‌ی راهبردی هفت‌ساله، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در ۳۱ خرداد ۱۳۹۹ یکی از ۵۰ شرکت برتر ایران و همچنین یکی از ۵ شرکت سرمایه‌گذاری و هلدینگ برتر ایران از نظر ارزش جمع دارایی‌ها در ترازنامه خواهد بود. همچنین در تاریخ یادشده ارزش دارایی‌های شرکت معادل حداقل یک درصد رقم تولید ناخالص داخلی کشور به نرخ جاری است و شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی دارای بالاترین نرخ بازدهی دارایی‌ها در بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری ایرانی خواهد بود.» وی با بیان این‌که براساس برنامه‌ی راهبردی ۷ ساله‌ی شرکت، مأموریت شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، افزایش ثروت سهامداران از طریق خلق سود پایدار و با کیفیت تعیین شده است، اظهار کرد: «کمک به توسعه‌ی اقتصادی کشور و افزایش کارایی بازار سرمایه، از اهداف مهم این شرکت است. به‌همین منظور اساسی‌ترین شعار گروه خوارزمی «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» است. مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی گفت: «با توجه به چشم‌انداز و مأموریت تعیین‌شده در برنامه‌ی راهبردی، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در نظر دارد با گسترش فعالیت‌ها در زمینه‌های مختلف با محوریت سرمایه‌گذاری در صنایع بانکداری، مسکن و ساختمان، معادن و صنایع معدنی، انرژی (نفت، گاز و پتروشیمی)، فناوری اطلاعات، بازرگانی، بازار سرمایه و سایر فرصت‌های پربازده سرمایه‌گذاری، به یکی از شرکت‌های برتر سرمایه‌گذاری تبدیل شود و بالاترین نرخ بازده دارایی‌ها در بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری کشور را به خود اختصاص دهد.»

به گفته‌ی وی، بر اساس آمار منتشرشده از سوی بانک مرکزی، بانک‌ها به‌عنوان مهم‌ترین رکن بازار پولی کشور در حوزه‌ی تجهیز منابع، نقشی اساسی و مؤثر در تأمین منابع برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصاد کشور دارند. از سویی دیگر انتظار می‌رود با توجه به بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور در عرصه‌ی بین‌المللی، صنعت بانکداری از سودآوری مطلوب و پایدار برخوردار شود. دکتر صیدی اظهار کرد: «بررسی سهم بخش مسکن و ساختمان در تولید ناخالص داخلی کشور نشان می‌دهد بخش مذکور طی چهار سال اخیر حدود ۷ درصد از کل تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده و طی چند سال اخیر به‌طور متوسط بین ۳۸ الی ۴۴ درصد از کل تشکیل سرمایه‌ی کشور به بخش

مسکن و ساختمان تعلق داشته است. همچنین بخش مسکن و ساختمان یکی از اشتغال‌زاترین بخش‌های اقتصادی کشور به‌شمار رفته و حدود ۱۲ درصد از کل اشتغال کشور به این بخش تعلق دارد. بنابراین صنعت ساختمان با وجود برخی چالش‌ها به لحاظ سودآوری مطلوب برای سرمایه‌گذاران و ارزش‌آفرینی در تولیدات داخلی کشور از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد ایران برخوردار است.» مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی گفت: «ایران با دارا بودن حدود ۳ درصد از ذخایر معدنی جهان، رتبه‌ی نخست خاورمیانه و سوم آسیا را در اختیار دارد و در شمار ۱۰ کشور برتر از نظر ارزشمندی معادن طبیعی در جهان قرار دارد، به‌طوری‌که ارزش ذخایر معدنی کشور بالغ بر ۷۷۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود.»

وی همچنین افزود: «در مجموع مزیت‌هایی همچون دسترسی به معادن غنی در کشور و دسترسی به تکنولوژی استخراج و فرآوری سنگ‌های معدنی از یک سو و ارزان‌تر بودن انرژی در کشور نسبت به رقبای جهانی از سوی دیگر، فعالیت در صنایع معدنی و فلزات اساسی را در اولویت‌های سرمایه‌گذاری قرار داده است.»

دکتر صیدی اظهار کرد: «ایران با دارا بودن ۱۵۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده نفت خام در رتبه‌ی چهارم جهان و با ۳۳ هزار میلیارد متر مکعب ذخایر اثبات‌شده‌ی گاز طبیعی در رتبه‌ی دوم جهان قرار دارد، که این موضوع زیربنای خودکفایی ایران در بخش انرژی را فراهم می‌آورد. همچنین

سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی نفت و گاز از مزایای دسترسی به منابع تأمین انرژی و خوراک مصرفی، موقعیت استراتژیک ایران به لحاظ جغرافیایی و نزدیکی به آب‌های بین‌المللی و بازارهای صادراتی، مشوق‌ها و حمایت‌های دولتی و امکان تکمیل زنجیره‌ی ارزش و ایجاد ارزش افزوده‌ی بالا برخوردار است.»

به گفته‌ی وی، در حوزه‌ی برق نیز مجموع ظرفیت تولید برق ایران در سال ۲۰۱۳ در حدود ۶۰ هزار مگاوات بوده است. مطابق پیش‌بینی‌های معتبر، میزان تولید خالص سالیانه و همچنین مصرف سالیانه‌ی برق ایران در سال ۲۰۱۴ میلادی به ترتیب معادل ۱۸۶ و ۱۹۰ تراوات ساعت خواهد بود. میزان رشد تقاضای برق در ایران تا سال ۲۰۲۲ نیز سالانه حدود ۳/۶ درصد خواهد بود، این در حالی است که رشد تولید برق در دوره‌ی مذکور معادل ۳/۵ درصد برآورد شده است. لازم به توضیح است که ایران از نظر جغرافیایی در مجاورت کشورهای پاکستان و هند قرار دارد، که با مشکل کمبود برق مواجه هستند و این امر فرصت مناسبی را برای صادرات برق به کشورهای مذکور فراهم کرده است. مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی گفت: «ایران در زمره کشورهای در حال توسعه قرار دارد، از این رو چشم‌انداز صنعت IT در ایران بسیار روشن ارزیابی می‌شود و انتظار می‌رود سمت تقاضا در این صنعت با رشد روزافزون همراه باشد. از این رو، سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی فناوری اطلاعات از جمله صنایع سودآور دسته‌بندی می‌شود.»



توسعه‌ی سرمایه‌گذاری‌ها

دکتر صیدی همچنین از خرید نیروگاه منتظر قائم، تأسیس شرکت توسعه‌ی معادن صدر جهان، خرید بخشی از سهام شرکت توسعه‌ی آهن و فولاد گل‌گهر، افزایش سرمایه‌گذاری و عضویت در هیئت مدیره در بانک صادرات ایران به عنوان مهم‌ترین فعالیت‌های انجام‌شده در خصوص تنوع‌بخشی به ساختار پرتفوی گروه خوارزمی، در جهت نیل به اهداف برنامه‌ی راهبردی شرکت نام برد. دکتر صیدی گفت: «در حوزه‌ی انرژی، نیروگاه منتظر قائم در واپسین روزهای سال ۱۳۹۲ با قیمتی منصفانه و شرایطی مناسب توسط گروه خوارزمی خریداری گردید. این نیروگاه از طریق شرکت توسعه‌ی برق و انرژی سپهر (با مالکیت ۱۰۰ درصدی گروه خوارزمی) به منظور مدیریت حرفه‌ای و بهبود عملکرد نیروگاه خریداری شد. همچنین اقداماتی برای تجهیز تیم تخصصی مدیریتی نیروگاه و برنامه‌ریزی برای بهبود عملکرد آن از طریق افزایش بهره‌وری، افزایش تولید، تغییر ساختاری بهای تمام‌شده صورت پذیرفت. شایان ذکر است، نیروگاه منتظر قائم دارای مزایای بالقوه‌ای شامل امکان افزایش راندمان نیروگاه، امکان افزایش سودآوری، اجرای طرح‌های بهبود فرآیندها و تولید با هدف افزایش ارزش در میان‌مدت است و افزایش ظرفیت نیروگاه جهت تأمین ۱۰ درصد از برق مورد نیاز کشور در برنامه‌ی بلندمدت آن قرار دارد.» وی با بیان این‌که حوزه‌ی فناوری اطلاعات با محوریت صنعت بانکداری و نظام پرداخت‌های الکترونیکی از مهم‌ترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور طی سال‌های اخیر و با چشم‌انداز روبه رشد برای آینده است، اظهار کرد: «گروه خوارزمی با شناسایی فرصت‌های دارای ارزش افزوده در این بخش، از طریق سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های توسعه‌ی فناوری اطلاعات خوارزمی و داده‌پردازی خوارزمی و همچنین سهامداری در شرکت کارت اعتباری ایران کیش، برنامه‌ی توسعه‌ی فعالیت در حوزه‌ی مذکور را دارد.»

تحقق افزایش سرمایه‌ی ۱۱۳ درصدی

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی همچنین با اشاره به مصوبه‌ی مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۲۰ بهمن ماه سال گذشته‌ی این شرکت، مبنی بر افزایش سرمایه در دو مرحله از مبلغ ۴,۶۸۵ میلیارد ریال به ۱۵,۰۰۰ میلیارد ریال اظهار کرد: «در مرحله‌ی اول، افزایش سرمایه بیش از ۱۱۳ درصدی شرکت با هدف اجرای بخشی از برنامه‌ی تأمین منابع مورد نیاز شرکت در سال ۱۳۹۳ از مبلغ ۴,۶۸۵ میلیارد ریال به مبلغ ۱۰,۰۰۰ میلیارد ریال از محل مطالبات و آورده‌ی نقدی به میزان ۵/۶۶ درصد و از محل اندوخته‌های شرکت به میزان ۹/۴۶ درصد، پس از تصویب در مجمع عمومی فوق‌العاده‌ی صاحبان سهام و اخذ مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ و طی مراحل قانونی، در مردادماه ۱۳۹۳ ثبت شد.

رشد ۷۴ درصدی سود خالص

دکتر صیدی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «به‌طور کلی عملکرد مالی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ نشان‌دهنده‌ی رشد سود عملیاتی و سود خالص شرکت به ترتیب معادل ۶۴ و ۷۴ درصد است.» وی افزود: «سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها در سال مالی مورد گزارش، با رشد ۷۴ درصدی از مبلغ ۱,۳۵۳ میلیارد ریال به ۲,۳۵۱ میلیارد ریال افزایش یافته است.»



مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی افزود: «از سویی دیگر به جهت افزایش شفافیت و شناسایی ارزش سهام توسعه‌ی فناوری اطلاعات خوارزمی، برنامه‌ی عرضه‌ی سهام این شرکت با نماد مفاخر در بازار دوم فرابورس عملیاتی شد، که با استقبال سرمایه‌گذاران خرد و نهادی مواجه شد.» به گفته‌ی وی، گروه خوارزمی در حوزه‌ی بانکداری، با خرید ۶/۱ درصد از سهام بانک صادرات ایران با شرایطی مناسب، اقدام به سرمایه‌گذاری بلندمدت در یکی از بانک‌های دارای پتانسیل بالا کرده است. همچنین شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی از طریق عضویت در هیئت مدیره‌ی بانک صادرات ایران، در سیاست‌گذاری‌های کلان این بانک معظم ایفای نقش می‌کند. از این رو، انتظار می‌رود با توجه به اهداف بلندمدت گروه خوارزمی در تنوع‌بخشی به پرتفوی سرمایه‌گذاری‌ها، شاهد توسعه و توازن هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع هدف باشیم.

دکتر صیدی همچنین از اجرای بخشی از طرح توسعه‌ی شرکت لابراتوارهای سینادارو، توسعه‌ی فعالیت‌ها در بخش املاک و مستغلات، گسترش فعالیت‌ها در بخش واسطه‌گری مالی و افزایش نقدشوندگی پرتفوی سیمانی به عنوان سایر اقدام‌های مهم گروه خوارزمی در مسیر دستیابی به اهداف برنامه‌ی هفت‌ساله‌ی این شرکت نام برد.

تصویب ۱۵۰ ریال سود تقسیمی به ازای هر سهم

دکتر صیدی با بیان این که میزان سود تقسیمی برای سال مالی مورد گزارش، بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد ریال برآورد می‌شود، افزود: سود تقسیمی شرکت طی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب معادل ۸۸۸ و ۱۰۱۷۱ میلیارد ریال بوده است. همچنین پیشنهاد هیئت مدیره برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ مبلغ ۱۱۰ ریال به ازای هر سهم با سرمایه‌ی جدید است. (مبلغ ۱۵۰ ریال به ازای هر سهم معادل ۱۵۰۰ میلیارد ریال مورد تصویب مجمع قرار گرفت.) مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی اعلام کرد: «بازدهی سهام شرکت طی سال مالی مورد گزارش معادل ۶۸ درصد محاسبه شده است. همچنین بررسی‌ها حاکی از آن است که طی دوره‌ی مذکور، بازدهی شاخص کل بورس معادل ۵۰ درصد و بازدهی شاخص صنعت سرمایه‌گذاری معادل ۶۷ درصد بوده است. همچنین مقایسه بازدهی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با شرکت‌های سرمایه‌گذاری فعال بورسی و فرابورسی طی سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۳۹۳، نشان می‌دهد شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با وجود سهام شناور ۴۹ درصدی، با کسب بازدهی ۶۸ درصد رتبه‌ی پنجم را در میان ۱۴ شرکت سرمایه‌گذاری به خود اختصاص داده است.» به گفته‌ی وی، به‌طور متوسط تعداد سهام معامله‌شده‌ی روزانه‌ی شرکت از حدود ۵ میلیون سهم در سال مالی منتهی به ۳۱/۰۳/۱۳۹۲ به بیش از ۱۰ میلیون سهم در سال مالی منتهی به ۳۱/۰۳/۱۳۹۳ افزایش یافته است. همچنین طی سال مالی منتهی به ۳۱/۰۳/۱۳۹۳ متوسط ارزش معاملات روزانه‌ی سهام شرکت با رشد ۲۴۳ درصدی نسبت به سال مالی ماقبل از ۷ میلیارد ریال به ۲۴ میلیارد ریال افزایش یافته است.

برنامه‌های آتی گروه خوارزمی

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی همچنین با تأکید بر تدوام حرکت گروه خوارزمی بر مبنای برنامه‌ی راهبردی هفت‌ساله، از پایش پیوسته‌ی پرتفوی گروه خوارزمی در راستای تحقق برنامه‌ی راهبردی هفت‌ساله‌ی شرکت از طریق بهبود ساختار و مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری‌های گروه، توسعه‌ی سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع هدف در جهت دستیابی به اهداف عملیاتی برنامه‌ی هفت‌ساله‌ی شرکت، ارتقاء فعالیت‌های نیروگاه منتظر قائم شامل افزایش بهره‌وری و راندمان نیروگاه، افزایش ضریب بهره‌برداری، کاهش بهای تمام‌شده‌ی تولید برق از طریق اصلاح ساختار مصرف سوخت نیروگاه و نیز انجام اقدامات عملیاتی جهت کوتاه‌تر کردن دوره‌ی وصول مطالبات و اجرای برنامه‌های عملیاتی هلدینگ معدنی توسعه‌ی معادن صدر جهان نام برد. او همچنین گسترش فعالیت در حوزه‌ی انرژی از طریق تأسیس هلدینگ نفت، گاز و پتروشیمی، توسعه‌ی سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه‌ی فناوری اطلاعات از طریق شرکت توسعه‌ی فناوری اطلاعات خوارزمی (مفاخر) و تجدید ساختار آن در قالب هلدینگ، ارتقاء بهره‌وری و بهبود عملکرد شرکت‌های گروه خوارزمی، پیاده‌سازی نظام ارزیابی عملکرد در جهت توسعه‌ی فرآیندهای اجرایی و ارزیابی عملکرد شرکت‌های گروه خوارزمی و برنامه‌ریزی جهت ورود شرکت‌های گروه به بورس اوراق بهادار را از جمله دیگر برنامه‌های آتی شرکت برشمرد.



توصیه‌های کاربردی پروفیسور به شرکت‌های ایرانی

حضور پروفیسور ابوالحسن جلیوند، عضو هیئت مشاوره‌ی دانشکده‌ی بازرگانی دانشگاه ایالتی شیکاگو در جمع مدیران و کارشناسان ارشد شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و برگزاری دومین کارگاه آموزشی مباحث پیشرفته در امور مالی و سرمایه‌گذاری، یکی از رویدادهای قابل توجه پاییز ۹۳ در خوارزمی بود.

پروفیسور جلیوند در حاشیه‌ی این کارگاه آموزشی، با وب سایت

رسمی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی به گفت‌وگو

نشست. وی در این گفت‌وگو با اشاره به قوت

گرفتن توافق جامع میان ایران و ۵+۱ و

رفع تحریم‌های ظالمانه‌ی اقتصادی غرب

علیه ایران، به شرکت‌های فعال در داخل

کشور توصیه کرد، خود را برای شرایط

پس از رفع تحریم‌ها آماده کنند.

او در بخشی از این گفت‌وگو اظهار

کرد: شرکت‌های بورسی ایران به

خطر تحریم‌ها دچار مشکلاتی هستند،

اما ایران هنوز با بسیاری از کشورهای

خارجی ارتباط دارد و خیلی از شرکت‌های

ایرانی در حال کار با این کشورها هستند. در

عین حال، به نظر من مذاکرات ایران و ۵+۱ که در

حال انجام است، به نتیجه خواهد رسید. از این رو، مهم‌ترین

کاری که شرکت‌های ایرانی باید انجام دهند، این است که خود را برای شرایط پس از رفع تحریم‌های ظالمانه‌ی غرب علیه ایران آماده کنند.

به گفته‌ی وی، در صورت پیشرفت مذاکرات هسته‌ای، تقاضا برای معامله با شرکت‌های ایرانی بسیار زیاد می‌شود و شرکت‌هایی که آینده‌نگری نکرده‌اند، دچار مشکل می‌شوند.

وی افزود: الان به نظر من یکی از مهم‌ترین کارهایی که شرکت‌ها باید انجام دهند، این است که باید فکر کنند که چگونه خود را با این شرایط هماهنگ کنند، برای این که شرکت‌های خارجی برای انتخاب شرکای خود صبر نخواهند کرد.

پروفیسور جلیوند پیش از این در تابستان سال جاری اولین کارگاه آموزشی مباحث پیشرفته مدیریت مالی را برای مدیران و کارشناسان ارشد شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی برگزار کرده بود. همچنین قرار است در تابستان سال ۹۴ نیز سومین کارگاه آموزشی خود را برای مخاطبان یادشده برگزار کند.



ارتقای ساختار سازمانی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

ساختار سازمانی جدید شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) اما در آذرماه در هیئت مدیره‌ی این شرکت تصویب شد.

در ساختار جدید این شرکت، مدیریت‌های «امور مالی و اقتصادی»، «امور اداری و پشتیبانی»، «امور سرمایه‌گذاری و توسعه»، «امور طرح و برنامه» و «امور شرکت‌ها و مجامع» به «معاونت» ارتقا یافتند.

از همین رو، دکتر حجت‌اله صیدی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با صدور احکام جداگانه‌ای، معاونان خود در «امور مالی و اقتصادی»، «امور اداری و پشتیبانی»، «امور سرمایه‌گذاری و توسعه»، «امور طرح و برنامه» و «امور شرکت‌ها و مجامع» را منصوب کرد.

بر این اساس، دکتر محمدرضا ستایش به عنوان معاون امور مالی و اقتصادی؛ دکتر سیدرضا موسوی به عنوان معاون امور سرمایه‌گذاری و توسعه؛ مرتضی داودی به عنوان معاون امور اداری و پشتیبانی؛ دکتر سیداصغر ابن‌الرسول به عنوان معاون امور طرح و برنامه و فریبرز تقفی به عنوان معاون امور شرکت‌ها و مجامع منصوب شدند. دکتر صیدی همچنین در نشست شورای برنامه‌ریزی و هماهنگی گروه خوارزمی ضمن تبیین اهداف این تغییرات، با تقدیر و تشکر از زحمات و تلاش‌های بی‌وقفه‌ی عباسعلی ارجمندی (مدیر سابق امور شرکت‌ها و مجامع گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی)، از ادامه‌ی همکاری فعالانه‌ی وی با گروه خوارزمی در سمت مدیرعامل شرکت توسعه‌ی مدیریت سرمایه‌ی خوارزمی خبر داد و برای وی در ارتقای سطح کیفی و کمی فعالیت‌های این شرکت آرزوی توفیق کرد.

پایش برنامه‌ی ۷ ساله‌ی خوارزمی در چهارمین همایش سراسری مدیران

چهارمین همایش از سلسله همایش‌های سراسری مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی، هشتم و نهم بهمن‌ماه ۹۳ با حضور بیش از ۷۰ نفر از مدیران ارشد گروه خوارزمی، مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره‌ی کلیه‌ی شرکت‌های این گروه، با سخنرانی دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در شهر کرمان برگزار شد. او در سخنرانی خود از جمله تأکید کرد که اهداف مرحله‌ای برنامه‌ی راهبردی ۷ ساله‌ی گروه خوارزمی مربوط به سال اول اجرای این برنامه محقق شده است.

دکتر حسن درگاهی، اقتصاددان؛ **مهندس مسعود خوانساری**، عضو اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران؛ **سعید جمشیدی‌فر**، نایب رئیس شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران؛ **دکتر محمودی مظفر**، روانشناس و عضو هیئت علمی دانشگاه نیز از جمله سخنرانان این همایش دو روزه بودند. بر اساس این خبر، دکتر صیدی در این همایش با اشاره

نشست تخصصی نوآوری در مدیریت ریسک

برگزاری نشست تخصصی «چشم‌انداز اقتصاد جهانی و نوآوری‌های جدید در مدیریت ریسک» به همت شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، مرکز مالی ایران و شرکت سمات و سخنرانی پروفیسور جلیوند در آن، تحول پاییزی دیگری بود.

دکتر حجت‌اله صیدی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، علی نقوی مدیرعامل مرکز مالی ایران، حامد سلطانی‌نژاد مدیرعامل شرکت سمات، دکتر عنایت مدیرعامل کارگزاری پارسیان از جمله چهره‌های شناخته‌شده‌ی حاضر در این نشست تخصصی بودند.

سخنان پروفیسور جلیوند اما در این نشست تخصصی در دو بخش «چشم‌انداز اقتصاد جهان» و «نوآوری‌های جدید در مدیریت ریسک» ارائه شد و در پایان نیز دکتر جلیوند به سؤالات حاضران پاسخ گفت.

به این که یک سال از نخستین همایش مدیران گروه خوارزمی و معرفی برنامه‌ی راهبردی ۷ ساله‌ی گروه خوارزمی می‌گذرد، گفت: بر اساس این برنامه، مأموریت اصلی ما حول شمارمحوری شرکت یعنی «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» است.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی افزود: بر اساس برنامه‌ی راهبردی ۷ ساله‌ی گروه خوارزمی، قرار است در سال ۹۹ این گروه ۳۳ هزارمیلیارد تومان دارایی داشته باشد - حدود ۱۰ میلیارد دلار و معادل یک درصد تولید ناخالص داخلی- و ۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان هم سود خلق کند و به‌ذی‌نفعان خود انتقال دهد.

به گفته‌ی وی، همایش‌های دوره‌ای مدیران گروه خوارزمی برای کمک به تضمین تحقق این اهداف است.

دکتر صیدی افزود: در این همایش‌ها تلاش می‌کنیم اشکالات احتمالی را مرور کنیم تا قدم‌های بعدی را استوارتر برداریم. همچنین وظیفه داریم گروه و شرکت‌های تابعه را از نظر دانش و اطلاعات ارتقا دهیم. از این رو، این همایش‌ها، ابزاری برای ارتقای کیفیت مدیریت کارآمد بر این مجموعه است.

وی همچنین خبر داد که در یک‌ساله‌ی اول اجرای برنامه‌ی راهبردی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، اهداف مربوط به سال نخست اجرای آن تحقق یافته است. این واقعیت باعث شد که مجمع عمومی عادی سالیانه‌ی خوارزمی نیز به گونه‌ای موفق برگزار شود.

دکتر صیدی افزود: این موفقیت در شرایطی حاصل شده که اقتصاد کشور در شرایط خاص رکود تورمی قرار داشته است، اما با وجود این مسئله، گروه خوارزمی عملکرد خوبی داشت و توانست سود نقدی مناسبی را نیز تقسیم کند.

هادی بیک، مدیرعامل شرکت تجارت‌گستران، **دکتر علی کاظمی**، عضو هیئت مدیره‌ی شرکت تجارت‌گستران و **دکتر حسن درگاهی** اقتصاددان سخنرانان بعدی نشست صبح روز نخست چهارمین همایش مدیران خوارزمی بودند.

هادی بیک با بیان این که فعالیت رسمی شرکت تجارت‌گستران از سال ۱۳۸۶ شروع شده است، مأموریت اصلی این شرکت را حضور فعال در عرصه‌ی بازرگانی بین‌المللی عنوان کرد.

دکتر کاظمی نیز درباره‌ی «روندهای آتی توسعه‌ی راهبردی بنگاه‌ها و نگاهی به وضعیت بازرگانی کشور» سخن گفت. دکتر درگاهی، استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی نیز «مکانیزم‌های خلق پول بانکی و سیاست پولی در ایران» را محور سخنرانی خود قرار داد. به گفته‌ی وی، سیاست‌های انبساطی پولی کمکی به تولید نمی‌کند. از این رو، در صورتی که دوباره نقدینگی افزایش یابد، غیر از بالا رفتن تورم نتیجه‌ی دیگری حاصل نخواهد شد.

دکتر ابن‌الرسول از چگونگی طراحی و اجرای برنامه‌ی راهبردی شرکت‌های تابعه‌ی گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی همسو با اهداف کلان گروه خوارزمی، گزارشی اجمالی ارائه کرد.

مهندس مسعود خوانساری نیز درباره‌ی «پیش‌شرط‌های توفیق سیاست‌های مالی ۱۳۹۴ کشور» سخنرانی کرد. وی با تأکید بر این که برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی مطلوب سالیانه و سیاست‌های مالی دولت یکی

از مهم‌ترین ابزارهای دولت در تحقق سیاست‌های مالی و اقتصادی است، گفت: «لایحه‌ی پیشنهادی بودجه‌ی سال ۱۳۹۴ در شرایطی توسط دولت به مجلس تقدیم شد که با وجود تلاش مؤثر، ملموس و قابل تحسین دولت در رعایت قانون و تنظیم و ارائه‌ی به‌موقع برنامه و بودجه‌ی سال آتی به مجلس، به نظر می‌رسد به دلیل نوسانات و شرایط بیرونی قیمت جهانی نفت و تداوم تحریم‌ها، تحقق درآمدها و منابع با اطمینان لازم مواجه نیست.»

وی بر ضرورت تداوم انضباط مالی دولت، گشودن راه‌های مؤثر برای حضور هرچه وسیع‌تر بخش خصوصی در اقتصاد و کاهش مداخلات دولت در اقتصاد و کاستن از حجم گسترده‌ی قوانین و مقررات دست‌وپاگیر در این عرصه تأکید کرد.

دکتر مظفر محمودی، روان‌شناس نیز بحثی پیرامون «زبان بدن» در ارتباطات انسانی و اجتماعی را محور سخنان خود قرار داد.

دکتر درگاهی درباره‌ی موضوع «چرخه‌های اقتصادی در بخش نفت، صنعت و بازار مالی» سخنرانی کرد. او گفت: «شوگ منفی نفتی نسبت به شوگ مثبت نفتی اثر بزرگ‌تری بر شاخص بازار سهام دارد.»

این اقتصاددان همچنین اظهار کرد: «تجزیه و تحلیل مدل‌های اقتصادی، نشان می‌دهد که ارزش افزوده‌ی بخش صنعت، درآمدهای نفتی، نقدینگی، نرخ ارز حقیقی، مالیات بر شرکت‌ها و همچنین سایر دارایی‌های جایگزین (شامل قیمت مسکن و نرخ سود سپرده‌ی بانکی) در تحولات بلندمدت بازار سهام ایران نقش دارند و وجود یک رابطه‌ی بلندمدت میان متغیرهای مذکور تأیید شده است.»

وی افزود: «شوگ‌های وارد بر این متغیرها بر بازار سهام اثرگذار است، اما بیشترین تأثیر را در بلندمدت عوامل درونی بازار و قیمت دارایی‌های جایگزین به عهده دارند.»

به گفته‌ی وی، در کوتاه‌مدت، بیشترین تغییرات قیمت سهام تحت تأثیر عوامل درونی بازار سهام، قیمت دارایی‌های جایگزین و تحولات درآمدهای نفتی است.

دکتر سیدمهدی برکچیان نیز برای سخنرانی درباره‌ی موضوع «چشم‌انداز میان‌مدت و کوتاه‌مدت اقتصاد ایران» پشت تریبون قرار گرفت. او با مرور روند تاریخی تحولات اقتصادی کشور طی ۵ سال گذشته، برآوردی از تحولات میان‌مدت اقتصاد ایران را برای ۷ سال پیش رو ارائه کرد.

دکتر برکچیان همچنین گفت: «اگر طی سال‌های ۹۱ و ۹۲ تحریم‌های شدید نفتی و بانکی علیه ایران اعمال نمی‌شد، رشدهای منفی ۶۸- و ۱۹- در این دو سال، نزدیک به صفر می‌شد و به عبارت دیگر، حتی در صورت عدم اعمال تحریم‌های مذکور، باز هم شرایط و عوامل لازم برای رشد اقتصادی مطلوب فراهم نبود.» موضوع «راهبری شرکتی و وظایف هیئت مدیره» موضوع سخنرانی سعید جمشیدی‌فرد نایب رئیس شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران بود.

دکتر حجت‌اله صیدی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز در پایان این همایش دو روزه، ضمن جمع‌بندی اجمالی برنامه‌های همایش، چشم‌اندازی از مهم‌ترین فعالیت‌های پیش روی گروه خوارزمی را ارائه کرد.





موفقیت‌های خوارزمی در سال ۹۳

پرداخت سود نقدی ۱۵۰ ریالی برای هر سهم خوارزمی، تثبیت جایگاه خوارزمی در میان شرکت‌های فعال بورس و تقدیر از «خوارزمی» در نخستین کنفرانس بین‌المللی هلدینگ ایران، اهدای لوح سپاس به شرکت مفاخر و اهدای تندیس «سازهی برتر فاخر» به توسعه‌ی ساختمان خوارزمی را می‌توان در شمار موفقیت‌های گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی طی چند ماهه‌ی انتهایی سال ۹۳ محسوب کرد.

شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) توانست در یک زمانبندی منظم و با همکاری بانک صادرات ایران از تاریخ ۱۵ دی‌ماه تا ۳۰ بهمن‌ماه ۱۳۹۳ سود نقدی ۱۵۰ ریالی بابت هر سهم گروه خوارزمی برای سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ را به سهامداران حقیقی خود پرداخت کند.

افزون بر این، به گواه آخرین گزارش سازمان بورس و اوراق بهادار از رتبه‌بندی ۵۰ شرکت فعال تر بورس در سه ماهه‌ی دوم ۱۳۹۳، شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) در رتبه ۲۶ این رتبه‌بندی قرار گرفت. اما از آن‌جا که شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در طبقه‌بندی شرکت‌های بورسی، در گروه سرمایه‌گذاری - واسطه‌گری مالی قرار می‌گیرد، مقایسه‌ی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با شرکت‌های هم‌گروه خود صحیح‌تر به نظر می‌رسید. به همین دلیل بررسی کارشناسان شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نشان داد که این شرکت در بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری حاضر، در فهرست ۵۰ شرکت فعال تر بورس، رتبه‌ی ۶ را کسب کرده است. تقدیر از شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در نخستین کنفرانس بین‌المللی هلدینگ ایران، موفقیت دیگری بود که در بهمن‌ماه رقم خورد. در این کنفرانس، از شرکت‌های سرمایه‌گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تأمین (تاپیکو)، سرمایه‌گذاری غدیر، گروه



گسترش نفت و گاز پارسین، سرمایه‌گذاری خوارزمی و گروه مالی ملت به عنوان هلدینگ‌های پیشرو و بانک مهر اقتصاد در بخش اهتمام به هلدینگ با اهدای لوح و تندیس تقدیر شد. این کنفرانس شامگاه ۱۱ بهمن با حضور دکتر سلطانی فر، معاون رئیس‌جمهور برگزار شده بود.

دراولین نشست هم‌اندیشی بانک‌ها و شرکت‌های فناوری با عنوان «چالش‌های امروز و چشم‌انداز فردا» اما شرکت توسعه‌ی فناوری اطلاعات خوارزمی (مفاخر)، به پاس ارائه‌ی خدمات نوین و حمایت از اقدامات دانش‌بنیان، لوح سپاس دریافت کرد.

موفقیت دیگر مربوط به پروژه‌ی ساختمانی «مجتمع چندمنظوره‌ی کودکان هما» است، که شرکت توسعه‌ی ساختمان خوارزمی را در دست احداث دارد. این پروژه در اولین همایش ملی مهندسی‌سازی ایران به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص معماری با دریافت تندیس و تقدیرنامه به کسب عنوان «سازهی برتر فاخر» کشور نائل آمد. مجتمع چندمنظوره‌ی کودکان هما (Homa Kids Complex) با هدف ایجاد مجموعه‌ای تخصصی برای کودکان توسط شرکت توسعه‌ی ساختمان خوارزمی - یکی از شرکت‌های وابسته به گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) - طراحی و وارد فاز اجرایی شده است. این پروژه در حوزه‌های تجاری، اداری و فرهنگی با هدف ایجاد فضایی مطابق با استانداردهای بین‌المللی و اختصاصی برای کودکان برنامه‌ریزی و طراحی شده و در حال ساخت است.

گفت‌وگوهای دکتر صیدی با مطبوعات

گفت‌وگوهای دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) با مطبوعات داخلی و خارجی در حوزه‌ی اقتصاد و بازار سرمایه و همچنین نگارش یادداشت‌های تخصصی برای رسانه‌ها را نیز در شمار رویدادهای مهم شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی می‌توان ارزیابی کرد. پاسخ دکتر صیدی به سؤال **روزنامه‌ی دنیای اقتصاد** (تسهیلات بانکی برای بنگاه‌ها؛ کدام مهم‌تر است: نرخ ارزان یا دسترسی آسان؟) در قالب یادداشت در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۹۳ و در روزنامه‌ی یادشده به چاپ رسید. به نظر وی، راهکار مناسب پیشنهادی در کوتاه‌مدت برای اعطای تسهیلات جهت حل مشکل سرمایه در گردش بنگاه‌ها، آسان‌سازی شرایط اخذ وام برای آن دسته از بنگاه‌های بخش پیشران اقتصاد است، که دلایل توجیهی و علمی متقنی را برای نیاز خود داشته باشند و در این رابطه تخصیص رقی محدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان در ماه‌های آینده ضرورت دارد.

ماهنامه‌ی معتبر «یورومانی» اما ناشر دیگر اظهارات دکتر صیدی بود. در اواخر شهریورماه این مجله‌ی معتبر در گزارشی نظر چند نفر از مدیرعاملان بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و از جمله دکتر صیدی را درباره‌ی اقتصاد ایران انعکاس داده بود. صیدی به فهرست بلندبالایی از این منابع مانند مس، طلا، نیکل، روی، کبالت، فسفات، گچ و سنگ آهک اشاره می‌کند (وی اشاره‌ای به منابع اورانیوم نمی‌کند که خود داستان دیگری است) و معتقد است «اگر درها به روی این جمعیت جوان باز شوند، کارهای بسیاری می‌توان انجام داد».

گزارش یورومانی توسط وب سایت رسمی شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی ترجمه و منتشر شد. سپس **روزنامه‌ی اقتصادی «تعالد»** در روز یکشنبه ۱۸ آبان ترجمه‌ی گزارش یادشده را در صفحه‌ی نخست خود منعکس کرد.

در تحولی دیگر، **روزنامه‌ی دنیای اقتصاد**، ۲۵ آذرماه سال جاری یادداشتی از دکتر حجت‌اله صیدی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی را با عنوان «ریشه‌یابی ریزش شاخص بورس» در صفحه‌ی نخست خود منتشر کرد. دکتر صیدی در این یادداشت ۶ دلیل برای افت شاخص کل بورس در هفته‌های منتهی به ۲۵ آذر عنوان کرده بود: ۱- برآورده نشدن انتظارات بیش از واقع و بسیار خوشبینانه‌ی سرمایه‌گذاران از مذاکرات هسته‌ای در اوایل ماه جاری، ۲- افت شدید قیمت نفت در هفته‌های اخیر (که موجب افت بورس‌های منطقه نیز شده است) ۳- ارائه‌ی بودجه‌ی انقباضی و البته تا حدود زیادی منطقی از طرف دولت با تأکید بر این‌که ابهام‌های مهمی نیز در آن وجود دارد، ۴- موارد تعیین تکلیف نشده‌ی مهمی مانند سیاست‌های خصوصی‌سازی، وضعیت پالایشگاه‌ها و قانون مالیات‌ها، ۵- سیاست‌های پولی بلندمدت و کوتاه‌مدت، ۶- از همه مهم‌تر رکود شدیدی که همچنان در اقتصاد وجود دارد.

دکتر حجت‌اله صیدی همچنین در میزگردی که به همت **هفته‌نامه‌ی تجارت فردا** برگزار و در روز شنبه ۶ دی‌ماه ۱۳۹۳ در این مجله منتشر شد، دلایل افت شاخص کل بورس در هفته‌های منتهی به دی‌ماه ۹۳ را تشریح کرد.

دکتر صیدی در میزگرد **تجارت فردا**، برخی ریزش‌های شاخص بورس در طول اسفند را امری طبیعی دانست و گفت: «در شرایط فعلی فضای شفاف‌ی برای سرمایه‌گذاری وجود ندارد. وقتی این فضا مهیا نیست و با عدم شفافیت‌ها مواجهیم، نمی‌توان انتظار داشت بازارها با مشکل مواجه نشوند. وقتی سیاست‌های دولت نامشخص است (البته منظور از دولت تمام نهادهای سیاست‌گذار و قانون‌گذار اعم از مجلس و دولت و سایر نهادهای مرتبط است) چگونه شرکت‌ها می‌توانند بر اساس آن پیش‌بینی‌های خود را انجام دهند و انتظار داشته باشیم نه‌تنها زبان ندهند بلکه سوددهی هم داشته باشند».

«نقش فرهنگی فعالان در بازار سرمایه» عنوان یادداشتی بود که دکتر صیدی برای **روزنامه‌ی اقتصادی تعادل** نوشت و ۱۰ دی‌ماه ۹۳ در صفحه‌ی نخست این روزنامه به چاپ رسید. او در این یادداشت نوشته بود: از دیرباز رابطهی متقابل اقتصاد و فرهنگ مورد توجه متفکرین و نظریه‌پردازان مختلف بوده است و آنچه اجمالاً می‌توان به آن اشاره کرد، این است که این دو مقوله‌ی اجتماعی تأثیر عمیقی بر یکدیگر داشته و گسترش یا ارتقای یکی بدون بهبود دیگری میسر نبوده است. بنگاه‌های اقتصادی به‌ویژه شرکت‌های سرمایه‌گذاری همواره در کنش‌های عملیاتی خود به دو نکته‌ی مهم توجه دارند. که اولی سودآوری و دومی ایفای مسئولیت اجتماعی است. بدیهی است که توجه صرف به یکی از این دو می‌تواند تبعات ناپسند یا غیرقابل تأییدی داشته باشد. از سوی دیگر موفقیت این بنگاه‌ها تا حدود زیادی در گرو فراهم بودن زمینه‌های فرهنگی و رفتاری مناسب در بازار سرمایه است.

در تحولی دیگر، تصویر تمام قد دکتر حجت‌اله صیدی در دی‌ماه ۹۳ با تیتیر «نسبت به خروج از بحران خوش‌بینم» روی جلد **ماهنامه‌ی بازار و سرمایه** قرار گرفت. او در گفت‌وگویی با ماهنامه‌ی یادشده، وضعیت بازار سرمایه در روزهای پس از ۳ آذر را تشریح کرده بود. به اعتقاد وی، اقتصاد کشور به دلایل مختلف با بحران مواجه است و بازار سرمایه نیز متأثر از این بحران دچار ریزش شده است. وی همچنین پیش‌بینی کرده بود که بورس با همین شرایط سال ۹۳ را به پایان خواهد رساند، اما در عین حال به حل‌وفصل مشکلات خوش‌بین هستم.

روزنامه‌ی تعادل نیز در روزهای نخست بهمن‌ماه ۹۳ گفت‌وگوی مفصل خود با دکتر صیدی را منتشر کرد. تحلیل برخی از مسائل اقتصاد کلان مرتبط به بازار سرمایه، محور این گفت‌وگو بود. دکتر صیدی به **روزنامه‌ی تعادل** گفته بود: «دولت باید در نقش یک پدر برای بنگاه‌ها ظاهر شود نه در نقش یک رقیب. این مسئله مربوط به دولت ششم، هشتم و نهم نیست، متأسفانه نهاد دولت، در ۲۰ سال اخیر شرکت‌ها را گاهی رقیب خود دیده‌اند. وقتی وضع بنگاه‌ها خوب بوده است، دولت دنبال این بوده سریع بند یا تبصره‌ای را پیدا کند و مالیات یا عوارض بیشتری از بنگاه‌ها مطالبه کند» این در حالی است که «وقتی بنگاه‌هایی حال و روزشان خوب است، جامعه را توسعه می‌دهند و به همین دلیل دولت نباید مانع از اثرگذاری مثبت آن‌ها بر کل اقتصاد شوند».

سال ۹۳؛ سال غروب تورم



خود را به دلیل کاهش عرضه و ضعف در تولید به تقاضای مؤثر تبدیل کنند. این اتفاق اکنون به وضوح در اقتصاد ایران دیده می‌شود، برای همین تا زمانی که برنامه‌ها و اعداد نتوانند قدرت خرید مردم را افزایش دهند، نمی‌توان مدعی شد رکود وجود ندارد و تورم نیز کاهش یافته است.» ادعای فوق که از سوی یکی از دست‌اندرکاران بازار مطرح شد، در سال ۹۳ نقل بسیاری از محافل اقتصادی بود. یعنی از یک‌سو دولتی‌ها مدعی بودند تورم را کاهش داده‌اند و از سوی دیگر برخی از کارشناسان اقتصادی این ادعا را نقد می‌کردند. هرچه بود اما کاهش نرخ تورم ادامه داشت و این مسئله را گروهی دیگر از کارشناسان صاحب‌نام اقتصادی نیز پذیرفته بودند. به باور این گروه از کارشناسان همین که دولت دهم به کار خود پایان داده است، بهترین مؤلفه برای کاهش روانی نرخ تورم محسوب می‌شود و نباید آن را نادیده گرفت. این نکته‌ای است که در تحلیل‌های زیادی در سال ۹۳ دست به دست شد. آن‌طور که شواهد اقتصادی نشان می‌دهد، همین که یک دولت مثل دولت دهم در حوزه اقتصاد رفتار نکند، خیلی از شاخص‌ها به نقطه و جایگاه اصلی خود بازمی‌گردند اما آیا می‌توان این تحلیل را پذیرفت؟

یکی از مدیران نزدیک به ساختار اقتصادی دولت می‌گوید: «یک نکته را نباید فراموش کرد که کاهش تورم قبل از هر چیز به در پیش گرفتن الگوهای انضباط مالی نیاز داشت. منتقدین دولت یازدهم فراموش می‌کنند که این دولت تلاش کرد تا انضباط مالی داشته باشد، همین یک قدم بزرگ برای کاهش تورم است. این روزها همه از بی‌انضباطی‌های مالی در دولت دهم خبر دارند. ایستادن در مقابل این ناهنجاری خودش به کاهش تورم کمک می‌کند.»

این مدیر اقتصادی می‌گوید: «نوع مدیریت اقتصاد در سال‌های قبل باعث شده بود تا بسیاری از شاخص‌های اقتصادی از منظر روانی و تأثیرهای منفی روانی در جامعه دگرگون شوند و رشد منفی نامطلوب داشته باشند. به همین خاطر نرخ تورم نیز به شکل افسارگسیخته‌ای از دست خارج شده بود. دولت یازدهم با تزریق آرامش تا حد زیادی توانست این نرخ را کاهش دهد. برای همین هنوز نمی‌توان توقع داشت که این کاهش شکل راهبردی- اقتصادی به خود بگیرد و بتواند در سطح عمومی قیمت‌ها نیز خود را نشان دهد.» این سخنان در واقع تفاوت دو دوره‌ی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را نشان می‌دهند که هر کدام به نوبه‌ی خود توانسته‌اند با تأثیر روانی که روی اقتصاد می‌گذارند، نقش خود را در تاریخ ثبت کنند. اما برای آینده باید در انتظار چه تورمی در اقتصاد باشیم؟

سیاست در اقتصاد از یک سو و فقدان کارآمدی برنامه‌ریزان دولتی از سوی دیگر، باعث شده بود که تورم تا مهر ۹۲ (و درست تا زمانی که دولت یازدهم کابینه را از تیم دولت قبلی تحویل گرفت) به مرز ۳۷ درصد نیز نزدیک شود. البته کارشناسان معتقدند این نرخ با احتیاط محاسبه و اعلام شده، چون تورم واقعی از مرز ۴۰ درصد نیز عبور کرده است یعنی رقمی که حسن روحانی زمانی که لایحه‌ی بودجه‌ی ۹۴ را به مجلس برده بود نیز از آن یاد کرد. از مهر ۹۲ به بعد مسئولین اقتصادی دولت یازدهم آستین‌ها را بالا زدند تا شاخ تورم را بشکنند. تا پایان سال ۹۲ اتفاق مهم در رابطه با کاهش نرخ تورم رخ نداد و همچنان این پدیده‌ی اقتصادی در قلب میدان توسعه‌ی کشور میان‌داری می‌کرد و بر شهرت خود می‌افزود. اما در سال ۹۳ ورق به کلی برگشت و دولت توانست پایش را مثل یک سرعت‌گیر در مقابل تورم بگذارد. این مسئله را همه‌ی آمار و ارقام اقتصادی که از سوی بانک مرکزی و سایر نهادهای اقتصاد منتشر شده‌اند تایید می‌کنند.

۱۶ آذرماه ۱۳۹۳ وقتی حسن روحانی لایحه‌ی بودجه‌ی ۹۴ را به مجلس برد نیز نتوانست پایدی از تورم نکند. او خطاب به نمایندگان گفت: «وقتی مردم آمار تغییر سریع قیمت‌ها و نرخ تورم ۴۰ درصد را در سال گذشته لمس می‌کردند، نوید دستیابی به تورم ۳۵ درصد در پایان سال ۹۲ دشوار بود و اعلام تورم ۲۵ درصدی در سال ۹۳ بلندپروازانه تلقی می‌شد. برخی معتقد بودند به این اهداف نخواهیم رسید، اما بهبود در شرایط اقتصادی با سرعت آنچه پیش‌بینی می‌شد، محقق شد. ما به هدف ۳۵ درصدی رسیدیم و مدتی است که به هدف ۲۵ درصدی دست یافته‌ایم. ما امیدواریم تورم تا پایان سال کمتر از ۲۰ درصد باشد. در این دولت پایه‌ی پولی را به عنوان خط قرمز تعیین کرده‌ایم و نگاه به بانک مرکزی به عنوان قلک دولت تغییر کرده است. دولت سختی را خرید، اما به سمت تأمین منابع از بانک مرکزی نرفت. کاهش تورم شرط لازم خروج از رکود است. آمارها در فصل بهار خود شاهدهی بر صحت این تحلیل است. امروز اعتقاد داریم هیچ رشد باثباتی به قیمت تورم‌های ۳۰ و ۴۰ درصدی حاصل‌شدنی نیست.»

رضا نادری، یک فعال اقتصادی می‌گوید: «تورم در محاسبات دولت کاهش یافته است اما در فضای اقتصادی این مسئله دیده نمی‌شود، چون رکود با تمام توان سعی در ایستادن دارد.»

وی اضافه می‌کند: «رکود وقتی اتفاق می‌افتد که در یک دوره‌ی مشخص مردم، از هر صنفی نتوانند تقاضای مطلق

«تورم». این واژه شاید آشناترین مفهوم اقتصادی برای مردم در ایران باشد. البته می‌توان این گونه هم مطرح کرد که این واژه در ایران طی چند سال گذشته به معروف‌ترین پدیده‌ی اقتصادی تبدیل شده است. اما بدون شک برای اثبات این ادعا خیلی نباید به ادله‌ی ریز و درشت فنی رو کرد، چون تورم آن‌قدر به پوست و گوشت اقتصاد ایرانی نزدیک بوده که کسی نمی‌تواند در جهت لغو شهرت تورم حرکت کند یا اقدامی راهبردی انجام دهد. باید این واقعیت را بپذیریم که تورم حتی از همه‌ی بزرگان و اندیشمندان اقتصادی نیز معروف‌تر شده است. این شهرت آن‌قدر زیاد است که دورترین مردم از تحلیل‌های اقتصادی نیز وقتی می‌خواهند پای سفره‌ی بحث‌و‌جدل بنشینند، بارها از واژه‌ی تورم استفاده می‌کنند. در واقع یک پای ثابت همه‌ی بحث‌های اقتصادی تورم شده است. فرقی هم نمی‌کند که این بحث‌ها در دانشکده‌های معتبر شکل بگیرد یا در پای شب‌نشینی‌های مرسوم ایرانی، یاد از اقتصاد به میان آید. به هر حال مردم، از هر طبقه و صنفی سعی می‌کنند که آسوده از کنار تورم عبور نکنند. این شهرت در ابتدای سال ۹۲ وقتی رقابت‌های انتخاباتی برای یازدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری به اوج خود رسید، باعث شد تا همه‌ی کاندیداهای ریاست بر دولت نیز یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های خود را مبارزه با تورم معرفی کنند. انگار تورم با آن شهرتی که داشت، می‌توانست شهرت نامزدهای ریاست جمهوری را نیز افزایش دهد. بر همین اساس دولت یازدهم با محوریت مقابله‌ی جدی با تورم شکل گرفت و علی‌طبیعی نیز به خاطر این به وزارت اقتصاد فرستاده شد که در سوابق علمی‌اش آمده بود: «تئورسین و طراح مقابله با تورم». درست از همین‌جا رویارویی با تورم بعد از ۸ سال میدان‌داری تورم شکل گرفت. اما آیا تا امروز این رویارویی نتیجه‌ای هم داشته است؟

در مقابل بحث‌های اقتصادی باید از سیاست‌بازی و سیاست‌پروری دور شد. هرچند که جامعه و اقتصاد ایرانی به چنین روندی عادت ندارد، اما باید آموخت که اقتصاد را بدون گرایش‌های سیاسی تحلیل کرد. یکی از گرفتاری‌های اقتصاد ایران در دو سال گذشته، که دور تازه‌ای از مقابله با تورم شکل گرفته است در واقع همین ماجرای سیاست‌زدگی اقتصاد است. تورم به باور بسیاری از کارشناسان اقتصادی در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ نتیجه‌ی تصمیم‌گیری‌های سیاسی مسئولین دولتی در حوزه‌ی اقتصاد است، اما به موازات این فعالیت سیاسی در دو سال گذشته به نظر می‌رسد خیلی دست مدیران دولتی برای بیان چرایی شکل گرفتن «لوج تورم» باز نبوده است، اما با همه‌ی این‌ها این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که مانور

بازار سرمایه در سال ۹۳؛ در یک آپیژود

زمستان طولانی بورس کی تمام می شود؟

سحر قاسم‌نژاد



سال که به ماه آخر می‌رسد، فصل کارنامه و بررسی عملکرد هم کلید می‌خورد. این سیاهه‌ی اعمال در مورد بازار سهام تهران نه تنها چندان چنگی به دل نمی‌زند بلکه در بسیاری از موارد ناامیدکننده به نظر می‌رسد. سر رشته‌ی مشکلات بورس هم به زمستان ۹۲ برمی‌گردد، یعنی همان زمان که مصوبات جدید برای خوراک پتروشیمی‌ها و بهره‌ی مالکانه از راه رسید و شوک سهامداران از این تصمیمات هم آن‌طور که انتظار می‌رفت شدید بود، به این ترتیب بازار سهام به خواب زمستانی رفت و این خواب هم آن‌چنان سنگین بود که با رسیدن بهار و تابستان سال بعد هم به آخر نرسید و رخوت زمستان ۹۲ به رکود زمستان ۹۳ گره خورد.

دیگر هم شاخص بود یعنی میزانی از بدبینی و احتیاط که به سهامداران تزریق کرد و همین فضای خوف و گاهی رجا، باعث شد گروهی از صاحبان سرمایه، عطای سهامداری را به لقایش ببخشند و با وجود زیان و از دست رفتن بخشی از اصل آورده‌ی نقدی‌شان، از تالار شیشه‌ای بروند. میل به مهاجرت از بورس هم با افزایش میزان زیان‌دهی این بازار افزایش می‌یافت، به عبارت دیگر خیل مشتاقانی که به امید کسب سودهای طلایی راهی بورس شده بودند، وقتی با زیان مواجه شدند همان‌طور که حرفه‌ای‌ها و سردوگرم‌چشیده‌ها پیش‌بینی کرده بودند، صف‌های فروش را شلوغ‌تر کردند و تب نزول و رکود در تالار را بالا بردند. در نهایت این که سرمایه بورس تهران و رخوت سهامداران، نه با امیدواری‌های بهاری مرسوم از بین رفت، نه با گرمای معمول فصل داغ مجامع و حتی نیمه‌ی اول سال هم با افت شاخص و زیان سرمایه‌گذاران و صاحبان سهام

سال جدید آن روزها و سال کهنه‌ی امروز هم اتفاقات بزرگ و کوچک فراوان در آستین داشت. تفویض اختیار تعیین خوراک پتروشیمی‌ها به دولت، اخبار امیدوارکننده در مورد بهره‌ی مالکانه‌ی معادن، تشکیل صندوق ثبات برای بازار، توافق با سیمانی‌ها در مورد مصرف گاز، کشمکش بر سر قیمت‌گذاری خودروهای وطنی، راه‌اندازی پروژه‌ی بیمه‌ی سهام و تعریف ابزارهای جدید تامین مالی از جمله صندوق‌های زمین و ساختمان. قطع به یقین هم مهم‌ترین اتفاق سال، جابه‌جایی در ساختمان ملاصدرا بود. علی صالح‌آبادی رئیس سازمان بورس، به عنوان جوان‌ترین سکندار بازار سرمایه، زمستان ۹۳ از این بازار خداحافظی کرد و جای خود را به فطانت داد که تازه از همین بازار آمده است. البته همه‌ی این اتفاقات و تحولات نتوانست برآیند حرکت بورس و شاخص آن را از مسیر نزولی خارج کند، به عبارت دیگر سالی که گذشت از یک وجه

به آخر رسید و دشوارترین نیمه سال بورس طی شش سال اخیر در سال ۹۳ رقم خورد.

رکوردشکنی بعد از ۶ سال

آمار و ارقام می گوید در نیمه نخست امسال، بورس تهران بازدهی منفی ۹/۳ درصدی را به جا گذاشت، که بدترین وضعیت طی سال های اخیر را نشان می دهد. البته در این شرایط صنایع کوچک عملکرد بهتری نسبت به صنایع بزرگ از خود نشان داده اند. به عبارت دیگر صنایع کوچک که کمتر درگیر مشکلاتی همچون قیمت گذاری، محدودیت صادراتی و خوراک بودند، به همین دلیل روند مناسب تری را هم در بازار تجربه کرده اند. در بررسی روند شاخص به تفکیک فصل ها هم باید گفت داماسنج بازار که بهار امسال زیان ۷/۶ درصدی را به سهامداران تحمیل کرده بود، تابستان نیز نتوانست بازدهی مثبتی ایجاد کند. براین اساس با احتساب ۱/۷ درصد نزول طی تابستان، شاخص کل در مجموع نیمه ابتدای سال ۹۳ معادل ۹/۳ درصد نزول کرد تا به این ترتیب بورس تهران یک رکورد منفی در کارنامه اش ثبت شود.

این شرایط بدترین نتیجه ای بود که بازار دست کم در نیمه اول پرهیجان سال نصیب سهامدارانش می کرد، به این معنی که در سال های اخیر دست کم ۶ ماهه اول سال به مدد نفس بهار، فصل مجامع و تقسیم سود و از راه رسیدن گزارش های ۳ و ۶ ماهه، حال و روز بازار در مجموع خوب و امیدوارکننده بود. کارنامه و عملکرد بورس هم نشان می دهد در ۶ سالی که نحوه محاسبه شاخص تغییر کرده، هر سال تنها یک فصل منفی در نامه اعمال بازار به ثبت رسیده اما سال به نیمه نرسیده این رکورد شکست، چون هم در بهار و هم در تابستان هوای بورس زمستانی بود و شاخص هم در مدار منفی حرکت می کرد. زیر سایه همین فضای نه چندان امیدوارکننده هم زیان سهامداران از مرز ۹ درصد گذشت، که اگر هزینه خرید و فروش سهام نیز لحاظ شود، حدود ۱/۵ درصد دیگر به زیان سهامداران افزوده می شد و به ۱۰/۸ درصد می رسید. با این حساب طی شش ماه عملاً به ازای ۱۰ میلیون سرمایه گذاری در بورس، به طور میانگین بیش از یک میلیون تومان زیان برای سرمایه گذار به جا ماند.

البته در همین بازار، برخی سهامداران با خرید و فروش سهام برخی شرکت ها توانستند به سود برسند و البته برخی دیگر از سهامداران هم زبانی بیشتر از میانگین بازدهی بازار متحمل شده اند.

سهامداران میل به خرید و فروش نداشتند

خبر بد دیگر در نیمه اول سال ۹۳، میل کم سهامداران به خرید و فروش در تالار بود، به عبارت دیگر با آغاز سال ۹۳ کاهش حجم و ارزش معاملات در بورس رقم خورد. به این ترتیب ارزش معاملاتی که در برخی روزهای سال ۹۲ به ۸۰۰ میلیارد تومان رسیده بود، در نیمه ابتدای سال ۹۳ در برخی روزها حتی به ۱۰۰ میلیارد تومان نیز نمی رسید.

اما سال که از نیمه گذشت، امید کم کم و با تردید به تالار بورس برگشت. سهامداران و بازار، شمارش معکوس برای به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته ای را از نیمه مهر ماه آغاز کردند و پیشاپیش به استقبال ۳ آذر یعنی تاریخ پایان ضرب الاجل رایزنی های ایران و ۵+۱ رفتند. گرمای این امیدواری هم باعث می شد نگرانی ها موقتاً از خطر ها محو گردد. نتیجه این که این بار هم بازار از آن سوی بام از جهت خوش بینی افتاد.

اهالی بازار به شدت امیدوار بودند که تکلیف مذاکرات در اولین روزهای آخرین ماه پاییز به نتیجه برسد و جو روانی آن بورس را به حرکت در آورد. این خوش بینی هم عملاً خاطره ای تلخ روزهای سپری شده را کم رنگ می کرد. محاصل این خوش بینی افراطی هم البته پشیمانی بود. یعنی درست آن طور که حرفه ای ها پیش بینی کرده بودند، بازار اثرات مثبت حادثه ای را که هنوز رخ نداده بود پیش خور کرد و شاخص هم تا حدودی احیا شد اما وقتی شامگاه سوم آذرماه تنها خروجی از مذاکرات هسته ای، تداوم چانه زنی ها تا تیرماه ۹۳ شد، ورق برگشت؛ سهامداران سرخورده قافیه را باختند و به صف های فروش پناه بردند. وضعیت رو به تیرگی گذاشت.

تمدید ۷ ماهه مذاکرات با وجود اعلام رضایت دو طرف از نتایج سوم آذر، موجب شد تا بسیاری از سهامداران حقیقی نه تنها شاهد تحقق پیش بینی ها و انتظارات خود نباشند بلکه ضمن مشاهده کاهش قیمت ها، اقدام به فروش سهام و خروج کنند.

تداوم کاهش قیمت سهام

به این ترتیب اکثر فعالان بازار که در روزهای آخر ماه آبان چشم امید به نهایی شدن نتیجه مذاکرات داشته و امیدوارانه و گاه همراه با چاشنی افراط اقدام به خرید سهام شرکت های مرتبط با مذاکرات کردند، تا بعد از سوم آذر با خیالی آسوده نظاره گر رشد قیمت ها و افزایش سودآوری شدند. اما تمدید ۷ ماهه مذاکرات با وجود اعلام رضایت دو طرف از نتایج سوم آذر، موجب شد تا بسیاری از سهامداران حقیقی نه تنها شاهد تحقق پیش بینی ها و انتظارات خود نباشند بلکه ضمن مشاهده کاهش قیمت ها، اقدام به فروش سهام و خروج کنند.

این جریان منفی دو هفته طول کشید اما در رویدادی دیگر، سقوط دور از انتظار قیمت جهانی نفت به همراه لایحه بودجه ۹۴، موجب شد تا بازار سهام بیش از گذشته در فشار قرار گیرد و اکثر سهامداران با زیان

بیشتری دست و پنجه نرم کنند. در ادامه هم تغییر رئیس سازمان بورس بعد از نه سال ونیم موجب برهم خوردن برخی معادلات و شرایط بازار شد و برخی فعالان، با نگاه به این موضوع درون سازمانی، اقدام به فروش سهام کردند.

به این ترتیب بورس متأثر از این رویدادهای مهم، با ثبت رکوردهای منفی تازه ای مواجه شد و متغیرهای اصلی به کمترین حد ممکن رسیدند. به طوری که طی ۲۰ روز کاری آخرین ماه پاییز ۹۳، کاهش قیمت سهام اکثر شرکت های بزرگ موجب شد تا در رویدادی کم سابقه طی سال جاری، بیش از ۵ هزار و ۷۱۱ واحد از ارقام شاخص کاسته شود و این متغیر مهم با ایستادن در عدد ۶۹ هزار و ۵۳۷ واحد، پایین ترین رقم ممکن خود در ۱۴ ماه اخیر را به ثبت برساند. علاوه بر این میانگین زیان سرمایه گذاری در بورس که رو به کاهش گذاشته بود، دوباره افزایش یافت و این رقم برای ۹ ماه به ۱۲ درصد رسید.

نکته دیگر این که ابهام در ترسیم افقی مثبت از آینده کوتاه و میان مدت به همراه وجود برخی نگرانی ها و نبود نقدینگی، موجب شد تا سه متغیر اصلی معاملات هم در آخرین ماه پاییزی با کاهش ارقام مواجه شوند. به این ترتیب با حضور ۳۶۸ هزار و ۴۱۸ خریدار بیش از ۱۶/۴ میلیارد سهم به ارزش ۴ هزار میلیارد تومان جابه جا شد که نسبت به آبان ماه، تعداد خریداران ۱۸ درصد و تعداد سهام و ارزش معاملات ۳/۶ و ۵/۸ درصد کاهش داشته اند.

زمستانی سرد بعد از پاییز توفانی

دست آخرین که بورس تهران بعد از یک پاییز توفانی، زمستانی خبر ساز اما راکد را آغاز کرد، البته این بار با مشکلی مضاعف. قیمت نفت با سرعتی سرسام آور سقوط کرد و به عجیب ترین نرخ هایی رسید که انتظار نمی رفت. این نزول با توجه به وابستگی ایران به درآمد نفتی، به شدت از اهمیت برخوردار است و لاجرم بورس را هم تحت تأثیر می گذارد، هرچند که میزان این اثربخشی با توجه به صنعت و وابستگی آن به نفت کاملاً متفاوت است اما به هر جهت برآیند اثر گذاری افت قیمت نفت بر بازار سهام کاملاً محسوس و قابل پیش بینی بود.

همه به صرافت کمک افتادند

اما در نهایت سومین فصل سال که به آخر رسید، دولت و مجلس به صرافت کمک جدی به بورس افتادند. شواهد و قرائن نشان می داد و هنوز هم نشان می دهد که بازار سهام از دو جهت به شدت تحت فشار قرار دارد؛ اول ابهامات داخلی و دوم نگرانی از آینده مذاکرات به عنوان عاملی خارجی. با این اوصاف کم شدن سایه رکود از بازار سهام ظاهراً راهی ندارد جز رفع این دو مشکل. از آنجایی هم که راه حلی کوتاه مدت برای حل مشکل مذاکرات دست کم برای متولی بازار سرمایه وجود ندارد، راهی به نظر نمی رسید جز ابهام زدایی از قوانین حاکم بر اقتصاد، که احتمالاً بر بازار سهام هم مؤثر است. با توجه به



اتفاقات یک سال اخیر هم نشانی راه حل چندان دور از ذهن نبود. دولت و مجلس برای حل مشکل ابهام در قوانین اقتصادی به سراغ ضوابط ناظر بر فعالیت معادن و پتروشیمی‌ها رفتند که چشم اسفندیار بورسی‌ها به شمار می‌رفت. البته این تمام تلاش‌ها برای نجات بازار سهام از مخمصه نبود.

یکی از اولین قدم‌هایی که در ماه‌های زمستانی برای کمک‌رسانی اورژانسی به بورس و سهامدارانش صورت گرفت، انتشار اوراق سهام خزانه بود. با توجه به تصویب انتشار این اوراق توسط مجلس، که به وسیله‌ی آن ناشران بورسی می‌توانند به بازارگردانی و حمایت از سهام خود بپردازند تا سهامداران‌شان کمترین ضرر مالی را متحمل شوند. این قانون البته در شرایطی تصویب شد که تا پیش از آن و بر اساس قانون تجارت، انتشار اوراق سهام خزانه ممنوع بود. در هر صورت با استناد به مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی هرگاه ناشر به این نتیجه رسید که سهامش با وجود ارزنده بودن، به دلیل جو یا هیجانات کاذب در حال کاهش است، می‌تواند بخشی از سهام خود را از بازار جمع کند و تحت مالکیت خود درآورد تا جو و روند منفی قیمتی سهم به پایان برسد و دوباره نسبت به عرضه‌ی آن اقدام کند. در نتیجه ناشر با این اقدام کمک می‌کند که سهامدارانش با کاهش هرچه بیشتر قیمت، دچار زیان مالی روزافزون نشوند.

تدبیر دیگر در مسیر احیای بازار، تأسیس صندوق ثبات بازار سرمایه بود؛ صندوقی که هدف از راه‌اندازی آن افزایش نقدشوندگی به شمار می‌رود تا شاید در راه بازگشت رونق و اعتماد به بازار به کار آید.

بعد از آن هم نوبت به توافق با سیمانی‌ها رسید؛ به این ترتیب انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان خطاب به مدیران شرکت‌های سیمانی نامه‌ای منتشر کرد که بر اساس آن با توجه به ذخیره و دپوی ۱۸ میلیون تن کلینکر و پیش‌بینی ادامه‌ی این روند در ماه‌های آتی با هماهنگی وزارت نفت، تولید این محصول متوقف اعلام شد البته با این خبر خوش که وزارت نفت هم این همکاری را در پروسه‌ی فروش مازوت جبران خواهد کرد، این اتفاق بلافاصله با واکنش منفی بازار مواجه شد اما متولیان بازار و بسیاری از حرفه‌ای‌های بورس اعتقاد دارند اقدام هماهنگ‌شده‌ی وزارت نفت و صنعت می‌تواند به نفع شرکت‌های سیمانی‌ای باشد که با مازاد تولید و کاهش قیمت و حتی دپوی محصول مواجه‌اند.

اما یکی از مهم‌ترین خبرها البته بعد از خبر تغییر رئیس سازمان بورس، تفویض اختیار قیمت‌گذاری محصولات پتروشیمی به دولت بود، که باعث شد در صاحبان سهام پتروشیمی‌ها هم بالاخره نفسی به‌راحتی بکشند. به این ترتیب با تأیید مصوبه‌ی مجلس در شورای نگهبان تصمیم نمایندگان برای محول شدن وظیفه‌ی قیمت‌گذاری خوراک پتروشیمی‌ها به دولت نهایی شد تا تکلیف این شرکت‌ها با حساب و کتاب و دخل و خرجشان به‌زودی روشن شود.

موج بعدی خبرهای خوش هم از وزارت اقتصاد به بازار سهام مخابره شد، که از نظر تحلیل‌گران می‌تواند با اجرای درست بازار را تکان دهد و از رخوت خارج

کند. در آخرین روز دی‌ماه وزارت اقتصاد خبر داد که علی طیب‌نیا در نامه‌ای رسمی از معاون اول رئیس‌جمهوری خواسته دستور بازگرداندن پروانه‌ی بهره‌برداری معادن به نام دوقلوهای سنگ آهنی را صادر کند. چند روز پیش‌تر هم دیوان عدالت اداری رأی مهمی درباره‌ی توقف پرداخت بهره‌ی مالکانه توسط شرکت‌های گل‌گهر و چادرمو صادر کرد و از رسیدگی به پرونده‌ی بازگرداندن پروانه‌ی بهره‌برداری معادن به شرکت‌های مزبور خبر داد. به هر حال وقتی شخص وزیر اقتصاد دست به قلم شده و در نامه‌ای رسمی از معاون اول رئیس‌جمهوری

به نظر می‌رسد بانک مرکزی با تصمیم جدید خود با یک تیر دو نشان زده، یعنی از یک‌سو برای بانک‌هایی که از بنگاهداری منع شده‌اند راهی جایگزین برای سرمایه‌گذاری معرفی می‌کند، از سوی دیگر با ترغیب آن‌ها به حضور در صندوق‌های سرمایه‌گذاری، منافع دو بازار پول و سرمایه را با هم گره می‌زند

بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مجوز سرمایه‌گذاری در صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک را به دست آوردند، البته با رعایت حدود مقررات. بانک مرکزی در بخشنامه‌ی خود تأکید کرده صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک به عنوان یکی از نهادهای نوظهور در بازارهای مالی، می‌توانند سهم عمده‌ای در جمع‌آوری پس‌اندازهای اشخاص به‌ویژه وجوه خرد و به تبع آن تأمین منابع مالی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی داشته باشند. با توجه به همین خصیصه، این بانک مجوز سرمایه‌گذاری در صندوق‌ها را به بانک‌ها و مؤسسات مالی غیر بانکی داده تا به این وسیله ضمن حمایت از صندوق‌های سرمایه‌گذاری، از نوسانات شدید و غیر متعارف شاخص کل سهام جلوگیری به عمل آید. برکات این ثبات هم که قطعاً بر سر سفره‌ی سرمایه‌گذاران این صندوق‌ها یعنی احاد مردم قرار می‌گیرد. به این ترتیب به نظر می‌رسد بانک مرکزی با تصمیم جدید خود با یک تیر دو نشان زده، یعنی از یک‌سو برای بانک‌هایی که از بنگاهداری منع شده‌اند راهی جایگزین برای سرمایه‌گذاری معرفی می‌کند، از سوی دیگر با ترغیب آن‌ها به حضور در صندوق‌های سرمایه‌گذاری، منافع دو بازار پول و سرمایه را با هم گره می‌زند تا از این پس بانک‌ها و سرمایه‌هایشان هم‌راستا با رونق بازار سرمایه حرکت کنند و دست بورس را بگیرند.

بورس هم ناامید است هم بدبین اما واقعیت این است که مجموعه‌ی این حمایت‌ها در بازگرداندن اعتماد سهامداران چندان موفق ظاهر نشد و بورس دست کم تا پایان یازدهمین ماه زمستانی به ادامه‌ی حرکت روی موج نزول اصرار کرد. به این ترتیب بازار سهام تهران در شرایطی به استقبال آخرین ماه از سال ۹۳ رفت که میزان زیان سهامداری در بورس از ابتدای فرودین و طی ۱۱ ماه به صورت میانگین بیش از ۱۸ درصد بود و در کوتاه‌مدت امیدها برای عبور از بحران هم باز به نتیجه‌ی مذاکرات گره خورده است.

توافق به اقتصاد ایران نیرو می دهد

چشم انداز ثبات و رونق در اقتصاد ایران

علی پویا



کردند. متن این گفت وگوها در ادامه آمده است:

منافع برد در مذاکرات

مهدی تقوی، استاد دانشگاه و از اساتید صاحب نام اقتصاد، یکی از کسانی است که به پرسش ما پاسخ داد. او می گوید: «نمی توان منکر این واقعیت شد که اقتصاد ایران در التهاب مذاکرات هسته ای قرار دارد و شاخص ها در انتظار نتیجه ای این مذاکرات هستند. بدون شک نتیجه ای مطلوب در مذاکرات می تواند معنایش حذف تحریم ها باشد و این یعنی تزریق روحیه به اقتصاد ایران.»

وی می گوید: «به دست آوردن نتیجه ای مطلوب در اقتصاد یک امتیاز مهم برای دیپلماسی اقتصادی

شاید بتوان به جرات گفت که در سال ۹۳ اخبار مربوط به مذاکرات هسته ای و رفع تحریم ها بیشترین مخاطب را به خود اختصاص داده بودند و به نظر می رسد سال ۹۴ نیز با همین رویکرد آغاز شود. یعنی در سال جدید هم باید منتظر باشیم که همه در پی نتیجه ای نهایی مذاکرات باشند. واقعیت آن است که در سال های گذشته مشکلاتی که به دلیل سوء مدیریت بر اقتصاد ایران تحمیل شد، کار را به جایی رسانده که برخی از کارشناسان بر این باورند که اقتصاد ایران با پیروزی در مذاکرات و حذف تحریم ها می تواند جانی تازه بگیرد. این رویکرد را مشکلات دیگری مانند کاهش ناگهانی قیمت نفت نیز تقویت کرده اند. البته یک نکته را نباید فراموش کرد که تقریباً همه ی کارشناسان بر این باورند که معضلاتی که در سال های اخیر گریبان اقتصاد ایران را گرفته است، بیشتر ناشی از نوع مدیریت اقتصادی بوده و تحریم ها به عنوان گزینه ی بعدی در شکل گیری مشکلات موجود نقش داشته اند اما اکنون آن قدر گرفتاری ها در اقتصاد ایران تنیده شده که ظاهراً کارشناسان را به این باور رسانده که در میان مدت فقط رفع تحریم ها و موفقیت در مذاکرات می تواند حل مشکلات را تسریع کند. در سال ۹۳ مانند سال قبل از آن، بازار ارز محلی بود که به نوسان مذاکرات واکنش می داد، برای همین از سوی فعالان اقتصادی این بازار با عنوان ویتترین اقتصاد ایران معرفی شد، که می توان در آن تب و تاب مذاکرات و ماجرایی رفع تحریم ها را تماشا کرد. برای سال ۹۴ نیز بدون شک بازار ارز یکی از بازارهایی است که با نتیجه ی مذاکرات، هرچه باشد رابطه ای مینایی برقرار کرد. از همین منظر با تعدادی از کارشناسان گفت وگو کردیم. آن ها در پاسخ هایی کوتاه پیش بینی خود را از آینده ی مذاکرات و نتیجه ی آن در اقتصاد کشور و پیش بینی بازار ارز و بازار سرمایه مطرح

محسوب می شود، که نتیجه ای این امتیاز در اقتصاد خود را نمایش می دهد. اگر نتیجه ای این مذاکرات به گونه ای باشد که تحریم ها به شکل مطلوبی حذف شوند، حتماً بار درآمدی در اقتصاد ایران آزاد می شود چون بخش زیادی از منابع بلوکه شدن ایران آزاد خواهد شد. این منابع می توانند موجب آسودگی بازار ارز شوند. یعنی قیمت ارز کاهش را تجربه می کند. این اتفاق هم طبیعی است. با این اقدام زمینه ی عرضه ی ارز به یکباره تقویت می شود.»

تقوی ادامه می دهد: «اگر خوش بین باشیم، باید اعتراف کنیم که مذاکرات هسته ای اگر نتیجه ی خوبی در بر داشته باشد کمک بزرگی برای اقتصاد ایران است، که خود را از چالش های بزرگ خلاص کند. در این شرایط نگاه سرمایه گذاران خارجی نیز به ایران تغییر می کند و می توان منتظر تغییرات مثبت در حوزه ی سرمایه گذاری ها در صنایع مولد نفت و گاز باشیم. این تغییر چشم انداز بی کاری و تورم را نیز تا حد خوبی مهار شده نشان می دهد. در چنین شرایطی حتی بازار سرمایه نیز رونق مطلوبی خواهد داشت، چون بنگاه های سرمایه گذاری داخلی نیز با توان و امید بیشتری وارد اقتصاد می شوند.»

این استاد دانشگاه می گوید: «تنها چیزی که می تواند تا حدی نتیجه ای مطلوب مذاکرات را تحت تاثیر قرار دهد، ادامه ی کاهش بهای نفت در سال ۹۴ است. کاهش بهای نفت می تواند قیمت ارز را افزایش دهد. در سال های گذشته به دلیل ضعفی که صنایع نفتی گرفتار آن شده ی میزان تولید نفت ایران کاهش زیادی را تجربه کرده است برای همین کاهش قیمت نفت تاثیر خودش را به وضوح در بازار ارز نشان می دهد چون عرضه ی ارز کاملاً تحت تاثیر قرار می گیرد.»

تقوی می گوید: «به نظر من ماجرایی مذاکرات هسته ای

اگر خوش بین باشیم، باید اعتراف کنیم که مذاکرات هسته ای اگر نتیجه ی خوبی در بر داشته باشد کمک بزرگی برای اقتصاد ایران است، که خود را از چالش های بزرگ خلاص کند. در این شرایط نگاه سرمایه گذاران خارجی نیز به ایران تغییر می کند و می توان منتظر تغییرات مثبت در حوزه ی سرمایه گذاری ها در صنایع مولد نفت و گاز باشیم

مؤلفه‌ای است که از شروع سال ۹۴ همه‌ی اذهان را درگیر خود می‌کند.»

توافق قابل دستیابی است

جمشید عدالتیان، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران نیز با روی خوش به آینده‌ی مذاکرات نگاه می‌کند. او که از صنعت‌گران با سابقه است می‌گوید: «به نظر من در سال ۹۴ باید منتظر توافق در مذاکرات باشیم. من اصلاً این توافق را بعید نمی‌دانم. به نظر می‌رسد توافق به خواستی عمومی در جهان و در میان خیراندیشان جهان تبدیل شده است، برای همین باید در انتظار توافق باشیم.»

وی ادامه می‌دهد: «توافق در مذاکرات اگر با رفع مطلوب تحریم‌ها همراه باشد، حتماً برای صنعت و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی مفید است. از همین منظر تولیدکنندگان و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری می‌توانند به آینده خوش‌بین باشند، چون بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌شود توافق در مذاکرات نزدیک است. این نکته را هم نباید از یاد برد که ایران توانسته به شکل مطلوبی در انرژی هسته‌ای پیشرفت کند. غرب نیز به این نکته واقف است. برای همین اگر بخواهد به تحریم‌ها ادامه دهد، ما می‌توانیم به پیشرفت خود در انرژی هسته‌ای ادامه دهیم. این یعنی ما هم جایگاه خوبی در مذاکرات داریم که باید از آن استفاده کنیم. از این منظر غرب هم از تحریم‌ها زبان می‌بندد.»

عدالتیان می‌گوید: «اگر توافق شکل بگیرد نباید منتظر معجزه باشیم، به نظر من نتیجه‌ی توافق خودش را سریع در بازار ارز و سایر بازارها نشان نمی‌دهد. البته اگر این توافق با افزایش سرمایه‌گذاری همراه باشد، حتماً بورس از این توافق بهره‌مند می‌شود اما در مورد ارز به نظر من بهترین حالت ثبات نرخ ارز است. مگر این که قیمت نفت کاهش یابد، که این امر می‌تواند قیمت ارز را گران کند.»

عدالتیان ادامه می‌دهد: «البته قیمت نفت به دوره‌ی افزایش برمی‌گردد اما این بازگشت زمان‌بر است و باعث می‌شود اقتصاد ایران نزدیک ۶۰ میلیارد دلار زبان ببیند. آمریکا به دلیل دستیابی به نفت شیل توانست تولید را افزایش دهد، این مسئله یکی از دلایل کاهش قیمت نفت بود ولی چون هزینه‌ی تولید در آمریکا بالاست، به نظر می‌رسد این تولید نفت در این کشور متوقف شود و حتی تعدیل نیروی انسانی در شرکت‌های نفتی نیز شکل بگیرد، برای همین در سال آینده روند افزایشی نفت آرام آرام می‌شود اما همان‌طور که گفتیم ما به خاطر همین دوره‌ی کاهش، زبان مالی را تجربه کرده‌ایم.»

سال بورس

رضا اسفندیاری، کارشناس ارشد اقتصاد مالی نیز به آینده‌ی مذاکرات خوش‌بین است. او می‌گوید: «سال ۹۳ همه‌ی فعالان اقتصادی در انتظار بودند تا مذاکرات به توافق برسد، سال ۹۴ نیز با همین انتظار آغاز می‌شود منتهی در سال جدید این انتظار شدت بیشتری دارد چون به نظر می‌رسد در سال ۹۴ بالاخره تکلیف مذاکرات مشخص شود.»

وی ادامه می‌دهد: «به نظر می‌رسد این مذاکرات نتیجه‌ی مطلوبی داشته باشد. البته توافق در هر اندازه‌ای هم که صورت بگیرد به لحاظ روانی تأثیر مثبتی بر اقتصاد ایران دارد و چون بسیاری از گرفتاری‌های اقتصادی ناشی از

پارامترهای روانی است، برای همین می‌توان امید داشت که در سال جاری این توافق بتواند بار بزرگی از روی دوش اقتصاد بردارد.»

اسفندیاری می‌گوید: «در چند سال گذشته آن‌قدر اقتصاد ایران آسیب دیده است که نمی‌توان بدون یک پارامتر روانی در انتظار افزایش رشد اقتصادی ماند. صنایع و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری به دلیل فضای اقتصادی چند سال گذشته، بدون یک اتفاق تازه که بتواند به صورت جهشی به آن‌ها نیرو بدهد، نمی‌توانند به سرعت روی پای خود بایستند. رفع تحریم‌ها خاصیت این انرژی فوریتی را دارد.»

این تحلیل‌گر مالی می‌گوید: «مشکل اصلی اقتصاد ایران فقدان سرمایه‌گذاری کارآمد در بخش‌های مولد

سال ۹۳ همه‌ی فعالان
اقتصادی در انتظار بودند تا
مذاکرات به توافق برسد، سال
۹۴ نیز با همین انتظار آغاز
می‌شود منتهی در سال جدید
این انتظار شدت بیشتری دارد
چون به نظر می‌رسد در سال
۹۴ بالاخره تکلیف مذاکرات
مشخص شود

است. در این سال‌ها بورس نیز در مقابل بانک‌ها تضعیف شده است و برای همین منابع به صورت بهینه نیز تخصیص نیافته است. به همین خاطر توافق می‌تواند سرمایه‌گذاری را تقویت کند و از این ناحیه بورس نیز به رونق برسد. البته چنین چیزی نیاز به یاری دولت دارد. در سال ۹۳ دولتی‌ها به این نتیجه رسیدند که بورس باید وظیفه‌ی تخصیص منابع را به عهده بگیرد، وگرنه فعالیت‌های مولد نصیبی از منابع نمی‌برند.»

اسفندیاری توضیح می‌دهد: «توافق در مذاکرات و عزم دولت برای بازگرداندن رونق به بورس، می‌تواند سال آینده را به سال بازار سرمایه تبدیل کند و این معنایی ندارد جز این‌که اقتصاد ایران به مرز مولدگرایی نزدیک می‌شود.»

وی در مورد نرخ ارز نیز می‌گوید: «بازار ارز در سال‌های قبل، هم به دلیل دستکاری‌هایی که از سوی چرخه‌ی فساد صورت گرفت و هم به دلیل ناکارآمدی‌ها و اتفاقات اقتصادی، به یک نقطه‌ی بحران تبدیل شده است. توافق هرچند می‌تواند زمینه‌ی سرمایه‌گذاری و افزایش عرضه‌ی ارز را فراهم کند اما در کوتاه‌مدت نباید انتظار کاهش قیمت ارز را داشته باشیم. در میان‌مدت - به نظر من بعد از توافق - نرخ ارز به سمت واقعی شدن کاهش می‌یابد.»

چشم‌اندازی امیدبخش

آن‌طور که فعالان اقتصادی و کارشناسان می‌گویند، در سال ۹۴ می‌توان منتظر بود که توافق حاصل شود. البته این بوی خوش توافق فقط در محافل اقتصادی و سرمایه‌گذاری وجود ندارد، در میان مردم نیز امید زیادی برای رسیدن به توافق در سال ۹۴ شکل گرفته است. تا به این‌جا کار البته نباید فراموش کرد که دولت یازدهم، روی خوب دیپلماسی را بالاخره به ایران بازگرداند. متوقف کردن فرآیند شتابنده‌ی تحریم‌های تحمیلی و جلوگیری از افزایش آن‌ها اتفاق کوچکی نیست و نباید بنگاه‌های اقتصادی به‌سادگی از کنار آن عبور کنند. اگر این ثبات رخ نمی‌داد حتماً تا امروز اقتصاد ایران در پیچ بزرگ‌تری از بحران ایستاده بود. برای سال ۹۴ نیز همین ثبات می‌تواند شروع خوبی باشد، تا در زمان کوتاهی به توافق نهایی دست یابیم. اما این پایان کار نیست. معضلاتی که در چند سال گذشته گریبان اقتصاد ایران را گرفته‌اند، اجازه نمی‌دهند تا معجزه‌ای در اقتصاد کشور رخ دهد، برای همین از فضای به وجود آمده بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و واحدهای صنعتی باید بهترین استفاده را بکنند تا هرچه زودتر شاخص‌ها در اقتصاد ایران به نقطه‌ی مطلوب نزدیک شوند.



اقتصاد ایران در سال ۹۳ و دورنمای آن در سال ۹۴ در گفت‌وگو با پدram سلطانی

مالیات تهاجمی جواب نمی‌دهد

ایلیا پیرولی



نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران معتقد است: «عملکرد اقتصادی دولت یازدهم در سال ۹۳ در مجموع خوب بوده است». پدram سلطانی می‌گوید: «طی ۱۷ ماه که از عمر دولت یازدهم گذشت، دولت درباره‌ی مدیریت نرخ ارز، کنترل آهنگ رشد نرخ تورم، بازگرداندن رشد اقتصادی، تسهیل روابط تجارت خارجی، کنترل شاخص فلاکت، اعمال سیاست‌های پولی و مالی عملکرد قابل قبولی داشته است. اما فارغ از تمام این‌ها، کاهش نرخ بی‌کاری از دغدغه‌های اصلی دولت یازدهم بوده است. موضوعی که با وجود تلاش‌های این دولت هنوز مهم‌ترین معضل اقتصادی کشور محسوب می‌شود. دولت در این حوزه عملکردی خاکستری داشته است».

این‌ها بخش‌هایی از سخنان نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران است. در پایان سال ۹۳ به سراغ او رفتیم تا گزیده و مختصر به پرسش‌های کوتاه ما در مورد اقتصاد ایران در سال ۹۳ و چشم‌اندازش در سال ۹۴ پاسخ دهد. او بیشتر از هر چیز نگران رفتار مالیاتی دولت در سال ۹۴ بود، که به نظر می‌رسد به خاطر کاهش بهای نفت بخواند به شکل تازه‌ای سهم و نقش فعالان اقتصادی را در این بخش پررنگ کند. متن گفت‌وگو با پدram سلطانی در ادامه آمده است:

وضعیت اقتصادی دولت یازدهم را در سال ۹۳ چطور ارزیابی می‌کنید؟

در خصوص اهم متغیرهای کلان اقتصادی، دولت آقای روحانی تا به امروز در کنترل نرخ تورم و همچنین بازگرداندن رشد اقتصادی کشور نسبتاً موفق عمل کرده است، البته لازم به ذکر است که این رشد اقتصادی، رشد منتشرشده و گسترده در تمام فعالیت‌های اقتصادی کشور نیست و ایرادی که به عملکرد دولت یازدهم در سال ۹۳ وارد است، این است که هنوز در مقایسه با سنوات گذشته نتوانسته شرایط اقتصادی را برای بنگاه‌های کوچک و متوسط بهبود ببخشد.

در خصوص مدیریت نرخ ارز، دولت یازدهم در سال ۹۳ عملکرد قابل قبولی داشته است، البته در سال جاری نوساناتی در خصوص نرخ ارز مشاهده شد اما بروز این نوسانات بر اساس شرایط اقتصادی کشور و تقویت و تضعیف ارزهای معتبر در مقایسه با سایر ارزها، طبیعی و منطقی است.

عملکرد دولت یازدهم در سال ۹۳ در خصوص اشتغال‌زایی پایدار مثبت ارزیابی نمی‌شود، به‌طوری که با مثبت شدن نرخ رشد اقتصادی انتظار می‌رفت که نرخ اشتغال ایجادشده در کشور هم افزایش پیدا کند، اما این نرخ رشد اقتصادی بیشتر بر اساس ظرفیت اشتغال موجود در بنگاه‌ها به عمل آمده و فرصت شغلی جدیدی در کشور ایجاد نکرده است، به‌طوری که اگر هم فرصت شغلی جدیدی در کشور ایجاد

شده میزان آن قابل توجه نبوده است. متأسفانه دولت هنوز نتوانسته انتظار شهروندان به‌ویژه جوانان را در خصوص ایجاد فرصت‌های شغلی فراهم کند.

عملکرد دولت یازدهم در سال ۹۳ در خصوص تجارت خارجی، از جمله میزان واردات و صادرات با رشد مثبتی همراه بوده است. معتقدم رشد تجارت خارجی از دست‌آوردهای مثبت دولت در سال ۹۳ است، زیرا با اجرای این شیوه تا حدی ارتباط کشور با جامعه و تجارت جهانی ترمیم شد، به همین دلیل دولت تا به امروز در بهبود روابط با جهان و تسهیل تجارت خارجی موفق عمل کرده است.

آیا رشد ۴ درصدی اقتصادی در سال ۹۳، باعث خروج کشور از رکود شده است؟

رشد ۴ درصدی اقتصادی از جنبه‌ی آماری نشان می‌دهد که کشور از رکود اقتصادی خارج شده است، اما از جنبه‌ی تحلیلی در بخش‌های مختلف باید با دقت نظر بیشتری بررسی شود، زیرا نرخ رشد اقتصادی بیشتر بر پایه‌ی رشد قابل توجه در چند حوزه‌ی صنعتی مانند خودرو، پتروشیمی، خدمات گردشگری و خرده‌فروشی بوده است. بنابراین تعداد بخش‌هایی که رشد اقتصادی قابل توجه و مورد قبولی داشتند، در مقایسه با سایر بخش‌ها بسیار اندک هستند به همین دلیل هنوز رکود سایه‌ی خود را از سر اقتصاد کشور بر نداشته است. مادامی که بنگاه‌های کوچک، متوسط و بخش‌هایی از اقتصاد کشور که بار اشتغال بیشتری بردوش آن‌هاست از رکود خارج نشوند، آثار خروج از رکود

در اقتصاد کشور مشاهده نخواهد شد.

چرا کاهش نرخ تورم در سال ۹۳ در سبد خانوارها چندان ملموس نبوده است؟

کاهش نرخ تورم به معنای ارزان شدن نیست، بلکه به معنای کندتر شدن آهنگ رشد قیمت‌ها است. در نرخ تورم بیش از ۳۰ درصد به‌طور متوسط نرخ عمومی قیمت‌ها باید حدود یک‌سوم در طول یک‌سال افزایش پیدا کند. در حال حاضر نرخ تورم به ۱۷ درصد رسیده و نرخ عمومی قیمت‌ها ۱۷ درصد افزایش پیدا کرده، به همین جهت همچنان روند رشد نرخ تورم در کشور افزایشی و فقط سرعت رشد آن کند شده است. شهروندان با افزایش قیمت‌ها احساس کاهش نرخ تورم در جامعه را نخواهند داشت اما لازم به ذکر است که رشد قیمت‌ها در سال ۹۲ به صورت روزافزون بود، در حالی که در سال ۹۳ رشد قیمت‌ها با فواصل زمانی زیادی صورت گرفته است.

رکود تورمی سال ۹۳ چه تاثیری بر دهک‌های جامعه در سال آینده خواهد گذاشت؟

تبعات منفی ناشی از رکود تورمی در بازه‌ی زمانی نزدیک به اوج رکود در جامعه منجر می‌شود، به همین دلیل اثرات منفی ناشی از رکود تورمی در آینده در مقایسه با اثرات منفی کوتاه‌مدت، تا حدودی تعدیل پیدا خواهد کرد.

مهم‌ترین ویژگی رکود اقتصادی، افزایش نرخ بی‌کاری و کاهش نرخ اشتغال است و چنانچه دولت با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی موفق به کاهش نرخ بی‌کاری

بودجه‌ی سال ۹۴، بودجه‌ای که دولت پیش‌بینی کرده بود از نظم و انضباط بیشتری پیروی می‌کرد، به همین دلیل در دولت یازدهم بی‌نظمی حاکم بر سیاست‌های مالی دولت گذشته تا حدی مرتفع شده است.

دولت در خصوص سیاست‌های بانکی و اعتباری، عملکرد قابل قبولی نداشته به‌طوری که هنوز شرایط نظام بانکی کشور بهبود قابل توجهی پیدا نکرده است. دولت تا کنون در خصوص دریافت مطالبات معوق بانکی، کاهش شکاف تامین مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، کنترل بانک‌ها و اعمال نظارت‌های لازم نسبت به سایر سیاست‌های اقتصادی عملکرد چندان مثبتی نداشته است.

چه بخش‌هایی در تولید ناخالص داخلی سال ۹۳ سهم بیشتری داشته‌اند؟

بخش‌های صنعتی مانند خودرو، پتروشیمی، کشاورزی، گردشگری و خرده‌فروشی سهم بیشتری در تولید ناخالص داخلی سال ۹۳ داشته‌اند.

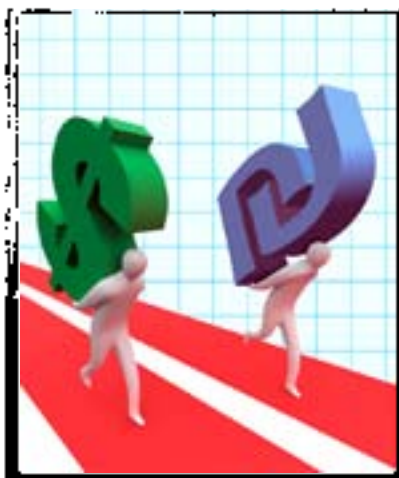
شاخص فلاکت را در طول ۱۷ ماه گذشته از عمر دولت، چطور ارزیابی می‌کنید؟

شاخص فلاکت از اضافه شدن نرخ بی‌کاری به نرخ تورم به دست می‌آید. دولت هنوز نتوانسته عملکرد مثبتی در خصوص کاهش نرخ بی‌کاری داشته باشد، اما در کنترل نرخ تورم موفق عمل کرده است، بنابراین شاخص فلاکت به دلیل کاهش نرخ تورم در دولت یازدهم ترمیم جدی شده است.

اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها در دولت یازدهم چگونه بوده است؟

اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها در دولت یازدهم با نگاهی مثبت پیگیری شده است. شاید کاهش قیمت جهانی نفت یک تهدید تلقی شود، اما در خصوص اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها یک فرصت است، زیرا شکاف قیمتی بین قیمت‌های حامل‌های انرژی در کشور، با قیمت‌های فوب خلیج فارس کمتر شده، بنابراین در حال حاضر از میان برداشتن فاصله‌ی قیمتی و اجرای قانون هدفمندی یارانه عملی‌تر شده است.

به‌طور کلی در مجموع، طی ۱۷ ماه گذشته از عمر دولت یازدهم، دولت در خصوص مدیریت نرخ ارز، کنترل آهنگ رشد نرخ تورم، بازگرداندن رشد اقتصادی، تسهیل روابط تجارت خارجی، کنترل شاخص فلاکت، اعمال سیاست‌های پولی و مالی عملکرد قابل قبولی داشته است، اما در رابطه با کاهش نرخ بی‌کاری هنوز نتوانسته شرایط اقتصادی را برای بنگاه‌های کوچک و متوسط بهبود ببخشد، به همین دلیل مادامی که بنگاه‌های کوچک و متوسط از رکود خارج نشوند، آثار خروج از رکود در اقتصاد یعنی کاهش نرخ بی‌کاری و افزایش نرخ اشتغال پایدار در کشور مشاهده نخواهد شد.



اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها در دولت یازدهم با نگاهی مثبت پیگیری شده است. شاید کاهش قیمت جهانی نفت یک تهدید تلقی شود، اما در خصوص اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها یک فرصت است، زیرا شکاف قیمتی بین قیمت‌های حامل‌های انرژی در کشور، با قیمت‌های فوب خلیج فارس کمتر شده، بنابراین در حال حاضر از میان برداشتن فاصله‌ی قیمتی و اجرای قانون هدفمندی یارانه عملی‌تر شده است.

سیاست‌های پولی در مقایسه با سایر سیاست‌های اقتصادی موفق‌تر عمل کرده است.

همچنین در خصوص سیاست‌های مالی به‌ویژه در لایحه‌ی

در جامعه نشود، بی‌شک آثار رکود تورمی در اقتصاد کشور دامنه‌دار خواهد شد. بنابراین اگر هر زمان دولت موفق به کاهش نرخ بی‌کاری و افزایش نرخ اشتغال پایدار در کشور شود، احساس خروج از رکود و تحمل تورم در جامعه بیشتر خواهد شد، زیرا ثروت بیشتری به اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه منتقل و تعداد نفرات بیشتری در خانوارها مشغول به کار می‌شوند و همچنین درآمد متوسط خانوارها افزایش پیدا خواهد کرد.

آیا راهکارهای خروج از رکود دولت در سال ۹۳، با توجه به کاهش درآمدهای نفتی برای سال ۹۴ نیز مناسب خواهد بود؟

به‌طور حتم آثار خروج از رکود سال ۹۳، در مقایسه با آثار پررنگ کاهش درآمدهای نفتی دولت در سال ۹۴، کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

دولت به دلیل فشارهای ناشی از کاهش قیمت جهانی نفت، به‌تدریج از سیاست‌های خروج غیر تورمی، از رکود فاصله گرفته است، در حال حاضر دولت رویکرد خود را در خصوص نرخ مالیات تهاجمی‌تر کرده، به‌طوری که اکنون نرخ مالیات بر ارزش افزوده کاملاً مغایر با سیاست‌های اعلام‌شده‌ی دولت است، زیرا ظاهراً دولت می‌خواهد برای سال ۹۴ نرخ مالیات بر ارزش افزوده را افزایش دهد. ادامه‌ی این اصول و رویه‌ی سیاستی، یعنی دولت از یک سیاست ثابت و راهبردی پیروی نمی‌کند که به‌طور حتم این امر باعث نااطمینانی در اقتصاد کشور خواهد شد. من هم مثل خیلی از فعالان اقتصادی نگران مالیات تهاجمی هستم.

همچنین ممکن است که ناهنجاری‌های دولت گذشته هم در دولت کنونی تکرار شود، به‌طوری که تکلیف سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی با سیاست و رویکردهای دولت مشخص نباشد. کاهش قیمت جهانی نفت ابتدا آثار روانی و سپس آثار منفی در تصمیم‌گیری‌های دولت گذاشت به‌طوری که معتقدم هنوز اتاق فکر دولت در ارتباط با تنظیم سیاست‌ها با قیمت نفت کنونی و تدوین سیاست منطبق با شرایط فعلی، به جمع‌بندی نهایی نرسیده است.

عملکرد دولت را در خصوص نرخ ضریب جینی چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا توزیع درآمدها در سال ۹۳ عادلانه بوده است؟

در حال حاضر فضای روانی کشور فضای خوش‌بینانه‌ای نیست و به همین دلیل شکاف طبقاتی در جامعه بیشتر به چشم می‌خورد. فساد اداری و اقتصادی موجود در کشور باعث شده که سوءظن جدی نسبت به عملکرد دولت گذشته به وجود آید و همچنین در دولت کنونی به دلیل این که سیاست‌های مبارزه با فساد هنوز اثر عینی و ملموسی در اقتصاد نگذاشته، باورهای مردم نیز نسبت به این موضوع تغییر نکرده است.

همچنان در زندگی روزمره‌ی مردم، آثار فساد در دستگاه‌های دولتی مشاهده می‌شود. به همین دلیل دولت باید در خصوص مبارزه با فساد بسیار جدی، همه‌جانبه و بدون هیچ‌گونه رانته‌ی عمل کند، به‌طوری که ناکامی در بحث جمع‌آوری و کاهش فساد اداری، می‌تواند پاشنه‌ی آشیل دولت در آینده به حساب آید.

سیاست‌های پولی، مالی، بانکی و اعتباری دولت یازدهم را چطور ارزیابی می‌کنید؟

تا کنون نقش سیاست‌های پولی دولت در کنترل نرخ تورم و مدیریت نرخ ارز مثبت بوده، به‌طوری که دولت در خصوص





طلای سیاه

حمید جعفری

سال ۹۴ می‌تواند سال ایفای نقش بازار سرمایه در رونق صنعت گردشگری کاهش بهای نفت؛ فرصت یا تهدید؟

صنعت گردشگری ایران برای درآمدزایی نیاز به اقدام فوری و عاجل ندارند و فقط با بهینه‌سازی فضای گردشگری می‌توان بهترین درآمدها را از این طریق به دست آورد. در سال ۹۲ با آن‌که هنوز اقتصاد ایران تاوان مدیریت ناکارآمد را می‌داد و گردشگران به‌جای ایران سایر کشورهای منطقه را برای گردشگری انتخاب می‌کردند، اقتصاد ایران توانست ۶ میلیارد دلار از این طریق به دست آورد. حالا در نظر بگیرید که فضای صنعت توریسم ایران از تمایلات ایدئولوژیک و بازی‌های سیاسی سلیقه‌گرایی‌ها از یک سو و ناکارآمدی‌های اقتصادی از سوی دیگر زده‌شده، آن‌وقت باید دید که چه درآمدهای بزرگی از این طریق نصیب ایران می‌شود. کارشناسان می‌گویند که صنعت توریسم اگر مورد توجه قرار بگیرد، می‌تواند تا چند برابر درآمدهای نفتی برای ایران دلار به ارمغان بیاورد؟ بخش خصوصی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری می‌توانند برای برپا کردن فوری این درآمد، بهترین کمک باشند. فقط کافی است که آن‌ها به این اطمینان برسند که حضورشان در صنعت گردشگری دستخوش سلاخی سیاسی قرار نمی‌گیرد. نباید از توان شرکت‌های سرمایه‌گذاری و نقشی که بازار سرمایه می‌تواند برای رونق فعالیت‌های مولدی نظیر صنعت توریسم ایفا کند، غافل شد. سال ۹۴ باید سالی باشد که به کمک شرکت‌های سرمایه‌گذاری و پتانسیل بازار سرمایه، یک‌بار برای همیشه گردشگری بار نفت را از روی دوش اقتصاد بردارد. اگر کاهش بهای نفت و احتمال قطع درآمدهای حاصل از منابع نفتی، به رونق صنعت گردشگری ختم شود، آیا نباید این رخداد را طلایی‌ترین اتفاق تاریخ اقتصاد ملی بدانیم؟

تاریخی‌ترین سال برای اقتصاد ایران باشد؛ اگر مدیران اقتصادی کشور از کاهش بهای نفت به‌خوبی و به نفع تقویت اقتصاد مولد و خروج از اقتصاد نفتی استفاده کنند. گرانی نفت که نتوانست کمکی به اقتصاد ایران بکند، پس حالا در دوران رکود منابع، کاهش بهای نفت باید چاره‌ی کار اقتصاد باشد که بتوانیم اقتصاد غیر نفتی را اجرا کنیم. اگر خوب دقیق شویم، این می‌تواند یک نقطه‌ی شروع دوباره در تاریخ اقتصاد کشور باشد. به نظر می‌رسد بهترین و مؤثرترین اقدام فوری نیز برای اجرای اقتصاد بدون نفت، پرداختن به صنعت گردشگری و استفاده از پتانسیل‌های این صنعت باشد. در سال‌های گذشته صنعت و بخش‌های مولد اقتصادی زیان دیده و آسیب‌پذیر شده‌اند، برای همین نمی‌توان از آن‌ها انتظار داشت که فوری در زمان کاهش بهای نفت به داد اقتصاد ایران و منابع مورد نیاز برای احیای این اقتصاد برسند. اما در مقابل، پتانسیل‌های

نباید از توان شرکت‌های سرمایه‌گذاری و نقشی که بازار سرمایه می‌تواند برای رونق فعالیت‌های مولدی نظیر صنعت توریسم ایفا کند، غافل شد. سال ۹۴ باید سالی باشد که به کمک شرکت‌های سرمایه‌گذاری و پتانسیل بازار سرمایه، یک‌بار برای همیشه گردشگری بار نفت را از روی دوش اقتصاد بردارد.

کارشناسان اقتصادی می‌گویند که نقطه‌ی عطف اتفاقات اقتصادی در سال ۹۳ کاهش بهای نفت است. به نظر می‌رسد باید به آن‌ها حق داد، چون اقتصاد ایران در سه دهه‌ی گذشته بارها نوسان را در مؤلفه‌های مختلف تجربه کرده است. به عنوان مثال در این دوران بارها تورم کاهش یا افزایش یافته یا رشد و رکود اقتصادی نیز همیشه شکل‌های مختلفی را از خود نشان داده است. فساد اقتصادی نیز بدون تعارف کم‌وبیش وجود داشته است. هرچند که در ۸ یا ۹ سال گذشته کار مدیریت اقتصاد به‌گونه‌ای بوده که برای نخستین بار اقتصاد ایران به شنیدن اخبار فسادهای عجیب‌وغریب عادت کرده است. در این میان کاهش بهای نفت می‌تواند نقطه‌ی عطف باشد. البته این برای نخستین بار نیست که کاهش هیجانی بهای نفت در اقتصاد کشور تجربه می‌شود. منتهی این کاهش در زمانی رخ داده که اقتصاد ایران به‌تازگی دوران پرشکوه بهای نفت را هم تجربه کرده است اما نتیجه‌ی کارش در این دوره‌ی شکوفایی قیمت نفت، تضعیف صنعت و فعالیت‌های مولد اقتصادی بوده است. در چند سال قبل برای نخستین بار قیمت نفت به بالای ۱۲۰ دلار رسید. همه‌ی فعالان اقتصادی به‌درستی از این دوران نفتی با عنوان طلایی‌ترین روزگار نفتی ایران یاد می‌کنند. به نظر می‌رسد ما به دلیل آن‌که ده‌ها سال اقتصاد نفتی را تجربه کرده بودیم و درست به همین اندازه در آرزوی قرار از اقتصاد نفتی بودیم، از این افزایش شدید نفت برای تقویت مکانیزم اقتصاد مولد استفاده کنیم اما در عمل نه تنها این اتفاق رخ نداد بلکه مدیریت اقتصادی به‌گونه‌ای بوده که این درآمدهای نفتی به زیان اقتصاد مولد عمدتاً صرف هزینه‌های جاری و مصرفی و واردات کالاها و مصنوعات خارجی شد. بعد از تغییر سیستم مدیریت اقتصادی کشور، کوله‌باری از گره‌های اقتصادی به مدیریت جدید به ارث رسیده بود، که برای رهایی از آن چشم‌امیدی هم به درآمدهای نفتی داشت. درست در این مقطع قیمت نفت با سر بر زمین خورد و یک شوک تاریخی به اقتصاد ایران وارد کرد. به همین خاطر کارشناسان اقتصادی می‌گویند باید از این کاهش قیمت نفت با عنوان کلیدی‌ترین اتفاق در سال ۹۳ یاد کرد. چون به نظر می‌رسد ایران را در شرایط ویژه‌ای قرار داده که حالا دیگر چاره‌ای جز دور شدن از اقتصاد نفتی ندارد. مشکلات و گره‌های متعددی که در زمان گرانی نفت به دلیل مدیریت‌های نامناسب نصیب اقتصاد ایران شد، اقتصاد کشور را بر سر دورراهی تعیین‌کننده‌ای قرار داده است. این نکته دقیقاً تنها چاره‌ی باقی‌مانده در مقابل اقتصاد ایران را نشان می‌دهد. اگر تا امروز همیشه در تئوری و تحلیل‌های اقتصادی این باور وجود داشت که باید از نفت دور شد، حالا کار اقتصاد در زمانی کوتاه پس از طلایی‌ترین دوران نفتی به جایی رسیده که با کاهش بهای نفت چاره‌ای جز این باقی نمی‌ماند که نفت را از اقتصاد دور کرد. سال ۹۳ می‌تواند



صنعت گردشگری؛ عرصه‌ای مطمئن برای سرمایه‌گذاری

بهترین فرصت برای دل‌کندن از درآمدهای ناپایدار نفتی؛

کنند، آیا در سال ۹۳ باز هم اقتصاد ایران این همه مشکل را تحمل می‌کند؟ در نوروز ۹۲ نیز وضع این‌گونه بوده است. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که در سال ۹۲ خانوار ایرانی برای سفرهای خارجی خود ۵/۲ هزار میلیارد تومان هزینه کرده‌اند. هرچه به عقب برویم نیز این ارقام وجود دارند و برای بهار ۹۴ نیز به نظر می‌رسد وضع این‌گونه است. آیا وقت آن نرسیده است که صنعت گردشگری را به گونه‌ای احیا کنیم که هم از حجم خروج گردشگران وطنی کاسته شود و هم گردشگران خارجی بیشتری راهی ایران شوند؟

خبر می‌دهد. از این شمار ۱۹۰ هزار نفر به ترکیه سفر کرده‌اند که با افزایش ۴۳ درصدی نسبت به سال گذشته مواجه بوده است. کارشناسان زیادی در مورد این حجم از سفر ایرانی‌ها نظر دادند و هزینه‌یابی‌های زیادی نیز صورت گرفت. ظاهراً در نوروز گذشته ایرانی‌ها فقط در کشور ترکیه ۱۳۴ میلیون دلار هزینه کرده‌اند. کمی به این رقم توجه کنید؟ با این ۱۳۴ میلیون دلار چه کارهایی می‌شد برای اقتصاد ایران کرد؟ اگر این‌گونه درآمدها در اختیار شرکت‌های سرمایه‌گذاری بود و می‌توانستند آن را از طریق بازار سرمایه به فعالیت‌های مولد اقتصاد تبدیل

نوروز (یعنی دیرینه‌ترین سنت ایرانی برای سفر و پذیرایی از گردشگران) هرگاه از راه می‌رسد، این داغ را تازه می‌کند که ایران می‌توانست یکی از پردرآمدترین کشورها به لحاظ برخورداری از صنعت گردشگری باشد اما پتانسیل‌هایش برای رونق اقتصادی کشور، هم منزوی مانده است و هم نتوانسته از خروج گردشگران ایرانی از کشور در روزهای نوروز جلوگیری کند. برای نوروز ۱۳۹۳ سردار احمدی‌مقدم گفت: «در نوروز امسال ۶۷۰ هزار ایرانی به خارج از کشور سفر کردند، که این آمار از افزایش ۳۵ درصدی مسافرت ایرانی‌ها به کشورهای دیگر در نوروز

(جدول شماره ۱)

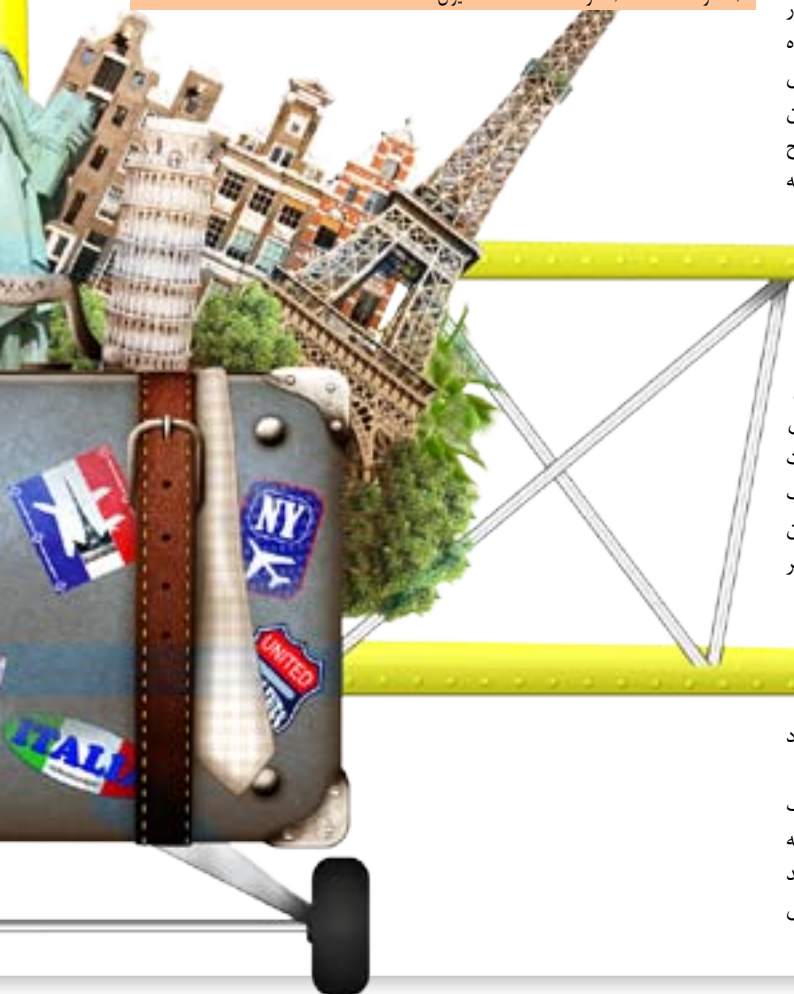
رشد واقعی تولید ناخالص داخلی حاصل از گردشگری	۲۰۲۰	۲۰۱۰
خاورمیانه	۵,۲ درصد	۰,۱ - درصد
جهان	۴,۴ درصد	۰,۵ درصد
ایران	۳,۸ درصد	۳,۹ درصد

نیاز به برنامه‌ریزی

امروزه هیچ شکی باقی نمانده است که صنعت گردشگری تاثیر بسزایی در اقتصاد کشورها دارد. این صنعت با ویژگی‌های خاص خود، صنعتی است بسیار پویا که آینده‌ای روشن پیش رو دارد. سرمایه‌گذاری در این صنعت در تمام کشورهای جهان که دارای جاذبه‌های جهانگردی هستند رو به افزایش است. به طوری که جذب گردشگران خارجی به رقابتی فزاینده در بین نهادهای درگیر در صنعت گردشگری تبدیل شده است. چراکه این صنعت نه تنها در پیشبرد اقتصاد ملی و درآمدهای ارزی نقش اساسی دارد، بلکه صنعتی پاکیزه و عاری از آلودگی و در عین حال ایجادکننده‌ی مشاغل جدید است. گردشگری برای کشورهای دارای جاذبه‌های جهانگردی مانند ایران، می‌تواند به مهم‌ترین منبع کسب درآمد ارزی تبدیل شود. اما این کار نیاز به برنامه‌ریزی صحیح و همه‌جانبه توأم با آینده‌نگری برای تنظیم و اجرای آن دارد. هنگامی که جهانگرد وارد کشور می‌شود، در مقابل خدماتی که به وی ارائه می‌شود، باید هزینه پرداخت کند و این پرداخت ارزی خواهد بود. بنابراین این صنعت می‌تواند جایگزین اقتصاد تک‌محصولی یعنی درآمد

نفتی گردد. کشورهایی که به‌طور خاص جهانگردپذیرند و به دلیل داشتن جاذبه‌های توریستی سالانه تعداد بالای مسافر در خود جای می‌دهند، اوضاع اقتصادی بهتری نسبت به سایر کشورها دارند. صنعت توریسم یا گردشگری تنها با وجود جاذبه‌های یک کشور رونق پیدا نمی‌کند، تبلیغات، تسهیلات و سیاست‌های کلی در یک کشور هرکدام می‌توانند سهم عمده‌ای در جذب گردشگر داشته باشند. برای مثال جاذبه‌های تاریخی، باستانی و طبیعی ایران نسبت به کشورهایی مانند امارات متحده عربی و ترکیه که در حال حاضر عنوان کشور توریستی را یدک می‌کشند و گوی سبقت را از ما ربوده‌اند، بسیار بیشتر است. شورای جهانی سفر و گردشگری WTO در آمار خود که اخیراً ارائه کرده، وضعیت نامطلوبی را برای صنعت گردشگری ایران تا سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی می‌کند. طبق این آمار که بین ۱۸۱ کشور بررسی شده، جایگاه ایران با توجه به جاذبه‌های توریستی‌ای که دارد اصلاً مطلوب و خوشایند نیست.

(جدول شماره ۱) نشان می‌دهد که ایران بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ در یک بازه‌ی زمانی ۱۰ ساله صنعت توریسم‌اش رو به رکود می‌رود. یعنی صنعتی که در سال ۲۰۱۰ رشد ۳/۹ درصدی داشته، در سال ۲۰۲۰ رشدش به ۳/۸ درصد می‌رسد. در حالی که در همین زمان در چشم‌انداز جهانی صنعت گردشگری رشد بسیار مطلوبی (از ۰/۵ تا ۴/۴ درصد) را نشان می‌دهد.



خواهد کرد. انتظار می‌رود با تغییر مقاصد گردشگری برتر جهان، کشورهای در حال توسعه آسیایی، پاسیفیک، آفریقایی و خاورمیانه شاهد بیشترین میزان گردشگر باشند.

در حال حاضر کشورهای زیر بیشترین آمار گردشگر را به خود اختصاص داده‌اند:

تعداد گردشگر ورودی	کشور	ردیف
۸۵ میلیون	فرانسه	۱
۷۰ میلیون	آمریکا	۲
۵۸ میلیون	چین	۳
۵۷ میلیون	اسپانیا	۴
۴۷ میلیون	ایتالیا	۵
۳۶ میلیون	ترکیه	۶
۳۵ میلیون	آلمان	۷
۳۰ میلیون	انگلیس	۸
۲۶ میلیون	روسیه	۹
۲۵ میلیون	مالزی	۱۰

همان‌طور که این جدول هم نشان می‌دهد ایران هیچ جایگاهی در میان این کشورها ندارد. متأسفانه ایران با وجود همه امکاناتی که برای جذب توریست دارد، سهم بسیار ناچیزی از این صنعت را از آن خود کرده است. طبق یک آمار از مسئولان گردشگری کشور ورود چهار میلیون و ۱۲۶ هزار گردشگر خارجی در ده ماهه اول سال ۹۲ به کشور ثبت شده، که این آمار نشان می‌دهد میزان ورود گردشگران خارجی به کشور نسبت به مدت مشابه، ۲۱ درصد رشد داشته است. نمودار زیر میزان ورود گردشگران خارجی به کشور را نشان می‌دهد، که در مقایسه با ارقام جدول بالا وضعیت نامطلوب اقتصاد گردشگری ایران را به رخ می‌کشد:



ارقام فوق بدون شک هیچ نسبتی با موقعیت‌ها و پتانسیل‌های برتر ایران برای گردشگری ندارند. بدون تعارف ما اکنون به‌وضوح از کشورهای منطقه جا مانده‌ایم. بر اساس گزارش‌های موجود، کشورهای اول در تعداد گردشگر خارجی ورودی (در منطقه)، عراق آذربایجان، افغانستان، ترکیه، پاکستان، ترکمنستان، عربستان سعودی، کویت و هندوستان بوده‌اند، که از این تعداد

در رده‌بندی انجام‌شده بین ۱۸۱ کشور بررسی‌شده در گزارش سازمان جهانی شورای سفر، تولید ناخالص داخلی حاصل از گردشگری کشور ایران از نظر اندازه‌ی خالص در رتبه‌ی ۳۰، نسبت به اقتصاد ملی در رتبه‌ی ۹۵ و از نظر رشد اقتصادی در رتبه‌ی ۱۳۵ قرار گرفته است. ایران همچنین در بین ۱۲ کشور منطقه‌ی خاورمیانه هم از نظر اندازه‌ی خالص در رتبه‌ی ۳، نسبت به اقتصاد ملی در رتبه‌ی ۸ و از نظر رشد اقتصادی در رتبه‌ی ۹ قرار گرفته است. البته رشد اقتصادی کشورها با توجه به درصد تورم آن‌ها سنجیده می‌شود.

بر اساس آخرین آمار این سازمان در حال حاضر از هر ۱۲/۳ شغل در سراسر دنیا، یک شغل مربوط به صنعت جهانگردی است. پیش‌بینی‌های این سازمان در ۱۰ سال آینده، نشان می‌دهد که نزدیک به ۱۰ درصد از کل مشاغل دنیا مرتبط با صنعت گردشگری خواهد بود و ۳/۳ میلیون و ۱۹ هزار شغل مرتبط با گردشگری به وجود می‌آید.

بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد کل گردشگران جهان همواره رو به افزایش است، تا حدی که به گزارش «توریسم ریپورت» تعداد گردشگران هر سال به‌طور میانگین ۴۳ میلیون نفر افزایش می‌یابد. این رقم با گسترش ارتباطات و صنایع حمل‌ونقل تا سال ۲۰۳۰ می‌تواند به رقمی نزدیک ۱/۸ میلیارد نفر برسد. در حال حاضر بر اساس آمار ارائه‌شده، سفرهای هوایی کمترین میزان سفر را در جهان تشکیل می‌دهند اما تا چند سال آینده این میزان افزایش پیدا



صنعت توریسم یکی از زیربخش‌های مهم اقتصادی کشور است، که به خاطر مشکلات موجود هنوز نمی‌تواند بار زیادی از اقتصاد مملکت را بر دوش بکشد. گذشته از مشکلات ذکرشده، مسائل دیگری همچون کمبود امکانات مالی برای توسعه و تجهیز تأسیسات مورد نیاز هم به رشد نکردن این صنعت دامن می‌زند.

دیپلماسی اقتصاد و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری

سال‌هاست که مشکلات و گره‌های مربوط به مازرای صنعت گردشگری ایران مطرح می‌شود، به نحوی که تمامی کارشناسان و تمامی برنامه‌ریزان اقتصادی نیز به‌خوبی از وجود این معضلات آگاهی دارند. در حال حاضر به نظر می‌رسد که دیگر زمان برای فرصت‌سوزی باقی نمانده است. سقوط به ورطه‌ی کاهش بهای نفت در سال ۹۳ نشان داد که اقتصاد نفتی به یک مو وصل است و کوچک‌ترین نوسان منفی در بهای نفت می‌تواند باعث تضعیف اقتصاد کشور شود. سال ۹۳ و کاهش بهای نفت یک نشانه بود؛ نشانه‌ای که به‌خوبی واهمی مسئولین اقتصادی کشور را از سقوط بهای نفت به تصویر کشید. البته آن‌ها حق دارند. قیمت نفت اگر از سطح مشخصی کمتر شود، اقتصاد ایرانی باید آسیب‌های زیادی را تجربه کند. بر همین اساس باید باور کرد که دیگر زمان آن رسیده است تا از پتانسیل‌های اقتصادی کشور برای مقابله با «ترس نفتی» استفاده کرد. در کشوری که بهترین آثار باستانی وجود دارد، آیا فقط باید ۴ میلیون گردشگر خارجی متقاضی ورود به این کشور باشند. موقعیت گردشگری ایران را مقایسه کنید با کشوری مثل انگلستان.

درست که بریتانیا نیز تمدن تاریخی و گردشگری بزرگی دارد اما بنا بر اعتراف کارشناسان، تمامی آن‌ها شاید به اندازه‌ی کتیبه‌ی بیستون، تخت جمشید و بسیاری دیگر از موقعیت‌های تاریخی ایران ارزش دیده شدن نداشته باشند، آن‌وقت برای انگلیس ۳۰ میلیون نفر گردشگر ثبت می‌شود و برای ایران این رقم به ۴ میلیون نفر می‌رسد. به‌طور قطع نمی‌توان تمامی مشکلات گردشگری را به پای مسائل سیاسی نوشت هرچند که این مؤلفه نیز در افت گردشگری بی‌تأثیر نیست، اما بخش اصلی دلیل سقوط صنعت توریسم در ایران به مدیریت نامطلوب فضای اقتصادی کشور بازمی‌گردد.

ما هنوز آن‌طور که باید از دیپلماسی اقتصادی فعالی برخوردار نیستیم. یعنی نوعی از دیپلماسی که فقط مراودات اقتصاد و زمینه‌ی رشد توسعه را نمایندگی نکند و راهبردهایش و کارهایش نیز مورد تأیید تمامی حوزه‌های توسعه در کشور باشد. برای خروج از بن‌بست اقتصادی باید از یک سو دیپلماسی اقتصاد را کارآمد کرد و از سوی دیگر مسیر ورود بنگاه‌های سرمایه‌گذاری را برای مولدسازی در این حوزه هموار ساخت. شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری اگر بر اساس ضوابط اقتصادی آزاد باشند، به‌خوبی می‌دانند که چگونه می‌توانند با سرمایه‌گذاری‌های خود در حوزه‌ی گردشگری، این حوزه را برای درآمدزایی تقویت کنند و آن را به‌جای نفت بنشانند. ساختارهای صنعتی ایران به دلیل نوع مدیریت اقتصادی در چند سال اخیر بسیار آسیب‌پذیر شده است. به نظر می‌رسد دستیاب‌ترین مؤلفه برای کسب درآمد و تقویت اقتصاد ایران، استفاده از مواهب صنعت گردشگری باشد. این راهبرد را نباید برای سال ۹۴ از یاد برد.

حدود دو میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از آن‌ها با هدف‌های خاص گردشگری سفر کرده‌اند. سفر به منظور زیارت در اولویت این گردشگری خاص بوده است. بنابراین آمارها سهم ایران از تعداد رو به افزایش گردشگران جهان حدود ۰/۳۳ تا ۰/۳۴ درصد است.

در این جدول وضعیت ۵ کشور برتر خاورمیانه نشان داده شده که به دلیل خروج سوریه از لیست، ایران به مقام پنجم رسیده است.

گردشگر ورودی	کشور	ردیف
۱۷ میلیون	عربستان	۱
۱۰ میلیون	مصر	۲
۹ میلیون	امارات	۳
۵ میلیون	اردن	۴
۴ میلیون	ایران	۵

نکته‌ی جالب توجه دیگر این‌که از هر ۱۰ گردشگر جهان یک نفر چینی است. چینی‌ها تنها در سال ۲۰۱۳ میلادی، ۱۲۹ میلیارد دلار پول به کشورهای مختلف سرازیر کردند. این رقم به مراتب بیشتر از ۸۶ میلیارد دلار پولی است که گردشگران آمریکایی در همان سال خرج کردند. به عبارت دیگر بهتر است بگوییم که از هر ۱۰ گردشگر بین‌المللی در جهان، یک نفر چینی است.

با توجه به این نکات می‌توان فهمید چرا گردشگران چینی تبدیل به یک کالای پرسود شده‌اند، که هر کشوری می‌کوشد بیش از پیش سهمی از آن بردارد. اما سهم ایران از حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیون گردشگر چینی که هر سال به قصد مسافرت از کشور خارج می‌شوند بسیار اندک است. در صورتی که با جذب گردشگران چینی می‌توان تا حدودی صنعت گردشگری ایران را از رکود نجات داد.

به‌طور کلی ورود گردشگران خارجی به ایران یکی از راه‌های ورود دلار به اقتصاد کشور است. طبق آماري که مسئولان میراث فرهنگی ارائه داده‌اند، طی سه ماهه‌ی اول سال ۹۳ معادل ۱۹ هزار اروپایی و در کل ۲۳ هزار ۶۲۵ نفر گردشگر خارجی به ایران سفر کرده‌اند، که نسبت به سال گذشته پیشرفت خوبی داشته و تقریباً سه برابر شده. در صورتی که روند ورود گردشگران به ایران افزایش یابد، فضا برای جذب درآمدهای ارزی نیز مساعد می‌شود. در مجموع مشکلات زیادی در هر کشور می‌تواند تأثیر مستقیمی بر صنعت توریسم آن بگذارد، در ایران نیز این مشکلات بی‌تأثیر نیست. بی‌ثباتی قیمت‌ها، تورم و چندگانگی موجود در نرخ‌گذاری‌ها و سهمیه‌بندی سوخت، صنعت متنوع و درآمدزای گردشگری را بیش‌ازپیش در ایران دچار مشکل کرده است. طبق آمارهایی که ارائه شده، درآمد جهانی جهانگردی همه ساله بالغ بر صدها میلیارد دلار است، اما ایران که از زمره‌ی پراستعدادترین کشورها در این زمینه به شمار می‌رود و جاذبه‌های فراوان طبیعی، تاریخی و فرهنگی آن زیانزد خاص و عام است، تنها چند صدهزار دلار از این صنعت بهره می‌برد.



بیشترین درآمدهای توریستی را کدام شهرهای جهان جذب می کنند؟



نوروز و فرا رسیدن بهار اقتصاد ایران را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. در این ایام ایران بیش از دو هفته میزبان تعطیلی مردم و گردشگران است. در همه کشورهای در چنین روزهایی، برنامه ریزان اقتصادی درهای کشور را روی گردشگران خارجی باز می کنند و حجم دلارهای خود را افزایش می دهند. اما در چنین روزهایی در ایران شاهد فوج بزرگی از مردم هستیم که برای سفر راهی کشورهای همسایه می شوند و بخشی از ثروت کشور را در آنجا خرج می کنند.

در میان کشورهای اروپایی، انگلیس و فرانسه و در سوی دیگر جهان آمریکا از سهم بالایی در این صنعت برخوردارند. اما مدتی است در آسیا صنعت توریسم در چند کشور به شدت رونق گرفته و سالانه دلارهای فراوانی در آنجا خرج می شود. تایلند، مالزی و ترکیه خود را به عنوان سردمداران آسیایی این صنعت به اروپایی ها و آمریکایی ها تحمیل کرده اند. طبق آخرین گزارش مجله فوربس و سایت بیزینس اینسایدر، هم اکنون بانکوک به عنوان پربازدیدترین شهر جهان در سال جاری مطرح است.

اگر ۲۰ کشور را (طبق جدول زیر) به ترتیب برترین کشورها با صنعت گردشگری در نظر بگیریم، گردش مالی در آن ها ۱۹۱،۱ میلیارد دلار پیش بینی می شود. این در حالی است که انتظار می رود ۱۷۸،۲۶ میلیون نفر تا پایان سال جاری از آن ها دیدن خواهند کرد.

در میان مقاصد توریستی جهان شهرهای بانکوک و استانبول و سنگاپور صعود قابل توجهی داشته اند. ضمن این که نیویورک با آن که در رتبه پنجم جدول است، اما هنوز با گردش مالی ۱۸،۶ میلیارد دلاری پر درآمدترین شهر گردشگری جهان است. یعنی گردشگران در نیویورک بسیار بیشتر پول خرج می کنند.

طبق جدول صفحه که امارات در رده هفتم صنعت جهانی توریسم قرار گرفته، اما می توان پیش بینی کرد با توجه به روند ساخت و ساز و پیشرفت های چشم گیری که در سال های اخیر در حوزه جذب توریست داشته، تا چند سال آینده حداقل چند رده در این جدول صعود داشته باشد. از سوی دیگر ترکیه که در رده ششم جدول جای گرفته، فقط استانبول را ملاک قرار داده. در صورتی که اگر بخواهیم جزایر ریز و درشتی را که هر سال از میان آب های مدیترانه سر درمی آورند و توریست ها را به ترکیه و این جزایر زیبا می کشانند در نظر بگیریم، ترکیه می تواند رتبه های بالاتری داشته باشد.

نکته دیگری که بسیار در صنعت توریسم تاثیرگذار است، به خصوص برای مردم آسیا، عدم نیاز کشورها به ویزا برای ورود است. در نظر بگیرید یک خانواده چهار نفره با وضع مالی خوب وقتی بخواهد به اروپا یا آمریکا سفر کند، چقدر باید وقت و هزینه اضافه صرف گرفتن ویزا بکند که در اکثر مواقع هم همه اعضای خانواده موفق نمی شوند با هم ویزا دریافت کنند. بنابراین تصمیم می گیرند به این کشورهای حاشیه خلیج فارس یا جزایر زیبای ترکیه سفر کنند که هم در کنار هم باشند و هم تا حدودی در هزینه ها صرفه جویی شود. وجود آثار باستانی و دیدنی یکی دیگر از مولفه هایی محسوب

می شود که نقش بسزایی در تقویت صنعت توریسم دارد. غیر از کشورهایی که صرفا برای لذت بردن افراد از هوا و دریا و اماکن تفریحی گردشگر می پذیرند، کشورهای دیگری هم هستند که برای آثار باستانی و قدمت تاریخی شان توریستی به حساب می آیند. این کشورها شاید خیلی اماکن تفریحی و سرگرم کننده نداشته باشند، اما برای علاقه مندان به تاریخ و موزه و آثار باستانی قطعا جذاب تر از سواحل ترکیه هستند.

پارک مرکزی - نیویورک (تعداد سالانه بازدیدکننده ها: ۳۸،۰۰۰،۰۰۰ نفر)

بازار بزرگ - استانبول (تعداد سالانه بازدیدکننده ها: ۱۵،۰۰۰،۰۰۰ نفر)

پارک دیزنی لند - آناهیم کالیفرنیا (تعداد سالانه بازدیدکننده ها: ۱۵،۹۸۰،۰۰۰ نفر)

بازار تالار Faneuil - بوستون (تعداد سالانه بازدیدکننده ها: ۱۸،۰۰۰،۰۰۰ نفر)

دنیای جادویی دیزنی - اورلاندو (تعداد سالانه بازدیدکننده ها: ۱۶،۹۷۲،۰۰۰ نفر)

ترمینال بزرگ مرکزی - نیویورک (تعداد سالانه بازدیدکننده ها: ۲۱،۶۰۰،۰۰۰ نفر)

آبشار نیاگارا - نیویورک و اونتاریو (تعداد سالانه بازدیدکننده ها: ۲۲،۵۰۰،۰۰۰ نفر)

لاس وگاس (تعداد سالانه بازدیدکننده ها: ۲۹،۴۶۷،۰۰۰ نفر)

ایستگاه ایالتی - واشنگتن دی سی (تعداد سالانه بازدیدکننده ها: ۳۷،۰۰۰،۰۰۰ نفر).

این ارقام هر چند که از سویی نشان دهنده جذابیت آثار باستانی محسوب می شوند، اما از سوی دیگر این مسئله را گوشزد می کنند که در توسعه اقتصادی ایران چه غفلت بزرگی در حوزه توریسم رخ داده است و هم چنان نیز این غفلت ادامه دارد. ایران یکی از معروف ترین کشورها به لحاظ در اختیار داشتن آثار باستانی است؛ آثاری که می توانند هر سال میزبان چند ده میلیون گردشگر باشند. درآمدی که آن ها می آورند، بدون شک درآمد نفت و اقتصاد نفتی را از دایره توسعه ایرانی بیرون می کند. اما هنوز این اتفاق شکل نگرفته است و هم چنان صنعت توریسم در اقتصاد ایران جایگاه واقعی خود را به دست نیاورده است. به نظر می رسد برنامه ریزان اقتصادی با ورناندز کردن این ارقام باید یک بار برای همیشه به این اندیشه کنند که چگونه می توانند از مواهب پتانسیل های گردشگری ایران بهره مند شوند. بدون شک یکی از راه های دست یابی به درآمدهای صنعت گردشگری باز کردن مسیر بخش خصوصی برای ورود بهتر به این صنعت و استفاده از پتانسیل بنگاه های سرمایه گذاری است.

درآمدانتظاری (میلیارد دلار)	تعداد بازدیدکننده	کشور	شهر	ردیف
۱۴،۳	۱۵،۹۸	تایلند	بانکوک	۱
۱۶،۳	۱۵،۹۶	انگلیس	لندن	۲
۱۴،۶	۱۳،۹۲	فرانسه	پاریس	۳
۱۱،۵۷	۱۳،۵	سنگاپور	سنگاپور	۴
۱۸،۶	۱۱،۵۲	آمریکا	نیویورک	۵
۸،۶	۱۰،۳۷	ترکیه	استانبول	۶
۱۰،۴	۹،۹	امارات	دبی	۷
۷،۸	۹،۲	مالزی	کوالالامپور	۸
۶،۳	۸،۷۲	هنگ کنگ	هنگ کنگ	۹
۸،۹	۸،۴۱	اسپانیا	بارسلون	۱۰
۱۰،۸	۸،۲	کره	سئول	۱۱
۶،۶	۶،۸۳	ایتالیا	میلان	۱۲
۶،۴	۶،۷	ایتالیا	رم	۱۳
۶،۹	۶،۵	چین	شانگهای	۱۴
۶،۳	۶،۳۵	هلند	آمستردام	۱۵
۱۲،۷	۵،۸	ژاپن	توکیو	۱۶
۴،۸	۵،۳۷	اتریش	وین	۱۷
۸،۱	۵،۱۹	تایوان	تایپه	۱۸
۳،۴	۵	عربستان	ریاض	۱۹
۷،۸	۴،۸۴	آمریکا	لس آنجلس	۲۰
۱۹۱،۱	۱۷۸،۲۶	جمع		

مکان هایی هم چون برج ایفل فرانسه، برج کج پیزا، سفرای آفریقا یا اهرام ثلاثه مصر، نام هایی هستند که زیاد آن ها را شنیده ایم. این نام ها درواقع یادآور این نکته است که آثار باستانی چه حجم بزرگی از درآمد را می توانند نصیب کشورها کنند. به برخی از این نام ها و تعداد بازدیدکننده های آن توجه کنید.

میدان تایمز - نیویورک (تعداد سالانه بازدیدکننده ها: ۲۹،۲۰۰،۰۰۰ نفر)

ارزیابی کاهش بهای نفت و موقعیت بازار سرمایه بعد از افت قیمت طلای سیاه

در گفت‌وگو با محمدعلی صادقی بررسی شد:

آثار نوسان قیمت نفت بر اقتصاد ایران

ایلیا پیرولی

کاهش بهای نفت در سال ۹۳، بزرگ‌ترین شوک را برای اقتصاد ایران به ارمغان آورد؛ یعنی اقتصادی که هنوز تا حد بسیار زیادی به نفت وابسته است و به خاطر مدیریت اقتصادی چند سال اخیر، بخش خصوصی خود را نیز تضعیف شده می‌بیند. در روزهای پایانی سال ۹۳، با وجود این که بهای نفت تا حد کمی دوباره افزایش یافته بود اما می‌توان به جرات گفت که بخش اصلی گفت‌وگوها در محافل اقتصادی حول کاهش بهای نفت و تأثیری که این کاهش بر اقتصاد سال ۹۴ می‌گذارد، چرخ می‌زد. ما هم در تحلیل این ماجرای اقتصادی سراغ محمدعلی صادقی، کارشناس مجرب امور بین‌الملل نفت، گاز و انرژی رفتیم. او کاهش درآمدهای نفتی را چالش مهم اقتصاد می‌داند و معتقد است: «اقتصاد ایران نیاز به اصلاحات ساختاری دارد تا بر اساس این اصلاحات بتواند خود را از کاهش درآمدهای نفتی مصون نگه دارد.»

این کارشناس اقتصادی، با بیان این که در حال حاضر با کاهش قیمت نفت، چراغ قرمز اقتصاد کشور روشن شده است، ایجاد یک مرکز مدیریت بحران را در این شرایط بسیار با اهمیت ارزیابی کرد. این گفت‌وگو در روزهای پایانی بهمن سال ۹۳ تدوین شده است. متن این مصاحبه را در ادامه بخوانید.

می‌شد و تمام مجموعه از طریق بخش خصوصی فعالیت می‌کرد، که این عملکرد نشان‌دهنده استفاده واقعی از بخش خصوصی بود، این درحالی است که در شرایط کنونی صنعت نفت ۱۴۰ هزار پرسنل دارد و ۲۵۰ هزار نفر هم غیر متمرکز و در شرکت‌های مختلف هستند، که نسبت به برخورداری این حجم از منابع نفتی شاهد بازده بالای کاری نیستیم.

شما در گفته‌هایتان از مدیریت بحران نام بردید و برای این مدیریت استفاده از نیروی‌های فعال در بخش خصوصی را توصیه کردید، اما راهکار نهایی برای برون‌رفت از این معضل را چه می‌دانید؟

قبل از هر اقدامی باید به دنبال اصلاح سیستم اقتصادی باشیم. سیستم اقتصادی حاکم بر کشور در شرایط فعلی

توانمندی بخش خصوصی و احیای بازارهای سرمایه‌ای، شرایط را به سود اقتصاد بازگرداند. یکی از راهکارها می‌تواند این باشد که دولت بخش خصوصی را نیز در بحث فروش نفت وارد کند.

اما بخش خصوصی طی دو دولت آقای احمدی‌نژاد، به شدت تضعیف شده است و در صحنه حضور جدی ندارد. حتی این بخش به خاطر رنج‌هایی که از رکود کشیده، دیگر در بازارهای کاذب نیز توان رقابت ندارد. آیا می‌توان به این بخش همچنان امیدوار بود؟

بلی. به شرطی که به این بخش قیّم‌آبانه نگاه نشود؛ موضوعی که در سال‌های گذشته باعث شده بود که این بخش نحیف بشود.

اهمیت دادن به بخش خصوصی و بازی دادن فعالان اقتصادی به عنوان موتور محرک اقتصاد کشور، باید واقعی باشد. چرا که در شرایط فعلی، بخش خصوصی همچنان وابسته به دولت است و نمی‌تواند سود و زیان خود را مشخص کند.

به عنوان مثال، در زمان دولت آقای هاشمی، وزارت صنایع و معادن با ۶۴ پرسنل هدایت

قبل از این که به پیامدهای ناشی از کاهش قیمت نفت بپردازیم و درباره‌ی چالش‌ها و راهکارهای آن بحث کنیم، از شما این پرسش را دارم که افت قیمت نفت آیا سیاسی است یا تنها جنبه‌ی اقتصادی دارد؟

برای پاسخ به این پرسش نمی‌توان جنبه‌های سیاسی و اقتصادی را از هم جدا ساخت. به لحاظ اقتصادی، جهان در حال رکود است و افت قیمت نفت به دو علت اصلی؛ یعنی کاهش تقاضا و افزایش عرضه‌ی نفت بوده است. از طرف دیگر عرضه‌ی نفت به خاطر «نفت شیل» در آمریکا نیز رخ داده است. نفت شیل تولید آمریکا را بالا برده و باعث شده که قیمت نفت کاهش یابد.

از سوی دیگر منازعات سیاسی بین روسیه و آمریکا و همچنین افزایش تولید نفت در عربستان نیز موجب کاهش قیمت نفت شده است.

البته برای اقتصاد نفتی ایران، مبنای شاخص قیمت وجود ندارد و این پدیده خواه‌ناخواه همواره اقتصاد ایران را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

به نظر من این عدم تعیین شاخص قیمت، بیشترین عامل در افت قیمت نفت ایران بوده است.

و برای این منظور، راهکاری وجود دارد؟

تنها یک راه: مدیریت بحران از سوی دولت.

چگونه؟

ببینید از زمان ملی شدن صنعت نفت، این محصول استراتژیک همواره در انحصار دولت بوده است، الان شرایط به گونه‌ای است که دولت می‌تواند با استفاده از

جزیره‌ای است و درآمدها به شدت غیر شفاف است. همین‌طور فربه شدن برخی از بخش‌های اقتصادی مثل نهاده‌ها، عامل دور زدن دولت و ضعف نظارت در برخی از بخش‌ها است. بنابراین ابتدا باید به دنبال شفاف شدن درآمدها در کنار نظارت صحیح، به‌جا و منضبط بود تا نتیجه‌ی مطلوب حاصل شود. برای سال ۹۴ دولت باید تلاش کند که این شفاف‌سازی صورت بگیرد یا به عبارتی یکی از برنامه‌های اصلی سال ۹۴ باشد.

یعنی شما معتقدید که تمامی این معضلات به خاطر این است که هنوز در کشور مدیریت مطلوب اقتصادی شکل نگرفته است؟

تمام تبعات موجود نشان‌دهنده‌ی این است که متأسفانه مدیریت اقتصادی درستی بر کشور حاکم نیست.

به عنوان مثال آمریکا در دورانی که نفت خام ارزان است، ذخیره‌سازی استراتژیک می‌کند و موقعی که نفت خام با افزایش قیمت مواجه است از ذخیره‌های نفتی استفاده‌ی بهینه می‌کند.

اما متأسفانه در کشور ما وقتی قیمت نفت خام از هر بشکه ۱۰۰ دلار به ۱۰۸ دلار رسید، در ارتباط با مازاد فروش و این که این مبلغ کجا خرج شده است کسی پاسخگو نبود، اما در حال حاضر با افت شدید قیمت نفت، شاهد بحث‌ها و نظرات مختلف و بعضاً آرمانی هستیم.

تجربه ثابت کرده است که یکی از چالش‌های اساسی در کنترل شرایط بحرانی، مدیریت کارآمد است چراکه عدم مدیریت صحیح در شرایط حساس، ضربه‌های جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور وارد خواهد کرد.

به نظر می‌رسد برای داشتن مدیریت کارآمد به‌ویژه در بخش اقتصاد نفتی، نیاز به یک بازنگری اساسی در تعریف مدیریت داریم.

یکی از فاکتورهای مهم و اساسی صاحب‌نظر بودن و تخصص کافی یک فرد در مدیریت، بخش مورد نظر است که این مهم طی سالیان گذشته در بخش‌های مختلف به‌ویژه در مدیریت صنعت نفت کشور نادیده گرفته شده است.

موضوع دیگری که به نظر می‌رسد دارای اهمیت باشد صادرات است.

یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که می‌تواند در این شرایط اقتصاد کشور را حفظ کند، صادرات فنی و مهندسی، بالا بردن کیفیت محصولات و توسعه‌ی صادرات به کشورهایی است که می‌توانند به عنوان بازار هدف مورد توجه قرار بگیرند.

اما حمایت از تولیدکنندگان اغلب به صورت شعارگونه مطرح شده است. فکر می‌کنید چه موانعی برای تحقق این امر وجود دارد؟

البته موفقیت بخش خصوصی هم شرایطی دارد. زمانی بخش خصوصی می‌تواند حرفی برای گفتن داشته باشد که در حوزه‌ی کیفیت محصول، قوی عمل کند. اگر در حوزه‌ی کیفیت شرایط محصولات ایده‌آل و مناسب بود، در هر شرایطی در بازار رقابتی می‌تواند حضور یابد. رقابت هم زمانی حاصل خواهد شد که محصولات داخلی از انحصار خارج شوند. بدیهی است تا زمانی که بحث انحصار مطرح باشد، نه میلی به رقابت برای تولیدکننده وجود دارد و نه میلی به افزایش کیفیت، چون نیازی برای ارتقای فعالیت خود احساس نمی‌کند. بنابراین نباید نسبت به کیفیت محصولات داخلی به عنوان یک اصل مهم بی‌تفاوت باشیم.

به هر حال امیدوارم به شرط استفاده از مدیران کارآمد و صاحب‌نظر و همچنین توجه ویژه به تولید و بخش خصوصی، به سمت اقتصاد پایدار بدون وابستگی به درآمدهای نفتی حرکت کنیم.

از آنجایی که درآمدهای حاصل از صادرات نفت، اصلی‌ترین منبع درآمد

برای کشور بوده است، روند کاهش قیمت آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بدون تردید بخش تولید در کشور بیشترین آسیب را خواهد دید، چراکه با در نظر گرفتن ۵۰ دلار به ازای هر بشکه نفت خام و به تبع آن قیمت‌های کلان محصولات یک‌سری از پالایشگاه‌ها، بسیاری از پروژه‌ها برای واحدهای تولیدی به صرفه نخواهد بود و تولیدکننده ناچار است منابع خود را کاهش دهد.

دولت‌ها بارها شعار حمایت از تولید را سرلوحه‌ی کار خود قرار دادند اما واقعاً اگر به بخش تولید آن‌طور که انتظار می‌رفت توجه می‌شد، شرایط بهتر از این نبود؟

تناقض حرف با عمل دولت‌ها مبنی بر حمایت از بخش تولید، حتی در لایحه‌ی بودجه‌ی ۹۴ هم مشهود است. کاهش سهم تولید از ۱۰ هزار میلیارد تومان در سال ۹۳ به ۵ هزار میلیارد تومان، گواه این تناقض است چراکه ابتدا قرار بود ۱۰ هزار میلیارد تومان به بخش تولید پرداخت شود، این رقم به ۵ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان تبدیل شد، اما در ادامه با حذف ۲ هزار میلیاردی توسط دولت، به ۳ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان رسید، که در نهایت این میزان هم به هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان کاهش پیدا کرد که متأسفانه این رقم نیز تا به این‌جای کار نیز پرداخت نشده است. بنابراین هرچند که این رقم‌ها دردی را از تولید دوا نمی‌کند، اما امیدوارم که حداقل همین رقم هم به‌طور کامل محقق شود. ناگفته نماند بر اساس قانون، قرار شد ۳۰ درصد از کل درآمدهای حاصل از هدفمندی به تولید اختصاص یابد، اما موضوع مهم، میزان تحقق واقعی این برآوردهاست. با این اوصاف اداره‌ی کشور با نفت مثلاً ۲۰ دلاری چگونه امکان‌پذیر خواهد بود؟

کاهش قیمت نفت خام، بر بازار سرمایه و سودآوری شرکت‌های بورسی چه تأثیری خواهد گذاشت؟

بازار سرمایه و شرکت‌های بورسی با تغییر قیمت نفت قطعاً دچار یک‌سری تغییرات خواهند شد و پیش‌بینی می‌شود بازار سرمایه نه به سمت بازار مسکن می‌رود و نه به سمت سرمایه‌گذاری زیربنایی بلکه قطعاً بیشترین توجه خود را به سمت سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت معطوف می‌کند.

به هر حال بازار سرمایه همیشه تحت‌الشعاع رفتار سرمایه‌گذاران است، در عین حال بایستی به این نکته توجه داشت که سرمایه‌گذاران اوراق بهادار هم همیشه ترجیح می‌دهند که پیشرو باشند. در صورت حمایت دولت از صنایع، بازار سرمایه می‌تواند تقویت شود، در غیر این صورت نمی‌تواند عملکرد قابل قبولی داشته باشد.



زیان‌های فروش نفت خام

علی شمس اردکانی / تحلیل‌گر اقتصاد نفت

تکمیل و سپس مابقی درآمدهای ریالی نفت و گاز برای اجرای پروژه‌های میادین مشترک نفتی جدید هزینه شود. این امر از چند جهت به سود اقتصاد ایران است. در قدم نخست باعث می‌شود که پروژه‌های نفتی رونق بگیرند. در واقع این رونق معنایی ندارد جز تقویت بخش‌های صنعتی که هم در نفت حضور دارند و هم در رابطه با نفت به فعالیت‌های مولد مشغول هستند. اگر این اتفاق بیفتد، بی‌کاری که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اقتصادی کشور هست تا حد زیادی برطرف می‌شود و این موقعیت را در اختیار دولت می‌گذارد که با سرعت بیشتری به آهنگ رشد اقتصادی کشور کمک کند. ما از این طریق می‌توانیم به سمت صنعتی‌سازی اهداف نفت نیز حرکت کنیم. دوباره تاکید می‌کنم که خام‌فروشی نفت هیچ مزیتی برای کشور ندارد، جز این‌که برای دشمنان کشور این موقعیت را به وجود می‌آورد تا با شفافیت بیشتری به گره‌های اقتصادی ایران نگاه کنند و لذت ببرند. پس چاره‌ای نمی‌ماند جز این‌که دست‌اندرکاران مدیریت اقتصادی کشور از مجلس تا دولت این اندیشه‌ی واقعی را پیگیری و راهبرد اجرایی آن را طراحی کنند تا درآمدهای ریالی نفت صرف میادین مشترک موجود و میادین مشترک جدید شود. این‌گونه حلقه‌ی فعالیت‌های مولد در صنعت نفت تکمیل می‌شود.

گاز داخلی برای تکمیل و بهره‌برداری پروژه‌های میادین مشترک نفتی پرداخت شود، زیرا صادرات تا سال‌های آتی به جایی نمی‌رسد، به همین دلیل انتظاری که دولت و مجلس برای درآمدهای ریالی نفت دارند، وارد و متناسب است.

بر اساس قانون در راستای افزایش درآمدهای ریالی نفت، باید قیمت فرآورده‌های نفتی و گاز مصرفی به قیمت فوب خلیج فارس نزدیک و سپس درآمدهای ریالی نفت و گاز در پروژه‌های نفتی سرمایه‌گذاری شود. در حال حاضر قیمت هر لیتر بنزین آزاد در کشور هزار تومان است، که این نرخ در مقایسه با کشورهای ترکیه، بنگلادش و پاکستان که هر لیتر بنزین آزاد ۶۰۰۰ تومان عرضه می‌شود، گران نیست و همچنین ارزان‌فروشی فرآورده‌های نفتی و گاز در داخل فقط به سود قاچاقچیان است. در سال ۹۴ درآمدهای ارزی قابل توجهی برای کشور به دست نمی‌آید و درآمد حاصل از خام‌فروشی نفت در سال آینده چون منجر به آسیب اقتصادی می‌شود، در واقع فقط کمک به قدرتمندان جهانی است، به همین دلیل برای تحقق و جلوگیری از کسری بودجه‌ی سال ۹۴ و اشتغال‌زایی، باید درآمدهای ریالی نفت و گاز افزایش پیدا کند، به‌طوری که باید در وهله‌ی اول پروژه‌های میادین مشترک نفتی

به نظر اینجانب، اساس بودجه‌ریزی کشور نادرست است، به‌طوری که تا کنون بخش عمده‌ی درآمدهای نفتی به جای هزینه در زمینه‌ی اشتغال‌آفرینی به‌ویژه پروژه‌های نفتی، خرج هزینه‌های جاری دولت شده است، به همین دلیل با وجود این نوع سیستم هیچ‌گاه زمینه‌ی اشتغال‌زایی پایدار در کشور فراهم نخواهد شد. کاهش قیمت جهانی نفت بر روند تکمیل و بهره‌برداری پروژه‌های میادین مشترک نفتی در سال ۹۴ تاثیرگذار است. به همین دلیل با توجه به ناچیز بودن درآمدهای ارزی نفتی، باید درآمد حاصل از فروش داخلی فرآورده‌های نفتی و گاز در پروژه‌های میادین مشترک، طول خطوط گاز و غیره هزینه شود.

درآمد حاصل از فروش نفت و گاز داخلی، ۵ برابر صادرات نفت خام است و تا کنون علاوه بر درآمدهای ریالی، درآمدهای ارزی حاصل از فروش فرآورده‌های نفتی، گاز و نفت خام هم در جای مناسب هزینه نشده است، به همین دلیل باید سیستم فروش فرآورده‌های نفت و گاز در داخل کشور اصلاح و اقتصادی شود.

با توجه به کاهش قیمت جهانی نفت، تخصیص درآمدهای نفتی به تکمیل و بهره‌برداری پروژه‌های میادین مشترک نفتی به منظور توسعه‌ی صنعت نفت و اشتغال‌زایی تا مدت زمان مشخصی عملکرد معقول و کارشناسانه است، اما باید درآمد حاصل از فروش نفت و



قیمت انرژی را واقعاً کنیم

جمشید پژویان / تحلیل‌گر اقتصادی و استاد دانشگاه

رها شود، باید به این درک برسیم که بهای واقعی انرژی را در اقتصاد کشور جاری سازیم. برای سال ۹۴ به نظر من نرخ ۵ درصدی برای افزایش نرخ حامل‌های انرژی باید افزایش یابد و از سوی دیگر دولت باید عزمش را جزم کند که در سال ۹۴ بخش‌های مختلف جامعه را برای درک واقعیت‌های اقتصادی آماده کند. ما تا کی می‌توانیم انرژی خود را به دور از قیمت‌های واقعی به فروش برسانیم و از سوی دیگر راهبرد اجرایی و واقعی هم برای استفاده از درآمد ناشی از حامل‌های انرژی نداشته باشیم. از سوی دیگر به نظر می‌رسد حالا که بهای نفت کاهش یافته است، سال ۹۴ باید حتماً شفاف‌سازی‌های زیادی در رابطه با بخش‌های نفتی صورت بگیرد. سال ۹۴ از این منظر می‌تواند بهترین زمان برای این اقدام باشد، که دولت به شکل عملیاتی بودجه و منابع مالی مورد نیاز شرکت ملی نفت را تخمین بزند، چون دیگر اوضاع درآمدهای کشور به‌گونه‌ای نیست که بدون حساب و کتاب عملیاتی بخواهیم وارد مدار سرمایه‌گذاری و تزریق منابع به پروژه‌های نفتی باشیم. از این منظر فرصت کاهش بهای نفت را نباید به‌سادگی از دست داد.

صورت گیرد. زمانی پرداخت اعتبار مالی ثابت به شرکت نفت صحیح است، که اعتدال در هزینه‌کرد شرکت نفت رعایت و مازاد اعتبار مالی به خزانه برگردانده شود. در حال حاضر قیمت فرآورده‌های نفتی و گاز مصرفی داخل کشور پایین‌تر از قیمت فوب خلیج فارس است. به همین دلیل ثابت نگه داشتن طولانی‌مدت قیمت حامل‌های انرژی در کشور و عدم افزایش قیمت این حامل‌ها در راستای افزایش نرخ تورم، باعث کاهش نسبی قیمت فرآورده‌های نفتی و گاز در کشور شده است. قیمت فرآورده‌های نفتی و گاز در داخل، تفاوت قابل توجهی با قیمت حامل‌های انرژی در سایر کشورها دارد، به‌طوری که قیمت حامل‌های انرژی مصرفی در ایران نسبت به کشورهایی که مالیات‌های سنگینی در خصوص مصرف حامل‌های انرژی می‌پردازند، بسیار پایین‌تر است. افزایش ۵ درصدی قیمت حامل‌های انرژی در سال آینده بسیار کم است و با توجه به لزوم نزدیک شدن قیمت فروش فرآورده‌های نفتی و گاز در داخل به قیمت تجاری در خلیج فارس، باید قیمت حامل‌های انرژی در سال آینده افزایش بیشتری پیدا می‌کند. ما اگر می‌خواهیم که اقتصاد ایران از گرداب بسیاری از مشکلات

بحث کاهش قیمت جهانی نفت جدا از موضوع تکمیل و بهره‌برداری پروژه‌های میادین مشترک نفتی است. به‌طوری که مادامی که هزینه‌ی استخراج نفت خام بیشتر از قیمت تمام‌شده‌ی نفت نباشد، تمایل به برداشت نفت خام از میادین مشترک نفتی وجود دارد. کشورها در هر شرایطی اهتمام به افزایش سهم برداشت نفت خام از میادین مشترک نفتی دارند، زیرا اهمال در این موضوع به معنای از دست دادن منافع ملی است، بنابراین کاهش قیمت جهانی نفت تاثیری بر روند بهره‌برداری پروژه‌های میادین مشترک نفتی نخواهد داشت.

پروژه‌های نفتی برای سرمایه‌گذاری، حفظ و افزایش سطح تولید به کار می‌روند، به همین دلیل ارائه‌ی اعتبار مالی ثابت در هر سال از سوی دولت به شرکت نفت، بدون حساب و مطالعه‌ی دقیق عملکرد صحیحی نیست و بی‌شک شرکت نفت به صورت بهینه از این میزان اعتبار ثابت استفاده نخواهد کرد. در سنوات متعدد میزان درآمد، هزینه‌های سرمایه‌گذاری و ضرورت سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی نفت متفاوت است، به همین دلیل باید برای هر دوره محاسبات دقیقی به منظور مشخص کردن میزان اعتبار مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی

دشواری‌ها و آینده‌ی صنعت نفت

فریبرز مسعودی / روزنامه‌نگار

میلیارد دلاری نیاز دارد. اگرچه نمایندگان مجلس و وزارت نفت دولت دهم این رقم را حدود ۴۵ میلیارد دلار برآورد کرده بودند، ولی با توجه به این که عمده چاه‌های نفت ایران در دهه‌ی دوم عمر خود قرار دارند، به نظر می‌رسد که همان رقم ۶۰ میلیارد دلار درست‌تر باشد. دولت گذشته چندین بار وعده داده بود که تولید نفت را به روزانه ۷ میلیون بشکه افزایش خواهد داد، ولی در این زمینه نه تنها موفقیتی قابل توجه به دست نیاوردند بلکه تولید نفت ایران به دلیل کمبود بودجه و منابع مالی در پیش از تحریم‌های کنونی نیز سالانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه کاهش می‌یافت. میرکاظمی وزیر نفت دولت سابق تأکید کرده بود که ایران بایستی در طول ۵ سال ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه برای صنعت نفت و گاز ایران جذب کند، در حالی که تأمین این رقم با توجه به خروج سرمایه‌گذاران و کارتل‌های نفتی و حتی شرکت‌های نفتی چینی، ترک و مالزیایی از ایران به امری نشدنی بدل گردید. از این‌رو معادلات انرژی در خلیج فارس، دریای عمان و خزر و قفقاز بدون حضور ایران رقم می‌خورد. عقب ماندن ایران در پروژه‌های نفتی در دست اجرا، در اثر نبود سرمایه و فناوری مورد نیاز، روزبه‌روز بیشتر خود را به رخ می‌کشد. برای مثال فقط در پروژه‌ی پارس جنوبی به بیش از ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری دیگر نیاز است و بخش زیادی از ۱۸ فاز باقی‌مانده از ۲۴ فاز پارس جنوبی، به قرارگاه خاتم واکزار شده است. اما ظرفیت و توان شرکت‌های داخلی نیز محدود است. طبق گزارش‌های رسمی موجود، پیمانکاران تعهدهای خود را به نحو مطلوب انجام نداده‌اند. بنا به گزارش‌ها در پروژه‌ی پارس جنوبی، در زمان دولت اصلاحات بیش از ۶۰ هزار نفر در عسلویه کار می‌کردند اما تعداد کارکنان آن در دولت گذشته به حدود ۱۵ هزار نفر رسید، که حاکی از رکود شدید کاری در فازهای ۲۴ گانه‌ی پارس جنوبی است.^۲

از این‌رو دولت کنونی نیاز جدی به کاهش تحریم‌های ظالمانه‌ی غرب برای جذب سرمایه‌ی شرکت‌های خارجی دارد. اما با وجود کاهش شدید بهای نفت حتی در صورت برداشتن تحریم‌های صنعت نفت، یافتن سرمایه‌گذار برای این پروژه‌ها کاری است بسیار دشوار.

به نظر می‌رسد با وجود لوله‌های حمل نفت که در سال‌های اخیر ایران را دور زده و نفت را بدون نیاز به گذر از آبراهه‌ی هرمز یا خاک ایران به دست مشتریان می‌رساند از یک‌سو و کاهش بهای نفت و پیدا شدن رقبایی مانند کردستان عراق، ترکیه و حتی اخیراً به اصطلاح دولت خودخوانده‌ی داعش، دامنه‌ی محدودیت‌ها برای صنعت نفت ایران، بیش از پیش گسترش یافته است. از این رو مدیریت چنین شرایطی نیازمند تدابیر هوشمندانه‌ی تازه و ابتکار عمل درآندیشانه‌ی ایران است.

(Endnotes)

۱. روزنامه‌ی دنیای اقتصاد، پیام‌های جدید تهران به تحریم‌های یک‌جانبه‌ی نفتی، ۱۳۹۰/۵/۱۵ دیده شده در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۹۳
۲. سایت تلکس نیوز، تشکیل بانک خصوصی نفت، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹ دیده شده در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۹۳

۳. سایت شفاف، ۹۰ درصد کارگران عسلویه اخراج شدند، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹ دیده شده در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۹۳

وجود تحریم‌های غرب از محل منابع خارجی غیر ممکن است. در واقع تحریم‌های آمریکا از چند جنبه بر حفظ روند کنونی تولید نفت ایران تأثیر داشته است. تحریم دستیابی به فناوری. مدیر وقت برنامه‌ریزی شرکت نفت در دولت دهم، اعلام کرد با کنار کشیدن شرکت‌های بین‌المللی از همکاری با ایران و محدودیت‌های ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، پروژه‌های زیادی در ایران متوقف یا معلق مانده است. برای مثال از فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی نام برد، که به گفته‌ی وی اجرای این دو فاز طبق قرارداد بایستی با سرمایه‌گذاری یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار به پایان می‌رسید، در حالی که هم‌اکنون هزینه‌های آن‌ها به ۴ میلیارد دلار رسیده است.^۱

تطمیع و تهدید مشتریان نفت ایران. از سوی دیگر آمریکا بر اساس استراتژی نفتی خود با تهدید، تطمیع و زور شرکای ایران را از سفره‌ی انرژی ایران دور کرده و با اهدای طعمه‌های چرب‌تر، آن‌ها را به دور سفره‌ی کشورهای همسایه‌ی ایران می‌کشاند یا می‌نشانند. مثلاً در ارتباط با چین که تا سال ۲۰۱۰ میلادی ۱۱ درصد از انرژی مورد نیاز خود را از ایران تأمین می‌کرد و کشور ما سومین تأمین‌کننده‌ی نیاز چین به انرژی بود، پس از گسترده‌تر شدن تحریم‌ها در اثر برخی سیاست‌های نادرست دولت گذشته، آمریکا توانست از طریق فشار و تطمیع این کشور برای همراهی بیشتر با سیاست‌های مداخله‌گرانه علیه ایران، چین را در مواردی با خود همراه کند. همچنین خط لوله‌ی صلح با وجود داشتن جذابیت‌های فراوان برای هند و پاکستان، در اثر دخالت‌های آمریکا به سرانجام نرسید.

از سوی دیگر عمده برداشت‌های سه کشور همسایه‌ی ایران یعنی امارات، عراق به‌علاوه کویت، از سفره‌های نفت و گاز مشترک با ایران است. کویت سال‌ها است که به دور از هیاهو مشغول برداشت نفت از سفره‌های نفتی مشترک با ایران است. برداشت امارات از مخزن نفتی پارس جنوبی نسبت به ایران، به دو برابر رسیده و عراق نیز چند سفره‌ی نفتی مشترک با ایران دارد، که از برخی از آن‌ها در حال برداشت است و برخی را نیز به مزایده با کارتل‌های نفتی گذاشته است.

تحریم سرمایه‌گذاری. بر پایه‌ی بررسی‌های کارشناسان نفتی که مورد تأیید دولت ایران نیز قرار دارد، ایران با توجه به منابع کشف‌شده‌ی موجود، قادر به تولید روزانه ۷ میلیون بشکه نفت است، در حالی که هم‌اکنون تولید نفت ایران بسیار کمتر از این حد است. در حالی که دولت عراق با توجه به قراردادهای اعلام‌شده و در دست انجام، برای تولید روزانه ۱۲ میلیون بشکه نفت برنامه‌ریزی کرده است. اما ایران تنها برای حفظ موقعیت کنونی تولید نفت و گاز به سرمایه‌گذاری سالانه ۶۰

به‌طور معمول حفظ منافع ملی در عرصه‌های داخلی و خارجی در رأس سیاست‌های هر کشوری در جهان است؛ و به طریق اولی دقت در تعریف منافع ملی و میزان پایبندی به آن نیز از اصلی‌ترین مؤلفه‌های موفقیت کشورهاست. برای مثال دولت ایالات متحده‌ی آمریکا ممکن است در دوران اواما رویه و روش‌های دیگری به دور از تنش‌های نظامی نسبت به بوش، که از جناح جنگ‌طلب حزب جمهوری خواه بود در پیش گرفته باشد اما هدف‌گذاری‌های استراتژیک حاکمیت آمریکا هیچ‌گاه در دولت اواما که از حزب مخالف دمکرات است، تغییر چشمگیر یا عمده‌ای نکرده است. یکی از این موضوع‌ها استراتژی آمریکا برای تسلط بر جریان انرژی، نه تنها در خاورمیانه بلکه در سراسر جهان است. در همین زمینه از سال ۲۰۰۰ تا کنون آمریکا همواره این موضوع را به عنوان یکی از مهم‌ترین منافع استراتژیک خود در نظر داشته و بایستی گفت که اواما حتی موفق‌تر از بوش در این زمینه عمل کرده است. ایجاد امنیت نسبی بر مناطق نفت‌خیز عراق و جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان از سراسر جهان، از ۷ خواهران نفتی گرفته تا شرکت‌های روسی، چینی، مالزیایی، ترک و کره‌ای که به منابع بکر عراق حمله‌ور شده‌اند، از این دست موفقیت‌های سیاست خارجی آمریکا است. حتی کشور کوچکی مانند امارات نیز توانسته با پی بردن به مزیت‌های آن سرزمین و ترسیم نقشه‌ی راه برای رسیدن به رفاه و آبادی سرزمین خشک و برهوت آن، با استمرار بخشیدن به روند مطلوب و یکنواخت سرمایه‌گذاری‌های عظیم در منابع گازی آن کشور، گوی رقابت از سایر کشورها برآید. از این دست نمونه‌ها در دوروبر ما کم نیستند. ترکیه با صنعتی ضعیف و منابع طبیعی فقیر، با استفاده از موقعیت استراتژیک جغرافیایی و با استفاده از بهبود نسبی روابط خود با آمریکا و غرب از یک‌سو و همسایگان و سایر کشورهای آسیایی از سوی دیگر، توانسته است نه تنها موقعیت سیاسی و سوق‌الجیشی خود را بهبود بخشد بلکه از این راه به اقتصاد خود سامان نیز بخشیده. اما در این سو باید اشاره کرد که چه در عرصه‌ی کسب درآمد از منابع مشترک نفتی ایران با عراق و امارات و کویت و چه استفاده از موقعیت‌های اقتصادی و سیاسی و سوق‌الجیشی، کشور ما بسیاری از عرصه‌های اقتصادی را به همسایه‌ها واگذاشته است. برخی از تهدیدات موجود عبارتند از: تحریم نفتی. هم‌اکنون تولید نفت ایران از روزانه در حدود ۴ میلیون ۲۰۰ هزار بشکه، به حدود ۳ میلیون بشکه افت کرده که به گفته، زنگنه وزیر نفت دولت یازدهم، حدود ۲ میلیون بشکه از آن در داخل کشور استفاده و بقیه نزدیک به ۱ میلیون بشکه نیز صادر می‌شود، که بازگشت پول آن نیز با دشواری مواجه است. بر پایه‌ی اظهارات کارشناسان نفتی و نمایندگان مجلس، ایران برای حفظ جایگاه کنونی خود در اوپک و سهمیه‌ی صادراتی، نیاز به سرمایه‌گذاری سالانه حدود ۶۰ میلیارد دلار دارد، در حالی که چنین منابعی در کشور وجود نداشته و گردآوری چنین سرمایه‌ی عظیمی با



حل مشکلات ساختاری اقتصاد؛ چالشی تاریخی

گره‌های بورس را در سال جدید باز کنیم

آگاهانه صرف تولید می‌شد، حتماً این اصلی‌ترین مشکل ساختاری تا امروز حل شده بود ولی چون این اتفاق رخ نداده است و دولت نفتی برای تقویت بنیادهای سیاسی خود تن به راهکارهای فوری و مصرفی داده است، در نهایت درآمدهای نفتی یا از طریق واردات یا از طریق تامین کالا به هر شکل غیر مولد دیگری بر تنور تورم دمیده‌اند. در این دور تاریخی، تورم نیز به یک مشکل ساختاری تبدیل شده است. در سال ۹۳ دولت به‌خوبی توانست تورم را کاهش دهد اما این پایان کار تورم نیست، یعنی باز هم تورم در ایران مستعد است که به فوریت افزایش یابد، چون به شکل ساختاری مشکل تورم حل نشده است. اگر در سال ۹۴ به این سمت برویم که برطرف ساختن معضلات ساختاری تولید در دستور کار قرار بگیرد، حتماً تورم نیز به صورت ساختاری برطرف می‌شود.



تولید طرف عرضه را در اقتصاد ایران تقویت می‌کند و این مسئله باعث یکسان شدن شرایط عرضه و تقاضا می‌شود؛ این مسئله نیز نقش بسزایی در کم کردن وزن مشکل ساختاری تورم دارد. به دلیل ضعیف بودن تولید، چرخه‌ی بزرگ معیوبی شکل گرفته است که برای نیل به اهداف مصرف همواره طرف عرضه را به شکل مصنوعی یا به شکلی که موجب تضعیف صنعت داخلی شده، تقویت کرده است. این فساد نقش زیادی در ساختاری شدن تورم دارد، چون منابع و از جمله منابع رسمی مانند منابع بانکی به‌جای آن‌که در اختیار تولید قرار بگیرد، از طریق دهلیزهای این چرخه‌ی معیوبی که در اختیار دلالتی‌گری

چون تولید در ایران همواره معنایش برای نوع مدیریت اقتصادی کشور با تولید نفت همراه بوده است. به عبارتی در بسیاری از مواقع مدیران نفتی گمان می‌کردند همین که نفت تولید می‌کنند کار تولیدی نیز انجام می‌دهند. برای همین نفت محوری بوده است که تولید در ایران ضعیف مانده، بازار سرمایه شکل نگرفته و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری نیز با ترس و لرز حرکت کرده‌اند. عملکرد دولت‌های نهم و دهم گویای این جهت‌گیری نادرست بود، که افزایش درآمد ناشی از تولید نفت می‌تواند نیاز به صنایع مولد را مرتفع سازد! برای همین مشاهده کردیم که افزایش درآمد به زیان اقتصاد تمام شد. در سال ۹۴ دولت همین که بتواند این نکته را جا بیندازد که تولید تنها معنایش تولید نفت نیست، گام بزرگی برداشته است.



این‌گونه هم می‌توان این مسئله را تحلیل کرد، که اصلی‌ترین مشکل ساختاری در اقتصاد ایران اندیشه‌ی نفتی است که منجر به مدیریت نفتی اقتصاد کشور شده است. این مدیریت، تولید را تبدیل به گره‌ای تاریخی کرده است و این گره از تورم نیز یک مشکل ساختاری ساخته است. اما چگونه؟ مدیریت ناکارآمد اقتصاد وقتی تولید را با عنوان تولید نفت درک کرده است، مدیریت بر درآمدهای ناشی از این تولید نیز به صورت دلبخواهی و کاملاً به دور از استانداردهای اقتصادی شکل گرفته است. یعنی مدیریت بر درآمدهای نفتی نیز با ضعف‌های فراوانی همراه بوده است. اگر درآمدهای ناشی از فروش نفت به صورت

اقتصاد ایران در سال ۹۳ هرچه بود یا هرچه تجربه کرد، گذشت. سال ۹۳ فقط می‌تواند تجربه‌ی مفیدی برای سال ۹۴ و رشد شاخص‌های اقتصادی در این سال باشد. به نظر من باید برای سال ۹۴ با نگاهی واقع‌بینانه وارد طراحی سیستم اقتصادی کشور شویم. به نحوی که دیگر جایی برای افسوس خوردن نباشد. تجربه‌ی تاریخی اقتصاد ایران نشان می‌دهد که ما همیشه از یک‌سری مشکلات ساختاری ضربه خورده‌ایم و مدیران اقتصادی کشور نیز به دلیل ضعف در عملکرد، بر تنور این مشکلات اقتصادی دمیده‌اند. برای همین، در سال ۹۴ باید این اصل برای اجرا راهبردهای شود که مشکلات ساختاری اقتصاد کشور بر جای نماند. منظور از این ادعا این نیست که در سال ۹۴ و به فوریت پایه‌های جدیدی برای اقتصاد طراحی شود یا اقتصاد پوست بیندازد و و زیر و رو شود. این مسئله به یک فرصت تاریخی نیاز دارد.



به نظر من اصلی‌ترین مشکل ساختاری ایران تولیدگریزی است. یعنی ما اگر بخواهیم به صورتی فوری‌تری بار مشکلات ساختاری را از اقتصاد کشور باز کنیم، باید به تولید بپردازیم. از این منظر سال ۹۴ می‌تواند یک شروع جدی و به دور از شعارپردازی برای تولید باشد. کاهش بهای نفت البته این فرصت را در اختیار اقتصاد ایران گذاشته است که به دور از شعارها بخواهد سعی کند که هرچه زودتر روش اجرایی پرداختن به تولید را ساماندهی کند. اما چرا کاهش بهای نفت به رفع شر از سر تولید کمک می‌کند؟

و واسطه‌گری قرار می‌گیرد. علم اقتصاد ثابت کرده است که چنین رفتاری موجب باز شدن و هموار شدن مسیر رشد تورم می‌شود. از این منظر نیز در اولویت قرار گرفتن رفع مشکلات تولید، می‌تواند منجر به برطرف شدن یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ساختاری اقتصاد یعنی تورم شود، چون منابع اگر از چرخه‌ی فساد رد شوند و به تولید برسند، در جریان سرمایه‌گذاری‌های مولد قرار می‌گیرند که این اتفاق، یعنی تقویت بنیه‌ی تولید که حتماً در مرحله‌ی نخست دو فاکتور اصلی شاخص فلاکت، یعنی بی‌کاری و تورم را کنترل می‌کند. این منابع اگر در چرخه‌ی فساد نباشند، در اختیار بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و بازار سرمایه قرار می‌گیرند. یعنی بخش‌هایی از اقتصاد که رفتاری تورم‌گریز دارند. بازار سرمایه منابع را به شکل بهینه در اختیار بخش‌های واقعی قرار می‌دهد. وقتی فضای اقتصاد به زیان تولید و به نفع رشد تورم شکل می‌گیرد و یکی از ریشه‌های این ماجرا در وجود چرخه‌ی فساد است، حتماً بازار سرمایه برای فعالیت خود با موانع زیادی دست به گریبان است. در سال ۹۳ نیز دیدیم که این مسئله یک گره برای اقتصاد ایران بود. بانک‌ها منابع را در اختیار داشتند و به دلیل تضعیف شدن بورس این منابع را در اختیار فعالیت‌های مولد قرار نمی‌دادند بلکه در نقطه‌ی مقابل از آن‌ها برای رشد بنگاه‌داری استفاده می‌کردند. بنگاه‌داری بانک‌ها در سال ۹۳ موجب اعتراض بسیاری از قشرهای فعال جامعه شد، چون این بنگاه‌داری به بورس آسیب می‌زند و از سوی دیگر منابع را از چرخه‌ی فساد، دلالی و واسطه‌گری عبور می‌دهد. این رفتار مولود تورم و قطور شدن بدنه‌ی تورم به لحاظ ساختاری است.



فضایی که تا این‌جا از آن سخن گفتیم، موجب وجود یک مشکل ساختاری دیگر به نام بی‌کاری شده است. بدون تعارف باید گفت که بی‌کاری در حال حاضر یکی از غده‌های بد اقتصاد ایران است، که موجب نگرانی‌های فراوانی شده است چون بی‌کاری می‌تواند موجب تضعیف امنیت اجتماعی شود. البته تورم نیز این خاصیت را دارد اما بی‌کاری بدون شک بیش از هر مؤلفه‌ی دیگری در بطن خود انگیزه برای برهم زدن نظم اجتماع را پرورش می‌دهد. مشکل ساختاری تولید دلیل اصلی این بی‌کاری است اما اگر برطرف کردن ناهمواری‌های تولید در دستور کار اقتصاد ایران در سال ۹۴ قرار بگیرد، می‌توان امیدوار بود که نیروی انسانی زیادی در بخش عرضه مشغول به کار شوند. این مسئله، یعنی تقویت بخش عرضه با نیروهای بی‌کار، منابع را کنترل می‌کند و باعث کاهش تورم نیز می‌شود. منتهی شرط دستیابی به این هدف همان‌طور که گفته شد، پرداختن جدی به مشکلات ساختاری تولید است. اگر بتوانیم گره‌های تولید را باز کنیم و نیروی انسانی را در طرف عرضه به کار بگیریم، سطح عمومی درآمد افراد در مقیاس بزرگی از جامعه افزایش می‌یابد. در این حالت فقط طرف عرضه نیست که قوی شده است بلکه طرف تقاضای اقتصاد نیز رشد می‌کند و این یعنی تحرک بیشتر و بزرگ‌تر سرمایه‌گذاری‌های مولد اقتصادی. در این دایره چون منابع با هدف تولید به کار گرفته شده‌اند و چرخه‌ی عرضه و تقاضا در فضای تولید ملی تکمیل‌کننده‌ی همدیگر هستند، تورم به اندازه‌ی بسیار مطلوبی کاهش می‌یابد. در واقع تنور فعالیت‌های اقتصاد گرم می‌شود. در چنین شرایطی انگیزه‌ی بیشتری برای صاحبان سرمایه و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری برای

حضور مولد در اقتصاد به وجود می‌آید. اکنون یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اقتصاد ایران فقدان این انگیزه است. البته باید به کارتل‌های سرمایه‌گذاری حق داد که فاقد انگیزه باشند. در چرخه‌ی فساد که مولود دلالی و واسطه‌گری و رشد پدیده‌هایی چون بنگاه‌داری بانک‌هاست، آن‌ها می‌دانند که هر لحظه امکان سقوط دارند. اما اگر در سال ۹۴ برطرف کردن مشکلات تولید به شکل ساختاری در رأس کار قرار بگیرد، حتماً می‌توان امید داشت که شرکت‌های سرمایه‌گذاری نیز با نیروی تازه‌تری وارد میدان شوند.

البته باید به کارتل‌های سرمایه‌گذاری حق داد که فاقد انگیزه باشند. در چرخه‌ی معیوبی که مولود دلالی و واسطه‌گری و رشد پدیده‌هایی چون بنگاه‌داری بانک‌هاست، آن‌ها می‌دانند که هر لحظه امکان سقوط دارند. اما اگر در سال ۹۴ برطرف کردن مشکلات تولید به شکل ساختاری در رأس کار قرار بگیرد، حتماً می‌توان امید داشت که شرکت‌های سرمایه‌گذاری نیز با نیروی تازه‌تری وارد میدان شوند



وجود مشکل ساختاری تولید همان‌طور که گفته شد منجر به شکل‌گیری چرخه‌ی فساد شده است و عملکرد این چرخه‌ی فساد در استفاده از منابع بر قطر مشکل ساختاری تورم و بی‌کاری افزوده است. حالا این نکته را نیز باید یادآور شد که در چنین شرایطی اصلاً نباید انتظار داشت که تورم به شکل تأثیرگذاری کاهش یابد

یا تأثیر کاهش آن به‌راحتی دیده شود. در سال ۹۳ به دلیل تغییر تیم مدیریت اقتصادی کشور، تورم کاهش یافت و این اتفاق مثبتی برای اقتصاد بود اما تأثیر آن به‌طور طبیعی در زندگی و معیشت مردم دیده نشد چون به نظر می‌رسد هنوز چرخه‌های فساد به زیان تولید و به ضرر رشد بازار سرمایه به کار مشغول هستند. در این شرایط با وجود تلاش مدیران، تورم به شکل ساختاری کاهش نمی‌یابد. فراموش نکنیم که این فساد در سال‌های قبل حتی اجازه نمی‌داد که سیاست‌های ضد تورمی شکل بگیرد. به جرأت می‌توان گفت که در اقتصاد ایران این سیاست‌ها وجود نداشت. برای همین باید با دید مثبت به کاهش تورم نگاه کرد. هرچند این کاهش ساختاری نیست اما می‌تواند شروع خوبی برای آغاز رفع ناهمواری مشکلات ساختاری تولید در سال ۹۴ باشد. برای کاهش بیشتر تورم، دولت باید روند کنترل مخارج خود را نیز تقویت کند. این یکی از عمده‌ترین راه‌ها برای مقابله با تورم ساختاری است. به عبارتی کنترل مخارج دولت یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های مقابله با تورم است. از سوی دیگر دولت در سال ۹۴ برای آن‌که زودتر از فعالیت خود برای رفع گره‌های ساختاری تولید نتیجه بگیرد، باید هرچه زودتر و به صورت اورتانسی بازار سرمایه را تقویت کند. بورس اگر خوب عمل کند و اگر مسئولیت توزیع منابع را در اختیار داشته باشد، می‌توان به‌وضوح و با سرعت دید که در هر اقتصادی تورم و بی‌کاری کاهش چشمگیری را تجربه می‌کند. در سال ۹۳ اگر بنگاه‌داری بانک‌ها باعث شد که همه متوجه شوند انحراف در توزیع منابع چه نقش بزرگی در شکل‌گیری تورم دارد، در واقع این مزیت را داشت که همه‌ی دست‌اندرکاران اقتصادی به این نتیجه برسند که باید هرچه سریع‌تر تکلیف بازار سرمایه را مشخص کنند. سال ۹۴ تقویت بورس باید از شعار خارج شود و راهبردهای اجرایی آن نیز طراحی شود. البته اگر به این درک رسیده باشیم که مشکل ساختاری تولید و به تبع آن تورم و بی‌کاری توان اقتصاد کشور را به‌شدت کاهش داده است. به‌طور قطع اگر بخواهیم سریع‌تر به نتیجه برسیم و در همین سال ۹۴ ببینیم که تولید سامان گرفته و به واسطه‌ی آن دو شاخص فلاکت یعنی تورم و بی‌کاری کاهش یافته، چاره‌ای نداریم که به بورس و بنگاه‌های مولد سرمایه‌گذاری اطمینان کنیم. کاهش بهای نفت به نظر می‌رسد زمینه‌ی این چیدمان اقتصادی را فراهم کرده است، چون حالا دیگر به درآمدهای نفتی هم نمی‌توان امید بست که اقتصاد کشور را به شکل پایدار تغذیه کنند.



تغییر گفتمان اقتصادی؛ نیازی مبرم است

متن زیر آخرین درس گفتار حسن طایی، از صاحب‌نظران اقتصادی و معاون وزیر کار است که چند وقت پیش برای گروهی از اساتید دانشگاه، مدیران اقتصادی و اصحاب رسانه برگزار شد. به دلیل آن‌که در سال‌های اخیر تولید و اقتصاد مولد به دلیل سیاست‌های دولتی آسیب‌های فراوانی دیده‌اند، این درس گفتار و راهبردهایش توانست مورد استقبال کارشناسان قرار بگیرد. بدون شک مطالعه نظریه‌های دکتر حسن طایی می‌تواند برای همه اهالی اقتصاد و در شرایط فعلی مفید باشد. درس گفتار معاون توسعه برنامه‌ریزی و اشتغال وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی در کارگاه آموزشی توسعه اشتغال پایدار که با همکاری یونیدو به مدت پنج روز در تهران برگزار شد، ارائه شده است.

و حل مسائل عمومی جامعه در گذار به مراحل بالاتر توسعه قلمداد کرد. عناصر و مولفه‌های موجود در این سپهر درواقع سطح توانمندی‌های علمی جامعه و درک شعور اجتماعی را مشخص می‌سازند.

سپهر سیاسی جامعه را می‌توان میزان تمایل و خرد لازم برای همکاری بین خانوارها، بنگاه‌ها و دولت از یک سو و در تعامل با دنیای خارج از سوی دیگر و همچنین رعایت قواعد بازی در عرصه اجتماع توسط قوای سه‌گانه کشور، احزاب سیاسی، تشکلات صنفی، نهادهای علمی و تخصصی، تشکلات غیردولتی، مطبوعات، رسانه‌ها و... (بازیگران اجتماعی) تعریف کرد. عناصر و مولفه‌های موجود در این سپهر تعیین‌کننده سطح امید به آینده و شکل‌گیری صحیح انتظارات و تصمیم‌گیری‌های منطقی عاملان اقتصادی و بازیگران اجتماعی است. تحولاتی که در این سپهر می‌گذرد، کاملاً توسط عاملان اقتصادی داخل و خارج کشور برای چگونگی حضور در بازارهای اقتصادی پی‌گیری می‌شود.

سپهر حقوقی جامعه را می‌توان مجموعه قوانین و مقررات موجود، پویایی، کارآمدی و پایداری نسبی آنان، حسن نظارت بر اجرای قوانین توسط مردم، نهادها و حکومت و همچنین میزان پایبندی افراد، نهادها و حکومت به قوانین و مقررات تعریف کرد.

سپهر اقتصادی جامعه شامل سطح موجودی سرمایه‌های مالی، انسانی، طبیعی و فیزیکی از یک سو و سطح تکنولوژی و نحوه به‌کارگیری و تلفیق عوامل تولید، میزان تکامل نهادها و

اقداماتی را انجام بدهند.

به عبارت دیگر هنگامی که یک موضوعی به‌عنوان مشکل اصلی اقتصاد جامعه تشخیص داده شد، سیاست اقتصادی ایجاد می‌کند که همه مراکز اتخاذ تصمیم حربه‌ها و ابزارهای تحت کنترل خود را در نظر گرفتن امکانات، محدودیت‌ها و اجبارهای موجود به کار گیرند. پس ابتدا باید عاملان یا کارگزاران اقتصادی را شناخت. این دسته‌بندی شامل این زیربخش‌هاست: خانوارها (عرضه عوامل تولید/ تقاضای کالا و خدمات)، دولت (مسئول نظارت و عرضه کالاهای عمومی)، بنگاه‌ها، بخش خارجی، بازارهای اقتصادی (بازار کالا و خدمات، کار، بازار پول، بازار سرمایه) و سپهر زیستی (سپهر دانایی، سپهر سیاسی، سپهر حقوقی، سپهر اقتصادی).

سپهرشناسی ایران

از آن‌جا که تولید حاصل چگونگی به‌کارگیری عوامل تولید در چهارچوب سیاست‌های احاد اقتصادی نظیر دولت، بنگاه‌ها، خانوارها و بخش خارجی در بازارهای اقتصادی و سپهر زیستی جامعه است، ابتدا باید به بررسی سپهر زیستی پرداخت و باید به بخش‌های آن توجه ویژه کرد.

سپهر دانایی را می‌توان سطح عمومی سواد، تخصص، آگاهی اجتماعی، سطح اطلاعات، دانش، ارتباطات، تنوع و کارکرد رسانه‌ها، تجربیات و ارزش‌ها و چگونگی بهره‌مندی جامعه از آن‌ها، همچنین نهادها و فرایندهای آموزشی، جایگاه اندیشه و تفکر در نزد مردم، توجه به علم و پذیرش علم در استفاده

مسائل و مشکلات اقتصاد و بازار کار ایران نیازمند ارائه رویکردی جدید و طرح باب تازه است. مشکلاتی که بعضاً منشأ در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گذشته دارند و برخی هم از مسائل و مشکلات جاری سرچشمه می‌گیرند. اما بخش دیگری از آن‌ها مبین مسائلی است که در آینده با آن‌ها مواجه خواهیم شد.

وقتی می‌گوییم که در سال‌های گذشته اقتصاد و بازار کار می‌توانسته از موقعیت بهتری برخوردار باشد، مانند بررسی هر دوره رونق و رکود با چهار مرحله تشخیص، تصمیم‌گیری، اجرا و تأثیرگذاری مواجه هستیم که هر یک با وقفه‌های ویژه خود نیز همراه است. نکته‌ای که در این مرحله بسیار اهمیت دارد، این است که در شناخت و مطالعه وضع موجود باید مسائل عارضی و واقعی از یکدیگر به‌خوبی تمیز داده شود.

به‌طور مثال تورم و بی‌کاری دو عارضه نامطلوب در اقتصادها هستند. برای این‌که به دلایل وقوع این پدیده‌ها پی ببریم، باید به مسائلی که احتمال می‌دهیم باعث به‌وجود آمدن تورم یا بی‌کاری شده‌اند، بپردازیم. در غیر این صورت، انتظار این‌که یک سیاست مالی، پولی، اعتباری، آموزشی و سیاست‌های علم و فناوری بتواند سطح بی‌کاری و تورم را برای مقابله با حرکت‌های ادواری کاهش دهد، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

بسیاری از مشکلات اقتصادی که در یک جامعه وجود دارند، ناشی از مسائل اجتماعی و فرهنگی هستند و برای حل چنین معضلاتی، همه کارگزاران اقتصادی و مراکز اتخاذ تصمیم باید

مقیاس تولید چه مشکلاتی را ایجاد کرده است؟ آیا در حال حاضر سطح تکنولوژی در بنگاه‌های اقتصادی مطلوب است؟ آیا میزان موجودی دانش یا توانایی دسترسی کارفرمایان به دانش جهانی در بنگاه‌های اقتصادی مطلوب است؟ آیا نوع نگرشی که مدیران بنگاه‌ها به موضوع دانش دارند، مناسب است؟ بنگاه‌ها برای افزایش توانایی استفاده از تکنولوژی در آینده با چه موانع و مشکلاتی مواجه هستند؟ آیا ویژگی‌های منابع انسانی و خصلت‌های کاری آن‌ها در بنگاه‌های اقتصادی موجب رشد اندک آن‌ها را فراهم کرده است؟ آیا توان کارآفرینی و مدیریت آن‌ها مناسب است؟ آیا اصولاً تفکیک موضوع مالکیت از مدیریت برای آن‌ها قابل قبول است؟ آیا شکاف روزافزون علمی و تکنولوژیک توان رقابت‌پذیری کالاهای تولیدی ما را محدود کرده است؟ آیا جهانی شدن بازار عوامل و محصول مشکلات زیادی را برای بنگاه‌های ما به وجود آورده است؟ چرا قیمت تمام‌شده کالا و خدمات تولیدی در بنگاه‌های ما در مقایسه با قیمت‌های مشابه بین‌المللی بالاست؟ و...

اهمیت شناخت موقعیت کنونی اقتصاد برای تصمیم‌سازی

سوال‌هایی که تدوین می‌شوند، اگر تا اندازه‌ای بتوانند، وضعیت اقتصادی را خوب تبیین کنند، آن‌گاه نوبت به مرحله تعیین یا تخصیص ابزار به اهداف می‌رسد. به هر حال تخصیص ابزار به اهداف کار ساده‌ای نیست. صرف‌نظر از جهت ابزارها و سیاست‌گذاری‌های گوناگون برای رسیدن به اهداف مختلف، هر کدام از ابزارها را باید در جهتی به کار گرفت که بیشترین اثر را داشته باشند. سیاست‌های ترکیبی واضح یا حتی سیاست‌ها، ابزارها و تخصیص‌هایی که به اندازه تجویز نشوند، دارای چنان پویایی هستند که منشأ اختلاف را به راحتی از یک بازار به بازارهای دیگر سرایت می‌دهند. در نتیجه کارشناسان اقتصادی از یک سو باید موقعیت اقتصادی را خوب تشخیص دهند و نقطه عزیمت و ترتیب منطقی تخصیص ابزار به اهداف را معین کنند و از سوی دیگر ضمن تعیین ترکیبات مختلف سیاست‌های اقتصادی، زمینه همکاری مقامات تصمیم‌گیرنده را نیز در عرصه‌های گوناگون حکومت فراهم کنند. به هر صورت علم اقتصاد توانایی و هنر انتخاب کردن است، در خصوص نقش سیاست‌های اقتصادی در رابطه با افزایش اشتغال و کاهش تورم و تسریع رشد اقتصادی می‌توان به اتفاق نظر قابل قبولی دست یافت، ولی در این خصوص که آیا این اهداف در یک زمان قابل حصول هستند یا خیر، اتفاق نظری وجود ندارد.

واقعیت اقتصاد ایران

آن‌چه در این مسئله‌شناسی خیلی اهمیت دارد، این است که بدانیم مشکلات به‌وجودآمده برای اقتصاد ایران، حاصل تفکرات گذشته و اکنون ماست. برای حل معضلات آینده نیازمند تفکراتی نوین و دگرذیسی در پارادایم‌های اقتصادی خود هستیم. برای توسعه همه‌جانبه استان‌ها آن‌چه باید بیش از هر چیزی در دستور کار نخبگان، مدیران و کارشناسان قرار گیرد، بحث و گفت‌وگو پیرامون مسائل استان و چاره‌اندیشی برای رفع کاستی‌ها و ارتقای توانمندی‌هاست. باید باور کنیم که مسائل ما را کسانی که از دور با استان آشنا هستند، نمی‌توانند حل کنند، بلکه ما هستیم که با تن و روان خود دشواری‌ها را حس می‌کنیم. اکنون در دنیایی به سر می‌بریم که با تمایل و توانایی عظیم انسانی برای رشد و توسعه همه‌جانبه مواجهیم. خواست مشترک مردمان، حکومت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای غیردولتی و غیرانتفاعی و... با عقاید و آرمان‌های گوناگون، بهروزی و سعادت نوع بشر است. همه کسانی که در جست‌وجوی بهروزی نوع بشر هستند، بر این باورند که مهم‌ترین ابزار نیل به این هدف، آموزش، یادگیری، ارتباط و گفت‌وگوست.



کنترل قیمت محصولات و نهاده‌ها

سهمیه‌بندی، تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای... حال با توجه به این مسائل می‌توان گفت که دولت در اتخاذ تصمیم تنها بازیگر اقتصادی نبوده و حتماً باید به محدودیت‌ها و اجبارهای زیر توجه داشته باشد:

- **قوة مقننه**، شکل‌های صنفی، احزاب سیاسی و دیگر گروه‌های ذی‌نفوذ همواره «بین هدف‌ها» و «بین ابزارها» دیدگاه‌های متفاوتی دارند که توسط دولت باید لحاظ شود.
- **اوضاع اقتصادی**، بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی و فنی، مسائل نهادی و شرایط بین‌المللی نیز باید مورد امعان نظر دولت قرار گیرد.
- **«اصل بیشترین کارایی»** و **«اصل کمترین هزینه»** به‌عنوان ضوابط مربوط به انتخاب مناسب‌ترین ابزارها به منظور تحقق هدف‌های معین باید در سرلوحه مراکز اتخاذ تصمیم قرار گیرند.
- **امکانات یک جامعه** عبارت از سرمایه‌های انسانی و دانشی، دارایی‌ها و منابع مالی و منابع طبیعی و مادی است که در چهارچوب ترازهای منابع انسانی، مالی و فیزیکی قابل برآورد است.

بنگاه‌ها و مسئله اشتغال

در این بحث به سوال‌هایی از این دست برمی‌خوریم: آیا مقیاس تولید بنگاه‌ها در اقتصاد ایران مناسب است؟ این

بازارها، رقابت‌پذیری، فرهنگ بهروزی، سطوح و انواع مهارت، نگرش جامعه به کار و تلاش‌های انسانی و ریسک‌پذیری در بین عاملان اقتصادی از سوی دیگر است. هم‌چنین وجود کارفرمایان، کارآفرینان، مدیران، مشاوران، نظریه‌پردازان و نوآوران در محیط‌های کسب‌وکار تعیین‌کننده سطح چرخه فعالیت‌های اقتصادی در این سپهر است.

سیاست اقتصادی

در تعریف سیاست‌های اقتصادی از مجموعه دخالت‌ها و تدابیر مراکز اتخاذ تصمیم، برای تحقق هدف‌های اقتصادی معین با استفاده از حربه‌ها و ابزارهای تحت کنترل خود و با در نظر گرفتن امکانات، محدودیت‌ها و اجبارهای موجود یاد می‌کنند. هدف‌های کلی در سیاست‌های اقتصادی آن است که افزایش کمی و کیفی تولید و ایجاد اشتغال و توزیع متناسب درآمد ایجاد شود. افزایش موجودی دانش و ارتقای سرمایه انسانی کشور، کاهش تورم، افزایش رفاه و خرسندی جامعه هم دیگر محورهایست. افزایش مطلوبیت خانوارها، افزایش سود بنگاه‌ها و توسعه منطقه‌ای، حفاظت از محیط زیست هم در این بخش دسته‌بندی می‌شود.

حربه‌ها و ابزارها در سیاست اقتصادی نیز مالیات‌ها و درآمدهای دریافتی سازمان‌ها، سایر درآمدها، سرمایه‌گذاری عمرانی، مخارج مصرفی و دستمزدی، نرخ بهره، انتشار اوراق قرضه، تغییرات در حجم پول، ابزارهای ارزی، حداقل دستمزد و... است.

اصول و رهنمودهای

مدیریت ریسک

مبتنی بر استاندارد

ISO ۳۱۰۰۰:۲۰۰۹

سید اصغر ابن رسول
رضا درخشانی

بررسی عوامل و تشخیص نقاط حادثه‌خیز و خطرآفرین در واحدهای اطلاعاتی سازمان‌ها به منظور پیشگیری از بروز حوادث، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ریسک در پروژه‌ی رویدادها یا وضعیت‌های ممکن‌الوقوع نامعلوم است، که در صورت وقوع، به صورت پیامدهای منفی یا مثبت بر اهداف پروژه مؤثر است. هر یک از این رویدادها یا وضعیت‌ها، دارای علل مشخص و نتایج و پیامدهای قابل تشخیص هستند. پیامدهای این رویدادها مستقیماً در زمان، هزینه و کیفیت پروژه مؤثر است. بنابراین شناسایی ریسک و تعیین میزان پیامدهای مثبت و منفی آن بر اهداف پروژه، از اهمیت خاصی برخوردار است. در این مقاله با هدف موارد ارائه‌شده در بالا، یکی از استانداردهای مطرح در زمینه‌ی مدیریت ریسک تحت عنوان ISO ۳۱۰۰۰:۲۰۰۹ تشریح می‌گردد.

یک‌صدوسیزدهمین اجلاس کمیته‌ی ملی استاندارد مدیریت کیفیت مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۷ مورد تصویب قرار گرفته است، اینک به استناد بند یک ماده‌ی ۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه‌ی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، مصوب بهمن‌ماه ۱۳۷۱، به عنوان استاندارد ملی ایران منتشر می‌شود. [۱]

سرفصل‌های کلی استاندارد

این استاندارد از ۵ بخش کلی که در ادامه به تشریح آن‌ها می‌پردازیم تشکیل شده است. ارتباط بین قواعد اداره‌ی ریسک، چارچوبی که در آن مدیریت ریسک اتفاق می‌افتد و فرآیند مدیریت ریسک را می‌توان مطابق این استاندارد در شکل ۱ نمایش داد.

هدف و دامنه‌ی کاربرد

هدف از تدوین استاندارد ایزو ۳۱۰۰۰، ارائه‌ی اصول و رهنمودهایی عام در مورد مدیریت ریسک است. این استاندارد می‌تواند مورد استفاده‌ی هر بنگاه عمومی، خصوصی یا اجتماعی، انجمن، گروه یا فرد قرار گیرد. بنابراین این استاندارد خاص هیچ صنعت یا بخشی نیست.

اصطلاحات و تعاریف

این بخش از استاندارد اصطلاحات و تعاریف استفاده‌شده در استاندارد را مطابق با Guide ISO ۷۳:۲۰۰۹ به صورت مبسوط تشریح میکند. [۲]

اصول و قواعد

برای این‌که مدیریت ریسک اثربخش باشد، سازمان بایستی در تمامی سطوح، منطبق با اصول زیر باشد:

منظور مورد مطالعه قرار می‌دهند. این سه دسته عبارتند از: ریسک‌های شناخته‌شده شناخته‌شده (knowns / known) ریسک‌های ناشناخته شناخته‌شده (unknowns / known) ریسک‌های ناشناخته شناخته‌نشده (unknowns / unknown) مطابق نظر وو و همکاران [۶]، ریسک را می‌توان از دو حوزه‌ی نوع و ویژگی بررسی کرد.

بررسی ریسک‌ها از منظر نوع ریسک (based field) این دسته از ریسک‌ها خود به دو دسته: ریسک‌های مالی و غیر مالی تقسیم‌بندی می‌شوند. از جمله ریسک‌های مالی می‌توان به ریسک بازار، ریسک اعتبار، ریسک‌های عملیاتی، ریسک‌های نقدینگی و از جمله ریسک‌های غیر مالی می‌توان به ریسک‌های سیاسی، ریسک‌های شهرت، ریسک‌های خطر و ... اشاره کرد. بررسی ریسک‌ها از منظر ویژگی (based property) برای هر ریسک می‌توان ۴ ویژگی متصور شد، که این ویژگی‌ها عبارتند از: عدم قطعیت، پویایی، ارتباطات داخلی و وابستگی و همچنین پیچیدگی [۶]

روش‌ها و استانداردهای گوناگونی در خصوص مدیریت ریسک تا کنون مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است. از جمله متداول‌ترین روش‌ها، استاندارد ISO ۳۱۰۰۰:۲۰۰۹، تحت عنوان «مدیریت ریسک - اصول و رهنمودها» است. در ادامه به معرفی این استاندارد می‌پردازیم.

معرفی استاندارد ISO ۳۱۰۰۰:۲۰۰۹

استاندارد «مدیریت ریسک - اصول و رهنمودها» که پیش‌نویس آن در کمیسیون‌های مربوط توسط شرکت «مهندسی سیستم‌های قابلیت اعتماد توازن» تهیه و تدوین شده و در

سازمان‌ها فارغ از نوع و اندازه با عوامل تاثیرگذار داخلی و خارجی روبه‌رو می‌شوند، که زمان رسیدن به اهداف سازمان را غیر قطعی میکند. تاثیر این عدم قطعیت بر اهداف سازمان، ریسک نام دارد. ریسک در کلیه‌ی فعالیت‌های یک سازمان وجود دارد. سازمان‌ها عمدتاً ریسک را با شناسایی، تحلیل و سنجش تعدیل کردن آن مدیریت می‌کنند. مدیریت ریسک را می‌توان در کل سازمان، در بسیاری از حوزه‌ها و سطوح آن در هر زمان و همچنین برای وظایف، پروژه‌ها و فعالیت‌های خاصی به کار برد.

تعریف و تقسیم‌بندی ریسک

ریسک را می‌توان به تهدیدهایی که سازمان بایستی با آن‌ها مواجه شود تعریف کرد [۴]. در تعریفی دیگر، ریسک را تاثیر عدم قطعیت بر اهداف تعریف کرده‌اند. [۱] در یک تعریف کلی می‌توان چنین بیان داشت که نوسان‌پذیری بازده سرمایه‌گذاری را ریسک سرمایه‌گذاری می‌نامند، به عبارت دیگر، هر قدر بازده یک قلم سرمایه‌گذاری بیشتر تغییر کند، سرمایه‌گذاری مزبور ریسک بیشتری دارد.

مدیریت ریسک عبارت است از، فرایند شناسایی، تحلیل، پذیرش یا کاهش عدم قطعیت در تصمیم‌گیری. [۱] مطابق استاندارد Guide ISO ۷۳:۲۰۰۹، به فعالیت‌های هماهنگ‌شده برای هدایت و کنترل یک سازمان با توجه به ریسک، مدیریت ریسک گفته می‌شود. [۲]

۱-۲- تقسیم‌بندی ریسک

تا کنون حوزه‌های مختلفی به منظور بررسی و مطالعه‌ی ریسک‌ها ارائه شده است. مطابق نظر جوریون [۴]، که شباهت زیادی به نظریه‌ی ارائه‌شده توسط اولسن و وو [۵] دارد، ریسک‌ها را از سه

الف- مدیریت ریسک ارزش را ایجاد و حفاظت می کند.
 ب- مدیریت ریسک به عنوان یک قسمت جدایی ناپذیر از فرآیندهای سازمانی.
 ج- مدیریت ریسک قسمتی از تصمیم گیری است.
 د- مدیریت ریسک به صراحت به عدم قطعیت می پردازد.
 ه- مدیریت ریسک، سیستماتیک، ساختاریافته و به هنگام است.
 و- مدیریت ریسک بر اساس بهترین اطلاعات موجود قرار دارد.
 ز- مدیریت ریسک سازگاری شده است.
 ح- مدیریت ریسک عوامل انسانی و فرهنگی را به حساب می آورد.
 ط- مدیریت ریسک شفاف و جامع است.
 ی- مدیریت ریسک، پویا، تکراری و پاسخگو به تغییر است.
 ک- مدیریت ریسک بهبود مداوم سازمان را میسر می کند.
چارچوب
 به مجموعه ای از اجزا که بنیادها و تمهیدات سازمانی را برای طراحی، پیاده سازی، پایش، بازنگری و بهبود مداوم مدیریت ریسک در کل سازمان فراهم می سازند، چارچوب مدیریت ریسک گفته می شود. [۱] چارچوب اطمینان می دهد که اطلاعات در مورد ریسک که از فرآیند مدیریت ریسک آمده است، به نحو مناسب گزارش شده و به عنوان اساسی برای تصمیم گیری و پاسخگویی در تمام سطوح سازمانی مربوطه به کار می رود. همان طور که از شکل ۱ نیز برمی آید، چارچوب از پنج بخش تشکیل شده، که ارتباطات آن مشخص شده است. در ذیل به طور خلاصه هریک از اجزای چارچوب مدیریت ریسک تشریح می گردد:

۴-۱-۴-۱- اختیار و تعهد
 این بخش از چارچوب مدیریت ریسک به طور خلاصه شامل فعالیت های ذیل میگردد:
 تعریف خط مشی مدیریت ریسک و بررسی انطباق آن با فرهنگ سازمانی
 تعریف شاخص های عملکردی مدیریت ریسک
 همسوسازی اهداف سازمان با اهداف مدیریت ریسک

حصول اطمینان از اختصاص منابع مناسب به مدیریت ریسک
 ۴-۲-۴- طراحی چارچوب برای اداره ریسک
 این بخش از چارچوب مدیریت ریسک به طور خلاصه شامل فعالیت های ذیل می گردد:
 فهمیدن سازمان و فضای آن
 برقراری خط مشی مدیریت ریسک

پاسخگویی

انجام چارچوب مدیریت ریسک و فرآیندهای سازمان برقراری تبادل اطلاعات داخلی و خارجی و سازوکارهای گزارش دهی
 ۴-۳-۴- پیاده سازی مدیریت ریسک
 این بخش از چارچوب مدیریت ریسک به طور خلاصه شامل فعالیت های ذیل می شود:
 پیاده سازی چارچوب برای اداره ریسک
 پیاده سازی فرآیند مدیریت ریسک
 ۴-۴-۴- پایش و بازنگری چارچوب
 ۴-۵-۴- بهبود مداوم چارچوب

بر اساس نتایج پایش و اندازه گیری ها، بایستی تصمیماتی در این مورد اخذ شود که چارچوب، خط مشی و طرح مدیریت ریسک چگونه می تواند بهبود یابد. این تصمیمات بایستی منجر

به بهبودهایی در مدیریت ریسک سازمان و فرهنگ آن شوند.
فرآیند

مطابق استاندارد Guide ISO ۳۱۰۰۹:۲۰۰۹، به کارگیری سیستماتیک خط مشی ها، روش های اجرایی و رویه های مدیریت در فعالیتهای تبادل اطلاعات، مشاوره، ایجاد فضا و شناسایی، تحلیل، سنجش، برخورد، پایش و بازنگری ریسک را فرآیند مدیریت ریسک می گویند. [۲] فرآیند مدیریت ریسک بایستی:

یک قسمت جدانشدنی از مدیریت باشد.

در فرهنگ و رویه ها تعبیه شده باشد.

با فرآیندهای کسب و کار سازمان سازگاری شده باشد. [۱]

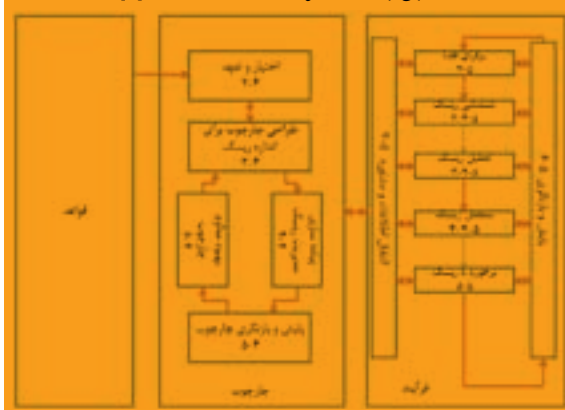
فرآیند مدیریت ریسک در شکل ۱ نشان داده شده است. در ذیل به طور خلاصه هریک از اجزای فرآیند مدیریت ریسک تشریح می گردد:

۴-۱-۵- تبادل اطلاعات و مشاوره

فرآیندهای مداوم و تکرار شونده که یک سازمان انجام می دهد تا اطلاعات را فراهم سازد، در اطلاعات شریک شود یا اطلاعات را کسب کند و وارد گفت و گویی در مورد مدیریت ریسک با ذی نفعان شود.

تبادل اطلاعات و مشاوره با ذی نفعان اهمیت دارد، چرا که

شکل ۱: ارتباط میان قواعد، چارچوب و فرآیند مدیریت ریسک
 منطبق با استاندارد ISO ۳۱۰۰۰:۲۰۰۹ [۱]



آن ها بر اساس درکشان از ریسک، در مورد ریسک کارشناسی می کنند. این ادراک ها ممکن است بنا به تفاوت هایی در ارزش ها، نیازها، فرضیات، مفاهیم و دغدغه های ذی نفعان متفاوت باشند. تبادل اطلاعات و مشاوره بایستی مبادله ای اطلاعات صادقانه، مرتبط، صحیح و قابل فهم را میسر سازد و جنبه های انجام مجرمانه و شخصی را به حساب آورد.

۴-۲-۵- برقراری فضا

تعریف پارامترهای خارجی و داخلی، که هنگام اداره کردن ریسک و تنظیم دامنه ی کاربرد معیارهای ریسک برای خط مشی مدیریت ریسک در نظر گرفته می شوند. سازمان با برقراری فضا، اهدافش را بیان می کند.

۴-۳-۵- شناسایی ریسک

فرآیند یافتن، به رسمیت شناختن و توصیف ریسک ها. شناسایی ریسک شامل شناسایی منابع ریسک، رخدادها، دلایل و عواقب بالقوه ی آن ها می شود. شناسایی ریسک می تواند شامل داده های تاریخی، تحلیل نظری افراد مطلع و متخصص و نیازهای ذی نفعان باشد.

۴-۴-۵- تحلیل ریسک

فرآیندی برای درک ماهیت ریسک و تعیین سطح ریسک. تحلیل ریسک، پایه ای برای سنجش ریسک و تصمیماتی در مورد برخورد با ریسک فراهم می سازد. تحلیل ریسک شامل

برآورد ریسک نیز می شود. تحلیل ریسک شامل در نظر گرفتن دلایل و منابع ریسک، عواقب مثبت و منفی آن ها و احتمال وقوع این عواقب است.

۴-۵-۵- سنجش ریسک

فرآیند مقایسه ی نتایج تحلیل ریسک با معیارهای ریسک، برای تعیین این که آیا ریسک یا بزرگی آن قابل قبول یا قابل تحمل است. مقصود از سنجش ریسک کمک در تصمیم گیری، بر اساس پیامدهای تحلیل ریسک در مورد این است که چه ریسک هایی نیاز به برخورد دارند و ارجحیت برای اجرای برخورد با کدام است.

۴-۶-۵- برخورد با ریسک

فرآیندی است برای تعدیل ریسک. برخورد با ریسک شامل فرآیند گردشی موارد زیر است:

ارزیابی برخورد با ریسک

تصمیم در مورد این که آیا سطوح ریسک باقی مانده قابل تحمل هستند

در صورتی که قابل تحمل نباشند، ایجاد برخورد با ریسکی جدید

ارزیابی اثربخشی این برخورد

۴-۷-۵- پایش و بازنگری

پایش و همچنین بازنگری بایستی قسمتی طراحی شده از فرآیند مدیریت ریسک باشند و مورد واریسی با نظارت منظم قرار گیرند. نتایج پایش و بازنگری بایستی ثبت شوند و به طور مناسب به صورت خارجی و داخلی گزارش شوند و همچنین بایستی به عنوان ورودی های بازنگری چارچوب مدیریت ریسک به کار روند.

نتیجه گیری

مهم ترین فایده ی ارزیابی ریسک، کمک به تصمیم گیری صحیح برای انتخاب راه حل های امنیتی است. طبعاً مدیران وقت حوصله ی ورود به جزئیات فوق را ندارند، بنابراین خروجی ارائه شده به آن ها، اعداد و ارقام و نمودارهایی است که به تصمیم گیری آن ها کمک می کند. ارزیابی ریسک می تواند لزوم هزینه کردن برای امنیت را به تصمیم گیرنده های سازمان اثبات کند. نتایج ارزیابی ریسک به جهت گیری صحیح در انتخاب راه حل ها

(که همانا دفع تهدیدهای اصلی است) کمک می کند، همچنین می تواند در تولید و اصلاح خط مشی های امنیت سازمان (Policy Security) استفاده شود. حال با توجه به موارد ذکر شده، می توان به این سؤال پاسخ داد:

تفاوت مدیریت ریسک (Management Risk) و اداره کردن ریسک (Risk Managing) چیست؟ در استاندارد ISO ۳۱۰۰۰:۲۰۰۹ هر دو عبارت فوق استفاده شده اند. به صورت کلی مدیریت ریسک به معماری (استفاده از اصول، قواعد و فرآیند (شکل ۱)) برای اداره ی اثربخش ریسک اشاره دارد، در حالی که اداره کردن ریسک به کاربرد این معماری برای ریسک های سازمانی اشاره می کند. [۱]

منابع و مآخذ:

- [۱]. Risk Management-Principles and guidelines, ISO ۳۱۰۰۰:۲۰۰۹.
- [۲]. Risk Management- Vocabulary, ISO Guide ۷۲:۲۰۰۹.
- [۳]. Risk Management-Risk Assessment, ISO/IEC ۳۱۰۱۰ techniques.
- [۴]. P.Jorion, Risk management lessons from the credit crisis, European Financial Management ۱۵(۵), ۲۰۰۹, ۹۲۳-۹۳۳.
- [۵]. D.L Olson, D.Wu, Enterprise Risk Management Models, Springer ۲۰۱۰.
- [۶]. D.Wu, S.Chen, D.Olson, Business intelligence in risk management: Some recent progresses, ۲۵۶, ۲۰۱۴, ۷-۱.

مدیریت چیست و خلاقیت کدام است؟

جعفر خلاق آزاد

مشتریانش به محصول او پشت می‌کنند. بدون شک اما چنین چیزی در دنیای صنعت، سرمایه‌گذاری و اقتصاد بیش از هر جای دیگری قابل لمس و مشاهده است.

رضا اویس، کارشناس ارشد مدیریت، درباره خلاقیت می‌گوید: «هیچ شکی باقی نیست که اگر بهترین عوامل تولید در اختیار یک مدیر نالایق قرار بگیرد، او این عوامل تولید را نابود می‌کند و در مقابل اگر ضعیف‌ترین ابزار تولید به همراه یک سازمان بشری ضعیف در اختیار یک مدیر توانا قرار بگیرد، او یک برند تحویل می‌دهد. چون چنین مدیری می‌تواند از خلاقیت خود استفاده کند.

مدیر خلاق کسی است که از انتقاد نمی‌ترسد و می‌تواند در هر شرایطی فکر کند، یا حداقل زمانی برای اندیشیدن به خود اختصاص دهد. این را از این جهت می‌گویم که گاهی مدیران کل فرایند اندیشیدن را به مشاوران خود واگذار می‌کنند. این مسئله در جایی مثل ایران نیز زیاد دیده می‌شود، چون مدیران در برخی از اوقات بر حسب صلاحیت برگزیده نشده‌اند. برای همین می‌توان گفت که ساده‌ترین بخش خلاقیت اندیشه کردن است.

انعطاف‌پذیری، ابتکار ناشی از همان اندیشه و اعتمادبه‌نفس نیز عناصر دیگری از خلاقیت هستند. مدیری که این مولفه‌ها را داشته باشد نیز از منفی‌نگری بی‌بهره پرهیز می‌کند، چون همواره این اعتمادبه‌نفس متکی بر اندیشه را به همراه دارد که در بعد از هر شکستی می‌تواند یک راهبرد برای پیروزی نهفته باشد.»

ویژگی‌های مکتوب خلاقیت

صورت‌بندی‌های عینی‌تری برای خلاقیت مدیران تجویز و طراحی شده است. در بسیاری از کشورها این صورت‌بندی‌ها

تحلیل‌گران از این کار به‌عنوان یک شاخص خلاقیت یاد کردند. پذیرفتن چیزی جز این هم بسیار مشکل است. رفتار توپودا را می‌توان با بسیاری از مدیران اقتصادی ایران طی چند سال گذشته سنجید، یا مقایسه کرد. مدیران اقتصادی ایران در سال‌های مورد نظر بهترین درآمدهای نفتی ایران را هزینه کردند و هیچ سودی به زمین تولید راه نیافت. اما در عین حال همواره از هر تریبونی برای دفاع از خود استفاده می‌کردند، حتی بر این باور بودند که بهترین عملکرد تاریخی را داشته‌اند. چنین رفتاری درواقع خودکشی مدیران در مقابل چشم مشتریان است. فرقی نمی‌کند که یک مدیری کالای مصرفی بفروشد، یا عرضه‌کننده کالای سیاسی باشد. وقتی در اوج ناکارآمدی الوان‌ترین شعارها را برای خود سر بدهد،

مدیر خلاق کسی است
که از انتقاد نمی‌ترسد و
می‌تواند در هر شرایطی
فکر کند، یا حداقل زمانی
برای اندیشیدن به خود
اختصاص دهد.
گاهی مدیران کل فرایند
اندیشیدن را به مشاوران
خود واگذار می‌کنند.

در دنیای امروز، تعریف بسیاری از واژه‌ها تغییر کرده و جایگاه آن‌ها نیز به کلی در نمودار توسعه دگرگون شده است. این تغییرات آن قدر گسترده است که گاهی اوقات موجب حیرت می‌شوند. مثلاً اگر تا همین دیروز توسعه‌اندیشان، شرط پیروزی در رقابت‌های اقتصادی را وجود برندهای قوی و با کیفیت می‌دانستند، امروز در عین حال که باور به برند خوش‌نام، هم‌چنان یک اصل محسوب می‌شود، اما قبل از آن دانایی، دانش، ذکاوت، اندیشه و انعطاف در عصری به نام مدیریت مطرح می‌شود که اگر خارج از حداقل استانداردهای خلاقیت باشد، نه می‌گذارد برندی قوی شکل بگیرد و نه می‌تواند یک برند قوی را جاودانه کند. به نظر می‌رسد بهتر است خیلی بحث را پیچیده نکنیم. در تئوری‌های توسعه نوین، عناصر انسانی و در رأس آن‌ها مدیریت حرف نخست را می‌زنند. همین چند سال پیش یکی از مدیران معروف توپوتا گفته بود که «مدیر خوب و خلاق حتی می‌تواند بیابانی را نیز به یک برند اصیل تبدیل کند و در این مسیر اگر شکست هم بخورد، از پذیرفتن شکست واهم‌های ندارد، چون شکست آغاز یک شروع دوباره است که انتهایش می‌تواند پیروزی باشد.» به نظر می‌رسد اما مدیران ژاپنی این تئوری‌های خود را به‌خوبی باور کرده‌اند، چون در همین ژاپن وقتی محصولات توپوتا با استقبال مشتریان جهانی روبه‌رو نشد، توپودا، مدیرعامل توپوتا، در مقابل دوربین رسانه‌های جهانی ایستاد، گریه کرد و از همه مردم جهان به خاطر افت کیفیت محصولش معذرت خواست. بعد از این اتفاق توپوتا دوباره به جایگاه نخست خود در بازارهای جهانی بازگشت، چون مدیریت در این بنگاه صنعتی بر طبق همان الگوهای نوین توسعه حرکت می‌کند؛ الگوهایی که می‌گویند مدیران باید مسیر دست‌یابی به اهداف سازمانی را کوتاه کنند و این کار با خلاقیت‌های ساده زودتر به نتیجه می‌رسد تا پزهای مدیریتی که فاقد هر گونه نوآوری هستند.

خلاقیت چیست

کریتنر، از اندیشمندان علم مدیریت، وقتی مولفه مدیریت را تعریف می‌کند، از سازمانی به نام سازمان بشریت حرف می‌زند که این روزها می‌توان به‌وضوح جایگاه این سازمان را در معادلات توسعه مشاهده کرد. به باور کرتتنر، مدیریت فرایندی است که در آن مسائل مربوط به تأمین اهداف سازمانی از سوی یک مدیر مرتفع می‌شود. درواقع مدیران رهبران سازمان بشریت محسوب می‌شوند که برای دست‌یابی به توسعه برتر باید سازمان خود را به بهترین شکل به هدف نزدیک کنند. حرکت مطلوب شاخص‌هایی دارد که آن‌ها را به مدیریت نسبت می‌دهند. می‌توان این شاخص‌ها را خلاقیت نامید. درواقع شاخص‌های خلاقیت تضمین‌کننده رفتار مطلوب، یا الگوی راهبری مدیران محسوب می‌شوند. از همین منظر توسعه‌اندیشان می‌گویند که مبنای رقابت در لحظه‌های کنونی جهان به رقابت میان این شاخص‌ها و مدیران تبدیل شده است. یک بار دیگر باید از توپودا سخن گفت. او برای نجات دادن محصولش حاضر شد در مقابل دوربین رسانه‌ها گریه کند تا دوباره توپوتا به بازار برگردد. همان موقع

به شکل ترازنامه‌های اخلاقی در اختیار مدیران قرار می‌گیرد، یا مدیران در دوره‌های مشخص با حضور در کارگاه‌های تجربه-خلاقیت سعی می‌کنند نحوه ایجاد نوآوری را بیاموزند. این نکته را نیز باید یادآور شد که اندیشمندان زیادی خلاقیت را در یک جمله توانایی ایجاد نوآوری تعریف کرده‌اند. در ایران نیز متون زیادی تئوری‌ها را به تصویر کشیده‌اند. علی‌محمد اقتداری در سیستم و رفتار سازمانی و امین‌الله علوی در روان‌شناسی مدیریت و سازمان، الگوهای اخلاقیت ارائه داده‌اند که در بسیاری از متون این شاخص‌های اخلاقیت به شکل زیر طبقه‌بندی شده‌اند که می‌توانند روندی خلاصه از شاخص خلاقیت را برای آموزش مدیران ارائه دهند.

۱. او مسائل و وضعیت‌هایی را می‌بیند که قبلاً مورد توجه قرار نگرفته است و فکرهای بکری را ارائه می‌دهد.

۲. ایده‌ها و تجربیات حاصل از منابع گوناگون را به هم ربط داده و آن‌ها را بر مبنای مزیت‌شان مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳. معمولاً چندین راه و روش برای حل هر موضوع معین کرده و به عبارتی دارای سلامت فکر است.

۴. نسبت به پیش‌فرض‌های قبلی تردید می‌کند، محدود به رسم و عادت نمی‌شود، به عبارت دیگر استقلال فکری دارد. یعنی ضمن قبول روش‌های قبلی همیشه در ذهن خود این موضوع را مطرح می‌کند که علاوه بر روش‌های موجود، روش‌های دیگری نیز وجود دارد.

۵. به‌طور سریع از نیروهای احساسی، ذهنی و بینشی مدد می‌گیرد و آن‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهد و به ربط بین موضوعات می‌پردازد.

۶. در فکر و عمل از انعطاف بالایی برخوردار است. منظور از انعطاف فکری آن است که اگر فکر و اندیشه‌ای بهتر از فکر خود دید، آن را می‌پذیرد.

۷. مدیران خلاق، انسان‌های هدفمندی هستند، یعنی براساس تصادف و اتفاق زندگی نمی‌کنند.

ویژگی‌های شخصیتی مدیران خلاق

ویژگی‌های شخصیتی هر فرد منحصر به خود آن شخص است. درواقع این ویژگی‌ها همان خصایصی هستند که شخص به صورت توارثی از والدین خود کسب می‌کند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. تیزهوش‌تر از دیگران است.

۲. علاقه او به مسائل علمی، هنری، فرهنگی و اجتماعی بیشتر و دامنه اطلاعات او در این زمینه وسیع‌تر است.

۳. درباره مسائل انتزاعی، در مقایسه با مسائل عینی و ملموس، بهتر و عمیق‌تر می‌اندیشد.

۴. بیشتر به ارتباط موضوعات نسبت به هم توجه می‌کند.

۵. در مقایسه با افراد تیزهوش که تفکر هم‌گرایی دارند، در افکار و تخیلات خود بیشتر غوطه‌ور است.

۶. نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی حساس است و همیشه وضعیت فعلی خود را زیر سوال می‌برد و به فکر بهبود آن است.

۷. از آن دسته از معیارها، رسوم و ارزش‌های اجتماعی، که به نظر قابل قبول نیستند، کمتر پیروی می‌کند و بیشتر متکی به قضاوت شخصی خودش است، هرچند که به فکر بهبود این اندیشه‌هاست.

۸. انعطاف‌پذیر و بیانش دارای طنز است.

۹. دوست دارد در مباحثه عقیده خود را بیان کند، ولی اصراری به تحمیل عقاید خود ندارد.

۱۰. بسیار کنجکاو است.

۱۱. محافظه‌کار نیست و بیشتر خطر می‌کند.

۱۲. خودخواه نیست.

۱۳. به سرنوشت دیگران اهمیت می‌دهد.

بدون شک مدیریت دیگر یک رفتار عمودی نیست که با ایجاد دلهره در سازمان بشری می‌خواهد ارزش افزوده منابع انسانی را افزایش دهد، بلکه مدیریت نرم‌افزاری محسوب می‌شود که با ایجاد رابطه‌ای مبتنی بر خلاقیت سعی می‌کند با بهینه‌سازی هزینه‌ها، سازمان بشری را به اهداف خود نزدیک کند. این نکته را یکی از اساتید روان‌شناسی مدیریت نیز تایید می‌کند

۱۴. استقلال طلب است و دوست ندارد از راه و روش دیگران پیروی کند.

۱۵. ثبات عاطفی بیشتری دارد.

۱۶. شخصیت او رشدیافته‌تر است و اختلال کمتری دارد.

۱۷. اعتمادبه‌نفس خوبی دارد و در مقابل ناکامی‌ها کمتر دل‌سرد و مایوس می‌شود.

۱۸. بر غرایز خود تسلط بیشتری دارد.

۱۹. نسبت به زندگی خود و دیگران احساس مسئولیت می‌کند و معتقد است که در زندگی رسالتی به عهده او گذاشته شده است.

۲۰. در فکر و عمل از اصالت و نوآوری بیشتری برخوردار است.

جنگ سازمان آدم‌ها با شاخص‌ها

در مورد خلاقیت و مدیریت این روزها اندیشمندان زیادی راهبردها و الگوهای خود را ارائه می‌دهند، اما یک چیز در همه این راهبردها مشترک است؛ بدون شک مدیریت دیگر یک رفتار عمودی نیست که با ایجاد دلهره در سازمان بشری می‌خواهد ارزش افزوده منابع انسانی را افزایش دهد، بلکه مدیریت نرم‌افزاری محسوب می‌شود که با ایجاد رابطه‌ای مبتنی بر خلاقیت سعی می‌کند با بهینه‌سازی هزینه‌ها، سازمان بشری را به اهداف خود نزدیک کند. این نکته را یکی از اساتید روان‌شناسی مدیریت نیز تایید می‌کند. او می‌گوید: «آن‌قدر مباحث مربوط به مدیریت متفاوت و متنوع شده است که به‌کلی با روش‌های سنتی مدیریت زاویه‌ای بزرگ را نشان می‌دهد. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که مدیران با روش‌های بسیار ساده خلاقیت توانسته‌اند ارزش افزوده بنگاه خود را افزایش دهند.

مدیران دیگر خود را در اتاق مدیریت پنهان نمی‌کنند و برای نیروی انسانی در لباس مبصر ظاهر نمی‌شوند، بلکه آن‌ها عقاید، باورها و ایده‌های خود را با مشتری و منابع انسانی خود به اشتراک می‌گذارند. این مسئله قدرت رقابت آن‌ها را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر باعث می‌شود تا سازمان بشری برای رسیدن به هدف با قدرت بیشتری به فعالیت مشغول شود.

ماهیت خلاقیت درواقع رسیدن به این رفتار نرم است. این خلاقیت می‌تواند بنگاه را نجات دهد. بارها دیده شده است که مدیران دانش تثویک داشته‌اند، اما نمی‌توانستند از این خلاقیت نرم بهره ببرند. برای همین بنگاه را به شکل بدی اداره کرده‌اند. مدیران سفارشی نیز به‌کل کار مدیریت را واگذار می‌کنند که در این روند تضمینی برای افزایش قدرت رقابت نیست. ضربه شکست در بنگاه‌هایی که مدیران سفارشی دارند، بسیار بیشتر است، چون در چنین سازمان انگیزه راهبردی و عقلانیت ابزاری در نوک هرم وجود ندارد تا به بدنه سازمان بشری تزریق شود.»

به نظر می‌رسد باید این واقعیت را پذیرفت که در دنیای امروز آدم‌ها همچنان اندیشه می‌کنند و ماشین توسعه را به حرکت در می‌آورند، منتها این آدم‌ها هر روز که می‌گذرد، بیشتر از روز قبل به این نتیجه می‌رسند که باید توان تعقل را افزایش دهند و در ارتباطی کاملاً منطبق بر الگوهای انعطاف‌پذیری، سازمان‌های بشری را به جلو هدایت کنند. در شرایط امروز توسعه جهانی، مدیران حرف نخست و آخر را می‌زنند؛ مدیرانی که آموخته‌اند خلاقیت را به کار بگیرند، زمین بخورند، روی پا بایستند و تجربه‌های خود را برای ارتقای توسعه به یادگار بگذارند. بر اساس همین منطق، بدون شک مدیران بر اساس رابطه‌ها برای هدایت سازمان بشری معرفی نمی‌شوند و از سوی دیگر برای رهبری توسعه نیز مثل یک رباط عمل نمی‌کنند. آن‌ها به‌عنوان انسان مولد، عقلانیت ابزاری را در اختیار می‌گیرند تا به خلاقیت برسند و به همراه «سازمان آدم‌ها» در میدان جهانی به نبرد با شاخص‌ها می‌پردازند.

چند روایت تاریخی از عید

بهار مال ماست

شرمین نادری

بوی اسفند که می‌آید، عقیقه تاریخ می‌ایستد روی ۲۹ اسفند ۱۳۲۹؛ همان اسفندی که نفت ملی شد. بگذارید این بار به جای گفتن از هزار قصه، یک قصه دنباله‌دار بگوییم؛ از اسفندی که با همه اسفندهای ایران فرق داشت.

حضور برسند. تا لحظه سال تحویل مثل سیخ توی تالارها و پای تخت شاه به انتظار بایستند، سکه‌ای بگیرند و عرض چاکری کنند و احتمالا التماس دعایی داشته باشند. حالا اگر این آدم‌ها رئیس صف نانوائی بودند و می‌خواستند سبیلی چرب کنند که در جیره آرد مردم شن بریزند، کارشان خیلی قبل‌تر از رسیدن به حضور جناب شاه قجر، شروع شده بود، باید از فلان‌الدوله و بهمان‌السلطنه شروع می‌کردند تا می‌رسیدند به خود حضرت شاه!



«جشن عید نوروز هشت روز دوام می‌آورد، مغازه‌ها و بازار در این مدت بسته است و هر کس دیگری را تبریک می‌گوید. نوروز سلطانی، عید بزرگ و رسمی است... شاه البسه مزین به الماس می‌پوشد و سفرای خارجی و وزرا را در سالن شاهی می‌پذیرد. در این سلام پشت سر شاه وزیر خارجه و در دست راست مترجم دربار قرار می‌گیرد. سفیر عثمانی به جهت مقام سفارت کبری آدر جلو! و سایر سفرا به ترتیب گرداگرد شاه جمع شده و شاه بر حسب مقتضیات زمان با سفرا به مذاکره می‌پردازد.»

(از خاطرات احمد امین، فرستاده عثمانی به ایران در زمان فتحعلی شاه)



کی گفته لباس نوی سر سفره عید، مال شازده قجری‌ها و پادشاه‌های سبیل زردار ساسانی است. لباس قدیمی خواهر بزرگ‌تر و دختر دایی بزرگه که بوی نفتالین می‌داد و کفش‌هایی که به پایمان لقی می‌زدند، برای ما لباس پادشاهی بودند و آن یک دانه اسکناس ۲۰۰ تومانی لای قرآن و نخودچی که زیر دندان آب می‌شد، می‌ارزید به همه دنیا، به جان خودم، همه دنیا. یک روزی ما تاریخ را این‌طوری می‌نویسیم، دوباره و قشنگ و نوروزی.

فهرست منابع

- ۱- خاطرات و سفرنامه ظهیرالدوله، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، نشر آبی
- ۲- یادداشت‌های روزانه اعتمادالسلطنه، به کوشش دکتر سیف‌الله وحیدنیا، نشر آبی
- ۳- مراسم دربار ناصری، به کوشش فاطمه قاضیها، نشر سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی
- ۴- روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، دکتر عبدالحسین نوایی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی
- ۵- یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، نشر تاریخ ایران ۱۳۷۲
- ۶- کتاب تاریخ ایران، نوشته جان مالکوم، نشر یساولی ۱۳۶۲
- ۷- ترجمه محمد غروی از خاطرات احمد امین fttmuacir.danestanihaymihanblog.com
- ۸- فرهنگ مردم ایران، سیدعلی میرنیا، نشر پارسا ۱۳۷۸
- ۹- www.talkradio.ir
- ۱۰- سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- ۱۱- سایت افتاب
- ۱۲- تاریخ‌نویسی قاجار، عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، تهران ۱۳۶۰



می‌دادند. ظرف مسی خانه حکما به سفیدگری فرستاده می‌شد. آب حوض و آب انبار را کلا عوض می‌کردند، فرش را تکان داده، گرد دیوارها را اگر گل سفید زده بودند، می‌گرفتند»

(خاطرات عبدالله مستوفی از تاریخ ادواری قاجار)



مراسم جشن عید نوروز که به فرمان مردآویج سردار آل زیاد برگزار شد، یکی دیگر از قصه‌های عجیب نوروزی است. به گفته تاریخ به دستور او هیزم زیادی جمع کردند و شمع‌های عظیم درست کردند و بعد تعداد زیادی کلاغ زنده گرفته و به چنگال منقارهای این بدبخت‌ها گلوله‌هایی آغشته به نفت آویختند. زمان شروع جشن، نفت‌اندازها آن‌ها را آتش زدند و به هوا پرتاب کردند و مرغ‌های بینوا غرق در شعله آتش، آسمان را نورانی کردند. این پرنده‌ها سوختند و آن آدم‌ها خوردند و نوشیدند و عید گرفتند و کسی هم در تاریخ از حال آن نفت‌اندازها و پرنده‌کش‌ها و مردم عادی که حیران، پرواز آتش‌گرفته‌ها را نگاه‌ها می‌کردند، چیزی در تاریخ ثبت نکرده است. انگار همه جا صحبت از شاهان است و سلام نوروزی‌شان.



«عید نوروز که روز وصول شمس به نقطه ربیعی است... تا هنوز به سیاق ایام قدیم در اهالی عصر ایران جاری است.» (جان مالکوم، نخستین فرستاده انگلیسی به ایران در دربار فتحعلی‌شاه)



سلام نوروز قجری در تخت مرمر کاخ گلستان انجام می‌شد. یک روز پیش از آن رئیس تشریفات دربار از سران طبقات مختلف دعوت کرده بود که یک ساعت پیش از تحویل سال برای دست‌بوس شاه و احتمالا رتق‌وقت امور یک‌ساله به

بهار مال ماست، نوروز و عید و همه چیزهای خوبی که اسمش شاید توی تاریخ نیامده. مال همین آدم‌های کوچ و بازار، مال شاعرهای یک تا پیراهن، مال بچه‌ها، جوان‌های آس‌وپاس، مال ما معمولی‌ها که همیشه از ابد تا امروز، از همان طبق سنج، یواشکی سنج‌د برداشتیم، سیر تازه پوست کندیم، گندم سبز کردیم، ظرف پرآب به نشانه برکت و عشق در سفره‌مان گذاشتیم و سکه‌های صناری و پاپاسی‌های مسی کوچک و رنگ‌رفته را به آرزوی سالی پرپر گذاشتیم کنار تخم‌مرغ‌های رنگ‌رنگی که با هزار عشق و امید، رنگ زده بودیم، توی پوست پیاز طلائی‌شان کرده بودیم و پولک‌های لباس مادر بزرگ‌هایمان را با چسب نشاسته رویش چسبانده بودیم. همین‌ها را باید توی تاریخ نوشت، اصلا تاریخ را باید همین‌طوری نوشت.



خجسته از پله‌های قصر ساسانی بالا می‌رود، لابد می‌خواهد تحویل سال را به خسروپرویز تبریک بگوید. پله‌های ایوان کسری زیر پایش می‌لغزد و جوان خوش‌چهره‌ای که به قول ابوریحان بیرونی باید خوش‌رو و خوش‌برخورد و خوش‌نیت هم می‌بود، می‌رسد به تالار اصلی کاخ؛ جایی که موبدان زرشتی عود می‌سوزانند و پادشاه با سبیل زران‌دود و چشم‌های سرمه‌کشیده منتظر تحویل سال است. گرچه این تحویل سال، آن‌جوری که تاریخ می‌گوید، همیشه هم در زمان تولد خورشید (اول بهار) اتفاق نمی‌افتاده است. آخر ساسانی‌ها به خاطر رعایت نکردن سال‌های کبیسه در شمارش روزهای سال، چند بار در تابستان نوروز را جشن گرفتند؛ تا زمانی که بالاخره عمر خیام گاه‌شماری واقعی و درست و حسابی را که زمان سقوط هخامنشی در ایران از یاد رفته بود، دوباره زنده کرد. روحش شاد!



«از اوایل اسفند در بازارها خصوصا دکان‌های پارچه‌فروشی و کفش و کلاه‌دوزی ازدحام می‌شد. هر کسبه قدر توانایی خود به فکر لباس عیدی برای خانواده خود بود. خیاط‌ها منتها از نیمه اسفند کار تازه قبول می‌کردند. از بیستم اسفند به بعد پارهای از دکان‌دارها که مستقیما با عید سروکار داشتند، دکان‌های خود را تزئین می‌کردند. بقال‌ها طبق‌های معلق از سنج‌د ساخته و دسته‌های شمع پیه‌ای [آغشته به پی] که با جوهر سبز و قرمز روی آن نقش و نگار انداخته بودند، به سرتاسر پیشانی دکان خود می‌آویختند... در عید نوروز مردم از طبیعت تقلید کرده، به همه چیز زندگی نو و تازگی



درباره چارلی چاپلین، نابغه سینما و لگرادی که دیکتاتور بزرگ شد!

سال داشت، آن‌ها از هم جدا شدند و ۹ سال بعد پدرش از دنیا رفت. از طرفی مادرش که طی حادثه‌ای در تئاتر، ضربه‌ای به سرش خورده بود، بستری شد. چاپلین درباره مادرش می‌گوید: «اگر مادرم نبود، شک دارم که می‌توانستم در پانتومیم موفقیتی کسب کنم. او یکی از بزرگ‌ترین هنرمندان پانتومیم بود که تاکنون دیده‌ام.»

چارلی ۲۰ ساله به آمریکا مهاجرت می‌کند و همراه یکی از دوستانش در آن‌جا نمایش اجرا می‌کند. در این دوره او استن لورل، بازیگر معروف انگلیسی، را هم ملاقات می‌کند و چند وقتی هم‌اتاقی او می‌شود. اما استن به کشورش بازمی‌گردد و چارلی در آمریکا می‌ماند. در سال ۱۹۱۳ شرکت فیلم‌سازی «کی‌استون» بازی چاپلین را می‌بیند و نظرش جلب می‌شود. به این ترتیب همکاری چارلی جوان با این شرکت آغاز می‌شود. او اولین فیلم خود را که کوتاه و صامت و البته کم‌دی بود، یک سال بعد می‌سازد؛ فیلمی که جرقه‌ای بود برای به شهرت رسیدنش. در این سال او برای شرکت کی‌استون در سه فیلم بازی می‌کند و روزبه‌روز شناخته‌شده‌تر می‌شود.

بعد از مدت کوتاهی شروع به فیلم‌سازی کرد و بیش از ۳۰ فیلم کوتاه و صامت ساخت. آثار او هم مورد توجه علاقه‌مندان به هنر قرار گرفت و هم بسیاری از نویسنده‌ها و کارگردان‌ها نظر مثبتی به او نشان دادند. شخصیت او با عنوان «آواره» یا «ولگرد» شناخته می‌شد. پله‌های موفقیت برای او بیشتر شبیه آسانسور بودند! او به‌سرعت معروف و شیوه کارش هم با نظریه‌های خوب منتقدان همراه شد. از طرفی شرکت‌هایی که دنبال منفعت مالی و سود بیشتر بودند، دست همکاری به سویش دراز کردند. طوری که در سال ۱۹۱۶ شرکت فیلم «موچوال» قراردادی به ارزش ۶۷۰ هزار دلار با او امضا کرد که

خیلی سخت است بخواهید از کسی حرف بزنید که در بیشتر آثارش حرف نزنه، ولی حرف‌های زیادی را به بیننده‌اش گفته! تناقض عجیبی است. آن‌قدر در تاریخ سینما درخشان و ماندگار است که با یک نشانه کوچک و ساده و گفتن یک کلام، چهره‌اش در ذهن شما شکل می‌گیرد. کافی است بگوییم شخصیت ولگرد، یا کفش‌های لنگه به لنگه! حتی سبیل‌هایش هم معروف است. کسی که با ظاهری عجیب و غریب، شخصیتی ماندگار را در سینما خلق کرد و هنوز بعد از گذشت یک قرن از فعالیت او، فیلم‌هایش دیدنی هستند. به بهانه سالگرد تولدش در فروردین‌ماه، این بار از چارلی چاپلین می‌نویسیم تا هم یادی از او کرده باشیم و هم این‌که بگوییم می‌توانید در این تعطیلات، آثار او را ببینید و از ته دل بخندید... و حواستان باشد که دنیای تکنولوژی شما را اسیر خودش نکند!

آن‌طور که خودش می‌گوید، در یکی از محله‌های جنوب شهر لندن در شانزدهم آوریل سال ۱۹۸۹ به دنیا آمد. البته درباره محل تولد او تحقیقاتی توسط گروه‌های مختلف انجام شد، مانند سازمان اطلاعاتی فرانسه و بریتانیا و آمریکا، اما به نتیجه‌ای نرسیدند. هرچند خانواده‌اش درست ۴۰ سال بعد از مرگ او اعلام کردند نامه‌ای پیدا کرده‌اند که در آن اشاره شده او در کمپ کولی‌ها در نزدیکی بیرمنگام به دنیا آمده. با این

حال گمانه‌زنی‌هایی درباره محل تولد و حتی نام اصلی او مطرح شده. او از همان کودکی مشغول فعالیت در هنر بازیگری شد؛ شاید دلیل اصلی این موضوع پدر و مادرش بودند که از این حرفه درآمدزایی می‌کردند. هرچند که وقتی چارلی تنها سه



رقم بالایی بود. چاپلین در طی یک سال و نیم فعالیت، ۱۲ فیلم بلند صامت و کم‌دی برای این شرکت ساخت که در نوع خود رکوردی محسوب می‌شود.

یکی دیگر از آثار طنز مهم و تأثیرگذار او «جونندگان طلا» است. بدون شک صحنه‌های مختلف این فیلم در ذهن هر بیننده‌ای ماندگار می‌شوند. فیلمی مملو از صحنه‌های طنز. این فیلم زمانی ساخته شد که افراد بسیاری برای پیدا کردن طلا به معدن‌ها و نقاط دیگر می‌رفتند و سختی‌های زیادی را متحمل می‌شدند. قسمتی از فیلم که به گرسنگی دو شخصیت در آن اتاقک چوبی می‌پردازد، مانند صحنه بار گذاشتن یک کفش برای رفع گرسنگی، از جمله صحنه‌های بی‌نظیر فیلم است. در جریان باشید که این فیلم ۸۰ سال پیش ساخته شده است.

زمانی که صدا وارد سینما شد، بسیاری از کم‌دین‌های فیلم‌های صامت دچار مشکل شدند. درواقع نمی‌دانستند حالا چطور باید خودشان را با وضعیت پیش‌آمده وفق دهند تا خللی در کارهایشان و همچنین محبوبیتشان نزد مردم کم نشود. اما چارلی چاپلین باز هم از نبوغ بی‌پایانش استفاده می‌کند و فیلم «عصر جدید» را می‌سازد. درواقع نه‌تنها به خلاف دیگر کم‌دین‌ها اعتبارش را از دست نمی‌دهد، که با ساخت این اثر، شاهکار خود را به نمایش می‌گذارد. موضوع فیلم همان چیزی است که در ابتدای مطلب به آن اشاره شد؛ از دست رفتن هویت فرد در دنیای جدید؛ دنیایی که با صنعت (و البته امروزه با تکنولوژی‌های پیشرفته) گره خورده. بدون شک صحنه‌ای از فیلم که چاپلین در حال سفت کردن مهره‌هاست، از یاد کسی نمی‌رود، یا قسمتی که بین چرخ‌دنده‌ها حرکت می‌کند.

اولین فیلم کاملاً ناطق او «دیکتاتور بزرگ» است که در سال ۱۹۴۰ ساخته شد. فیلم در شرایطی ساخته می‌شود که جنگ جهانی دوم شروع شده. چاپلین نه‌تنها ظاهر و چهره‌اش، که حتی نام شخصیت را هم شبیه هیتلر انتخاب می‌کند و با این حرکت نشان می‌دهد نه‌تنها هیچ نگرانی و ترسی از بابت ارتباط دادن فیلم به هیتلر ندارد، که قصد دارد به‌طور واضح و مشخص، تفکرات افرادی مانند هیتلر و موسلینی را به ریشخند بگیرد. هرچند برخی از منتقدان نظریه‌های مخالفی درباره این اثر داشتند، اما مردم از آن به خوبی استقبال کردند.

هفت سین‌های دوست‌داشتنی

المیرا حصارکی

آن‌هایی که در فصل پاییز به دنیا آمده‌اند، می‌گویند پاییز فصل رنگ‌هاست؛ شاید پاییز فصل رنگ‌های قرمز و زرد و ... باشد، اما نباید این حقیقت را از یاد برد که فصل رنگ‌ها بهار است. هر رنگی که شما فکرش را بکنید، در این فصل پیدا می‌شود. از میوه‌های بهاری مثل گوجه سبز و توت فرنگی و زردآلو بگیرید، تا گل‌های هزار رنگی که در بهار شکفته می‌شوند و دل آدم‌ها شاد است. هر چقدر آدم‌ها در پاییز گرفته و عصبانی و... هستند، در بهار همه لبخند می‌زنند و خوشحال‌اند. بهار فصل زندگی است. همه چیز نو می‌شود و همین تازگی است که آدم‌ها را به ادامه زندگی امیدوار می‌کند. برای شما پیشنهادهای بهارانه و ویژه‌ای داریم. پیشنهادهایی که می‌توانند زمان خانه‌تکانی حسابی به کمک شما بیایند و حدس می‌زنیم که از آن‌ها استقبال می‌کنید.

سبزه عید

اگر جزو آن دسته از آدم‌هایی هستید که دو روز مانده به عید می‌روید تجریش خرید عید که هیچ، اما اگر دوست دارید که سفره هفت سین را خودتان تهیه کنید، پیشنهاد هیجان‌انگیزی برای شما داریم. قدیم‌ترها هفته‌های اول اسفند خانه‌ها با ظرف‌های گندم و عدس خیس‌خورده پر می‌شد. درست است که حالا خیلی‌ها فرصت سبزه گذاشتن ندارند، اما بد نیست که امسال خودتان دست به کار شوید. برای این کار می‌توانید از پوست تخم‌مرغ استفاده کنید. وقتی یک وعده غذایی تخم‌مرغ نوش جان کردید، پوست تخم‌مرغ را دور نیندازید و از همان ابتدا به خاطر داشته باشید که آن‌ها را با وسواس بیشتری بشکنید، طوری که خراب نشوند! تخم‌مرغ‌ها را بشوید و داخل هر کدام به مقدار لازم گندم و عدس بریزید و یک دستمال نمدار هم رویش بیندازید تا ریشه بدهد. روز اول عید که سفره‌تان را پهن می‌کنید، می‌توانید سبزه را بچینید و از کاری که انجام داده‌اید، لذت ببرید.



سنبل‌های شب عید

به جای این‌که دو ساعت مانده به سال تحویل لابه‌لای شلوغی میدان تجریش از استرس نرسیدن به دنبال ماشین بدوید، پیشنهاد می‌کنیم که چند روز مانده به عید یک سر بروید بازار گل و سنبل هفت سین را از همان‌جا بگیرید. فقط یادتان باشد که سنبل بدون ریشه نخرید، چراکه مهمان دو روز است! ریشه‌دارش را بخرید و به‌سادگی هر چه تمام‌تر آن را در یک گلدان کوچک بگذارید و اجازه بدهید که سفره هفت امسال شما با سال‌های قبل متفاوت باشد.



گل از همه رنگ



خریدن گل برای خانه شادابی خاصی را ایجاد می‌کند. به‌خصوص این‌که در فصل بهار هم باشید و با یک دنیا گل متفاوت روبه‌رو شوید. خب طبیعی است که برای گل‌های رنگ و وارنگتان احتیاج به گلدان هم دارید! قبل از این‌که شال و کلاه کنید و به دنبال یک گلدان زیبا با یک قیمت مناسب بگردید، به شما پیشنهاد می‌کنیم که لابه‌لای وسایلی که قصد دور انداختنشان را دارید، به‌خوبی نگاه کنید. به احتمال زیاد یکی از همین چکمه پلاستیکی‌ها را که رنگ‌وروش هم رفته است، پیدا خواهید کرد. این چکمه‌ها می‌توانند در نقش گلدان‌های جدید خانه‌تان ظاهر شوند. به تنها چیزی که احتیاج دارید، کمی رنگ است. آن‌ها را رنگ بزنید و به‌راحتی از آن‌ها در قالب یک گلدان عجیب استفاده کنید. فقط به خاطر داشته باشید که کف چکمه سوراخ نشده باشد!



میوه‌های بهاری

این عیدی‌ها می‌تواند خوراکی‌های سالم‌تری هم باشد. می‌توانید از میوه‌های بهاری برای این کار استفاده کنید. می‌دانید که هر چقدر ظرف خوراکی‌ها جذاب باشد، بچه‌ها هم برای خوردن آن اشتیاق بیشتری دارند. این‌طور است که شما می‌توانید به راحتی و با یک ظرف یک بار مصرف ساده کاغذی بچه‌ها را به خوردن خوراکی‌های هیجان‌انگیز و البته سالم دعوت کنید. درست طبق نقشه پیش بروید و از میوه‌های بهاری خوش‌رنگ نهایت استفاده را ببرید.

عیدی‌های خوراکی

اگر در خانواده‌تان بچه دارید، حتما عیدی دادن یکی از گزینه‌های دقیقه آخر است. به همین خاطر در اکثر موارد به صورت نقدی حل و فصل می‌شود و می‌رود تا سال بعد. برای این‌که امسال کمی متفاوت‌تر از سال گذشته باشید، پیشنهاد می‌کنیم که علاوه بر همان پول نقد کمی هم شکلات کنار بگذارید. از همین درآه‌های گرد که در تمام سوپرمارکت‌ها یافت می‌شود. با تعدادی کاغذ رنگی و خلال دندان. به همین راحتی می‌توانید شکلات دست‌ساز تحویل بچه‌های فامیل دهید و دل آن‌ها را شاد کنید.



پیشنهاد ویژه

خیلی‌ها از این‌که گل‌ها زود پژمرده می‌شوند، شکایت دارند و به همین خاطر کمتر حاضر می‌شوند برای گل طبیعی هزینه کنند. برای آن‌ها یک پیشنهاد ویژه داریم. برای این‌که عمر گل‌های خانه‌تان بیشتر شود، می‌توانید یک لیمو را برش دهید و داخل آب گلدان بگذارید. این‌طور هم منظره رنگین‌ترین را برای خانه ایجاد کرده‌اید و هم این‌که گل‌های خانه دیرتر از زمان موعود پلاسیده می‌شوند!



توت‌های فرنگی‌های

هیجان انگیز

توت‌فرنگی یکی از هیجان‌انگیزترین میوه‌های عالم است و می‌تواند خوراکی لذیذی هم باشد. برای آن‌که اشتیاق بیشتری را برای خوردن آن ایجاد کنید، می‌توانید با شکل‌های متفاوت مهمان‌ها را به خوردن و البته نوشیدن آن دعوت کنید. درست طبق عکس برش‌هایی را به توت فرنگی بزنید و با یک سیخ چوبی آن را داخل آب توت‌فرنگی یا حتی شربت پرتقال یا آلبالو قرار دهید. این‌طور است که مهمانان شما همیشه از کدبانوگری‌تان تعریف و تمجید می‌کنند.



دم عید که می‌شود، مغازه‌ها پر و خالی می‌شوند و همه به فکر نو نوار کردن سرتاپایشان می‌افتند، اما باید بدانیم خرید کردن یکسری اصول کلی دارد که با رعایت کردن آن‌ها می‌توانیم لباس‌های مناسبی بخریم تا بعد از پرو دوباره سر فرصت و در خانه متوجه بنجل‌خری نشویم. بیایید با هم این اصول کلی را مرور کنیم...



سبد خرید

شهرزاد همتی

راه‌های یک خرید خوب

چگونه لباس مناسب خود را انتخاب کنیم؟

اصول کلی

- همواره لباسی را بپوشید که کاملاً اندازه شما باشد.
- پوشیدن لباس‌های بزرگ تنها اندام شما را اغراق‌آمیزتر جلوه می‌دهد و آن‌ها را پنهان نمی‌کند.
- بیشتر سعی کنید تنها در زمانی که کمر باریکی دارید، از کمربند استفاده کنید.
- پارچه‌های سنگین مانند پشمی، بافتنی و چرمی شما را سنگین‌وزن‌تر جلوه می‌دهند.
- رنگ‌های تیره شما را لاغرتر و کوچک‌تر می‌کنند.
- رنگ‌های روشن شما را بزرگ‌تر و حجیم‌تر می‌کنند.
- لباس‌های بالاتنه و پایین‌تنه یک‌رنگ شما را لاغرتر جلوه می‌دهند.
- لباس‌های بالاتنه و پایین‌تنه با رنگ‌های متفاوت شما را بلندقدتر می‌کند.
- لباس‌های یقه بلند گردن را کوتاه‌تر می‌کند.
- لباس با خطوط افقی شما را چاق‌تر و با خطوط عمودی شما را لاغرتر جلوه می‌دهد.
- لباس‌های کاملاً اندازه بپوشید. لباس‌های خیلی کوچک و خیلی بزرگ تنها شما را چاق‌تر نشان می‌دهند.
- یکی از لباس‌های ضروری خانم‌های ایرانی مانتو است. نکات بسیار مهمی در انتخاب مانتو وجود دارد که بستگی به اندازه قد و ترکیب اندامی شما دارد، که با رعایت این اصول می‌توانید بهترین مانتو را انتخاب کنید و ظاهرتان متناسب‌تر دیده شود. من در این‌جا مهم‌ترین این نکات را با توجه به اندام متفاوت برای شما شرح خواهم داد.

خرید کودکان



تا جایی که می‌توانید، لباس‌های خود را قرض دهید و در عوض لباس‌های جدید قرض بگیرید. در این صورت مجبور نیستید برای مناسبت‌های مختلف یک لباس تکراری را بپوشید.



یادتان باشد که چند هفته قبل از نوروز، برای خرید اقدام کنید تا هم پول کمتری صرف کرده باشید و هم انرژی کمتری! اگر همه با هم برای خرید بروند، سودجویان به فکر می‌افتند کالاهایی با قیمت بالا و کیفیت پایین وارد بازار کنند و این‌طوری سر شما را کلاه بگذارند.



از طرح‌ها و رنگ‌های خاص دوری کنید

معمولاً این‌گونه لباس‌ها در نگاه اول چشم خریدار را متوجه خود می‌کنند، اما خیلی زود در کمد خریدار بدون استفاده می‌شوند.



در مورد خرید لباس صبور باشید.

اگر لباسی چشم شما را گرفت و بدون شک قصد خرید آن را داشتید، کمی دست نگه دارید. به احتمال زیاد همان لباس را در جایی دیگر و در زمانی بهتر می‌توانید با قیمت مناسب‌تری تهیه کنید. حتی اگر اختلاف قیمت کم هم باشد، باز هم ارزش دارد.



خرید پوشاک برای کودکان، کلا یک پدیده است؛ هم می‌تواند لذت‌بخش باشد و هم دردسر آفرین! لذت‌بخش چون یکسری کالاهای جدید و نو وارد چرخه پوشاک فرزندتان می‌شود که می‌تواند کلی انرژی‌بخش باشد. از جایی دردسر آفرین می‌شود که با بی‌اطلاعی خرید کنیم و مجبور شویم گاهی تا چندین بار برای تعویض لباس به مراکز خرید مراجعه کنیم، یا حتی این‌که وقتی لباس را مورد استفاده قرار می‌دهیم، با سایز، رنگ و دیگر المان‌های آن مشکل داشته باشیم. از این شماره با ما همراه باشید تا نکات ضروری خرید پوشاک کودک را با هم بررسی کنیم و این مسائل را به حداقل برسانیم.

قبل از هر چیز، بهتر است هنگام خرید لباس و کفش برای کودکان، سایز مناسب را برای آن‌ها انتخاب کنید. مطمئن شوید این سایزها، بر اساس واقعیت است، نه حدس و گمان. این مسئله باعث می‌شود لباس اندازه را انتخاب کنید و مجبور نشوید دوباره به مغازه برگردید.



می‌توانید زمان خرید برای فرزندتان را با زمان حراج‌های فصلی تنظیم کنید تا بتوانید با پول کمتر، لباس و کفش بیشتر و بهتری برای او تهیه کنید. حتی می‌توانید با کمی هوشیاری، لباس سال آینده فرزندتان را هم تهیه کنید و با این کار، به اقتصاد خانواده، کمک بیشتری بکنید.

اگر فرزندتان دوره خردسالی را پشت سر گذاشته، سعی کنید بدون حضور خودش، برایش لباس یا کفش نخرید؛ چون ممکن است در انتخاب رنگ مناسب با چهره فرزندتان یا قد و سایز لباس و حتی هماهنگ کردن لباس‌هایشان با هم، دچار اشتباه شوید.

روی لباس‌های خاص سرمایه‌گذاری کنید. برای مثال اگر قصد انتخاب یک کت‌وشلوار به‌عنوان لباسی برای محیط کار دارید، انتخابی داشته باشید که ماندگار باشد. کمی هزینه بیشتر برای یک لباس مناسب که زیاد می‌پوشید، بهتر از عوض کردن و خرید مجدد است.

تا حد امکان فرزند زیر سه سال خود را برای خرید لباس و کفش، همراه خود نبرید. این کار موجب می‌شود که هنگام خرید، نتوانید لباس‌های مناسب و هماهنگ با هم را انتخاب کنید. زمانی که کودک را برای خرید همراه خود می‌برید، معمولاً چیزی را می‌خرید که او می‌خواهد.

فهرستی از لباس‌هایی که نیاز دارید، تهیه کنید. در این صورت از هزینه‌های اضافی برای لباس‌هایی که احتیاج ندارید، جلوگیری می‌کنید.

به جای خرید در آخر هفته و روزهای تعطیل، در طول هفته خرید کنید. در این صورت از شلوغی فروشگاه‌ها دوری کرده‌اید و گزینه‌های بیشتری برای خرید خواهید داشت.

تا جایی که می‌توانید، تنها خرید کنید. خرید کردن با دوستان می‌تواند خیلی جالب و خوب باشد، اما اگر قصد خرید اقتصادی دارید، تنها خرید کنید. گاهی فشارهای دوستان و جو موجود باعث می‌شود لباس‌هایی را انتخاب کنید که واقعا مورد نیاز شما نباشد.

برخی لباس‌ها مانند جوراب، لباس زیر و تی‌شرت‌ها جزو البسه‌ای هستند که به‌مراتب بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. در صورت توان این اقلام را به صورت عمده خریداری کنید.



۳۳



شماره سیزدهم - فروردین ۱۳۹۴

پیشنادهای سیزده گانه برای تعطیلات عید

همیشه برنامه ریزی کردن برای تعطیلات عید سخت است. اگر هم همت کنیم و برنامه ای هم داشته باشیم، آن قدر اتفاقات غیرقابل کنترلی می افتد که تمامشان نقش بر آب می شوند و ما می مانیم و تعطیلات از دست رفته. این نقشه راه ۱۳ روزه عید «وخارزم» می تواند کمک بزرگی باشد برای آن هایی که قرار است تهران بمانند و از خلوتی این شهر شلوغ نهایت استفاده را ببرند.

روز اول:

شنبه ساعت ۲:۱۵ صبح لحظه

سال تحویل است. ممکن است خیلی از شما خواب باشید یا بیدار بمانید تا در کنار خانواده این لحظه را بگذرانید. پیشنهاد ما این است که کمی طاقت بیاورید و بیدار بمانید. واقعا سالی یک بار است. می توانید برنامه های سرگرم کننده تلویزیون را که معمولا خواب را از چشم دور می کند، ببینید. اگر زیاد اهل تلویزیون دیدن نیستید، با گپ و گفت لحظات را سپری کنید و یا اصلا یک پیشنهاد بهتر، حافظ بخوانید ارزش در کنار خانواده بودن، آن هم در لحظه سال تحویل، خیلی بیشتر از این هاست. بعد از سال تحویل به استراحت بپردازید، زیرا فردا روز پرکاری برای شما خواهد بود. روز اول معمولا به عیددینی و سر زدن به بزرگترها می گذرد. عیدی دادن و عیدی گرفتن بازارش داغ است. نباید از قافله عقب ماند. دیگر موبایل و وایبر را کنار بگذارید و از نزدیک معاشرت کنید. دیدارها را تازه کنید تا دیگر بهانه گرفتاری و مشغله زیاد را نیاورید.



روز دوم:

روز اول را که اختصاص دادید به دید و بازدید و معاشرت. حالا می توانید با خیال راحت برای روزه های دیگر برای خودتان برنامه داشته باشید. البته نباید یادمان برود کمک حال خانواده در مهمان داری باشیم! تازه شروع عید است و هنوز دید و بازدید در جریان است. برای این روز پیشنهاد می شود هم در کنار خانواده بود و هم مشغول کار خود. مطمئنا کتابی هست که در لیست انتظار خواندن مانده و شما هم منتظر فرصت بودید که بخوانیدش. امروز بهترین فرصت است. سریال های عید هم شروع شده. می توان نیم نگاهی هم به آن ها انداخت.



روز سوم:

خیابان ها خلوت شده و شهر نفس راحتی می کشد. کوه های شمال تهران دیده می شوند و خبری از آلودگی نیست. درختان خیابان ولیعصر دارند کم کم سبز می شوند. پیشنهاد روز سوم پیاده روی است. این روز بهترین فرصت بعد از دو روز تنبلی و پسته و بادام خوردن برای کالری سوزاندن و تازه شدن روح و روان است. خیابان ولیعصر از پارکوی تا میدان تجریش بهترین جا برای پیاده راه رفتن و لذت بردن از تهران است. درخت هایی که هنوز قطع نشده اند و پیاده روی های وسیع و بدون مانع برای غرق در خیال شدن. میدان تجریش که رسیدید، می توانید سری هم به آتش سیدمهدی بزنید و در بازار تجریش چرخی بزنید.



روز چهارم:

سینما رفتن در عید کاری است ضروری و رسمی است قدیمی. خوبی اش این است که بهترین و دیدنی ترین فیلم ها را می توان دسته جمعی با رفقا یا خانواده دید. پیشنهاد ما «رخ دیوانه» و «عصر یخبندان» است؛ دو فیلمی که در جشنواره فیلم فجر تحسین شدند و هر کسی فرصت این را داشته که ببیندشان، از بازی ها و داستان های گیرای این دو فیلم حساسی تعریف می کند. پردیس سینما کوروش که به تازگی شروع به کار کرده و می توان به راحتی در پارکینگ آن جای پارک پیدا کرد، می تواند گزینه خوبی باشد. اگر نه، می توان در سینماهایی که خیلی ها از آن خاطره دارند، به تماشای این فیلم ها رفت.



روز پنجم:

احتمالا قبل از عید کلی کتاب و مجله خریده اید تا دلی از عزا در بیاورید و تلاقی یک سال کتاب خواندن را در آورید. ولی پیشنهاد می شود کتاب «قصه های قرواطی» نوشته خولیو کورتاسار با ترجمه جیران مقدم و پژمان طهرانیان را بخوانید. چرا این پیشنهاد را می دهیم؟ چون این کتاب هم کم حجم است و وقت گیر نیست و در یک نشست می توانید تمامش کنید و هم بسیار لذت بخش است. کورتاسار آرژانتینی در این کتاب خلخلی و دوست جون و بچه مثبت هایی را خلق می کند که قطعا ما در یکی از این سه گروه قرار می گیریم و احساس هم ذات پنداری می کنیم. کتاب تشکیل شده از داستان هایی کوتاه که بعد از تمام شدن هر یک از آن ها لیخن تلخی خواهیم زد.



روز ششم:

در این روز لم بدهید جلوی تلویزیون و ظرف آجیل را بگذارید جلو خودتان و کانال‌های تلویزیون را بالا پایین کنید. فقط همین.



روز هفتم:

تهران آثار تاریخی بسیاری دارد که اگر در این شهر زندگی می‌کنیم و هنوز سری به آن‌ها نزده‌ایم، باید شرمند باشیم. امروز روز ادای دین کردن به تاریخ شهر تهران است. می‌توانید سری به کاخ گلستان بزنید. این کاخ که در فهرست یونسکو هم ثبت رسیده، یادگاری به‌جای‌مانده از ارگ تاریخی تهران محل اقامت شاهان سلسله قاجار و از زیباترین و کهن‌ترین بناهای پایتخت ۲۰۰ ساله ایران است. این بنا روزگاری همانند نگینی در میان این ارگ می‌درخشید. سابقه تاریخی ارگ سلطنتی که محدوده مکانی تاریخی آن را در شمال خیابان و میدان امام خمینی (سپه) در سمت غرب خیابان خیام، در شرق خیابان ناصر خسرو و در جنوب خیابان پانزده خرداد و میدان ارگ تشکیل می‌دهد، به روزگار صفویه باز می‌گردد.



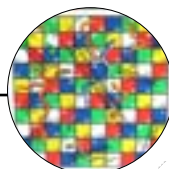
روز دهم:

صبحانه خوردن در بیرون از خانه همیشه برابر بوده با رفتن به طبایعی. اما چند سالی است که دیگر شکل آن عوض شده و می‌توانید صبحانه‌های مفصلی را در اکثر کافه‌هایی که در منوی خود صبحانه نیز دارند، بخورید. از صبحانه به سبک آمریکایی و انگلیسی گرفته تا املت و چای زعفران در بساط آن‌ها پیدا می‌شود. دو جا خیلی معروف هستند و اکثراً در روزهای تعطیل شلوغ می‌شوند و باید از قبل برای رفتن به آن‌ها جا رزرو کرد؛ خانه پنیر پرچک در خیابان ولیعصر که پنیرهای متفاوت و ویژه‌ای برای صبحانه دارد و عمارت مسعودیه. پس صبح خود را با صبحانه در بیرون از خانه شروع کنید.



روز دوازدهم:

منج و مارپله، دوز، اسم فامیل، اونو، مافیا، شطرنج، دومینو، هوب. خلاصه هر آن‌چه سرگرم کرد، بدون خرج و طی مسافت.



روز سیزدهم:

امروز روز آخر تعطیلات عید است و دیگر زمانی نمانده برای کارهای نکرده. سیزده به‌در است و باید زد به دل طبیعت. هر کجا که می‌خواهد، باشد. نباید زیاد سخت‌گیر بود، وگرنه باید برای پیدا کردن جا از شب قبل آن‌جا خوابید. می‌توان به نزدیک‌ترین پارک هم رفت و کلی خوش گذراند. مهم در کنار هم بودن و به طبیعت احترام گذاشتن است. فقط یادتان باشد که سال دیگری هم هست، پس لطفاً حواستان به طبیعت باشد تا پاکیزه بماند.



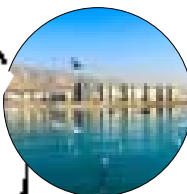
روز هفتم:

فیلم ویپلش (Whiplash) را ببینید. برای دیدن این فیلم نباید درنگ کرد. ویپلش که تلفظ آن صدایی هم‌چون صدای شلاق زدن را می‌دهد، درباره شلاق زدن به روح برای یادگیری است. داستان استاد و شاگرد. شاگردی که می‌خواهد درامر بزرگی شود، اما گیر استادی سخت‌گیر و بددهن و دست‌بزن‌داری افتاده که برای این‌که شاگردان خود را به سطح بالایی از سواد موسیقایی برساند، از هیچ عملی حتی اگر توهین‌آمیز باشد، فروگذار نیست. بازی‌های قدرتمند و فیلمنامه‌ای با جزئیات که تا مدت‌ها ذهن شما را مشغول خود می‌کند. این فیلم محصول سال ۲۰۱۴ آمریکاست و جی کی سیمونز استادانه نقش استادی سخت‌کوش و درنهایت دوست‌داشتنی و ترجم‌برانگیز را در این فیلم بازی می‌کند.



روز نهم:

دریاچه مصنوعی چیتگر از زمانی که راه افتاده است، مشتاقان زیادی به طبیعت را به خود جذب کرده. دیگر لازم نیست برای دیدن دریاچه از تهران خارج شد. کافی است به سمت کرج بروید و وارد پارک چیتگر شوید تا شاهد دریاچه‌ای عظیم شوید که پرندهای مهاجری دارد که قبلاً در مسیر خود به تهران، نمی‌دانستند کجا بروند. می‌توانید در آن‌جا به پیاده‌روی بپردازید و عکسی به یادگار بیندازید، یا با جمع خانوادگی به پیک‌نیک بروید و بساط کباب و چای و تخمه را به پا کنید. فضای باز دریاچه و نسیمی که از آن می‌وزد، فضای دل‌پذیری را مهیا می‌کند.



روز یازدهم:

می‌توانید در خانه بمانید و به کارهای عقب‌مانده خود برسید؛ کارهایی که در طول سال به دلیل مشغله از امروز به فردا انداخته شده‌اند. از مرتب کردن کتابخانه گرفته تا دسته‌بندی دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌هایی که پراکنده شده‌اند. گل‌ها و گیاهان گل‌دان‌ها را هرس کنید و کمی همت به خرج دهید و غذایی بپزید. البته منوی رستوران‌ها را در دسترس خود قرار دهید که اگر خدایی ناکرده نتیجه پخت‌وپز مطلوب نبود، از بیرون غذا بگیرید. خوب نیست آدم گرسنه بماند.





نگاهی به اتفاقات مهم ورزشی کشورمان در سال ۱۳۹۳

چه خوبیم ما؟

فرید دانش‌فر

سال ۱۳۹۳ در تقویم ورزشی ایران، با وجود رخداد‌های مختلف در رشته‌های متفاوت ورزشی، بدون شک یکی از سال‌هایی است که در ذهن ما خواهد ماند. از آن شروع تا همین ماه‌های آخرش پر بود از اتفاق‌ها و مسابقه‌های آسیایی. حالا که این سال کم‌کم دارد باروبندیش را می‌بندد و می‌رود، بد نیست نگاهی بیندازیم به رویدادهای مهم این سال و با هم مروری داشته باشیم به آن‌ها. به امید این که سال بعد با موفقیت‌های ورزشکاران ایرانی همراه باشد.



از همان ابتدای سال مسابقات و تورنمنت‌ها شروع شدند. البته از آن جایی که فوتبال در کشور ما طرفداران بیشتری از سایر رشته‌های ورزشی دارد، شاید کمتر کسی نگاهش به مسابقات والیبال جام باشگاه‌های آسیا بود. هنوز مقداری از آجیل و شکلات عید در بسیاری از خانه‌ها مانده بود و خیلی‌ها داشتند بازی‌های لیگ برتر فوتبال را همراه با خوردن این تنقلات نگاه می‌کردند، که تیم متین ورامین خیلی بی‌سروصدا چمدان‌هایش را بست و عازم فیلیپین شد تا بازی‌هایش را در شهر مانیل این کشور شروع کند.

اما بعد از قهرمانی باشگاه متین ورامین در مسابقات باشگاهی والیبال، تا حدودی تب والیبال در کشور بالا گرفت. با حضور تیم ملی والیبال کشورمان در لیگ جهانی، این تب داغ‌تر هم شد و چون بحث «تیم ملی» بود و بعد از مدت‌ها قرار بود شاهد بازی با قدرت‌های بزرگ والیبال باشیم، اشتیاق مردم بیشتر هم شد. بیست‌وپنجمین دوره این مسابقات در کشور ایتالیا برگزار می‌شد و برای اولین بار ۲۸ تیم در این بازی‌ها شرکت می‌کردند. وقتی قرعه‌کشی مرحله گروهی انجام گرفت، نگرانی در چهره عده‌ای از اهالی ورزش، والیبال‌ها و به‌ویژه مردم دیده می‌شد. ایران در گروه مرگ، با تیم‌های ایتالیا، برزیل و لهستان هم‌گروه شده بود. هرکدام از این سه تیم برای خودشان ابرقدرتی در والیبال بودند و مدعی قهرمانی در این بازی‌ها معرفی می‌شدند! این رقابت‌ها همان‌طور که از اسمش مشخص است، مثل بازی‌های لیگ انجام می‌شد. اولین بازی ایران مقابل ایتالیا، میزبان مسابقات بود. ایتالیا که قبل از این مسابقه، در دو بازی ابتدایی‌اش مقابل برزیل به پیروزی رسیده بود، انگیزه زیادی برای این بازی که در زمین خودش هم برگزار می‌شد، داشت. تیم ایران که به نظر می‌رسید تحت‌تاثیر جو بازی‌ها قرار گرفته بود، نتوانست قدرت خود را به‌خوبی به نمایش بگذارد و در دو بازی اول شکست خورد. تا همین چند سال قبل، بازی مقابل این تیم‌های بزرگ برای ما یک رویا بود، اما حالا ما در زمین برزیلی‌ها داشتیم بازی می‌کردیم. رقابت بسیار نزدیک بود و فاصله امتیازها خیلی کم. درنهایت

جهانی، توقع و انتظار مردم از تیم ملی هم به‌شدت بالا رفته بود و خیلی‌ها انتظار داشتند این بار تیم ما یکی از سکو‌ها را به خودش اختصاص دهد. تیم ملی کشورمان با تیم‌های ایتالیا، آمریکا، فرانسه، بلژیک و پورتوریکو در یک گروه قرار گرفت. با وجود چهار تیم قدرتمند، این گروه به‌عنوان گروه مرگ معرفی شد. اولین بازی ما مقابل ایتالیا بود؛ همان ایتالیا که در لیگ جهانی شکستمان داد و مانع رسیدن مدال برنز به ما شد. ولی این دفعه قضیه خیلی فرق کرد. ما سه بر یک چکمه‌پوش‌ها را شکست دادیم. برای مسابقه بعدی باید روبه‌روی تیمی قرار می‌گرفتم که قهرمان لیگ جهانی شده بود؛ آمریکا. در یک بازی بسیار نزدیک و حساس، بچه‌های تیم ملی موفق شدند با نتیجه سه بر دو به پیروزی برسند. دور اول با دوم شدن تیم ما در گروهش و صعود به مرحله بعد تمام شد. در دور دوم هم با رسیدن به مقام سومی در گروه هشت تیمی، به دور سوم راه پیدا کرد. این بار خیلی‌ها با دیدن دو تیم آلمان و فرانسه در گروه سه تیمی در کنار ایران، فکر می‌کردند ما به مرحله نهایی صعود می‌کنیم. ولی تیم ایران با دو شکست از دور رقابت‌ها حذف شد. درنهایت و در رده‌بندی مسابقات، تیم ایران در مقام ششمی قرار گرفت.

آخرین رویداد ورزشی مهم برای ما، مسابقات فوتبال جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۵ استرالیا بود. تیم ما پس از نمایش نسبتاً خوبی که در جام جهانی نشان داد، و بعد از کشمکش‌های فراوان بر سر ماندن یا نماندن کارلوس کی‌روش، به این بازی‌ها رفت. تیم ما در مرحله گروهی با سه پیروزی مقابل قطر، امارات و بحرین به‌عنوان تیم اول گروه وارد مرحله حذفی شد. اما در نهایت در مرحله حذفی با شکست در مقابل عراق پرونده این بازی‌ها نیز برای ایران بسته شد.

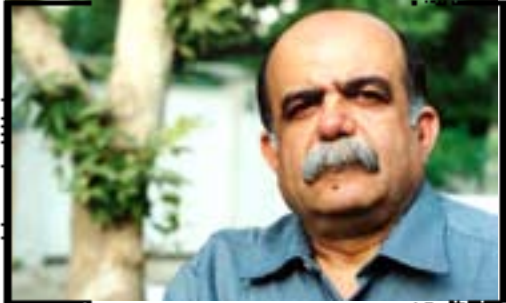


تیم برزیل به‌سختی توانست با نتیجه سه بر دو پیروز شود. اما روز بعد در همان زمین، تیم ما موفق شد با نتیجه سه بر دو برزیل را شکست دهد. این پیروزی یکی از اتفاق‌های به‌یادماندنی برای والیبال‌ماست که به این زودی‌ها از یاد کسی نمی‌رود. بعد از ۱۲ مسابقه، تیم ایران در نهایت شگفتی کارشناسان جهان، با کسب ۱۹ امتیاز، بالاتر از برزیل و لهستان در رده دوم این گروه قرار گرفت و به مرحله بعدی صعود کرد.

با شروع بازی‌های جام جهانی، همه چشم‌ها

گفت‌وگو با جلال‌الدین کزازی دربارهٔ عطار نیشابوری

عارفی، از شاعری گسسته نیست



شاعر قرن ششم هجری قمری است و بسیار پرکار، هرچند به نظر می‌رسد کمتر از دیگر شاعران کلاسیک ما به آن پرداخته می‌شود. جامعه امروز که گاهی تفالی بر حافظ می‌زند، یا چند بیت از سعدی می‌خواند، شاید کمتر به سراغ عطار نیشابوری می‌رود. او از نظر عرفان، در مرتبهٔ بالایی قرار داشته که مولانا هم در شعرش به آن اشاره می‌کند. ۲۵ فروردین‌ماه، روز بزرگداشت عطار نیشابوری نام گرفته. به همین بهانه گفت‌وگویی انجام دادیم با جلال‌الدین کزازی. کزازی آثار بسیاری نوشته که تعدادی از آن‌ها دربارهٔ شاعران کهن پارسی‌زبان است. او در سال ۸۴، به‌عنوان چهرهٔ ماندگار بخش فرهنگ و ادب برگزیده شد. از آثار او می‌توان به مجموعهٔ «نامه باستان»، «پارسا و ترسا»، «از اخگر تا اختر» و «پند و پیوند» اشاره کرد.

سروده‌های عطار نیز در میانهٔ این دو جای دارد.

آیا می‌توانیم بگوییم چون عطار از واژه‌های دشوار، به‌ویژه برای جامعهٔ امروزی، استفاده کرده، مردم کمتر با اشعارش ارتباط برقرار می‌کنند؟

شما نمونه‌ای از آن‌چه من به گونه‌ای پدیدارشناختی گوهرگرایانه در شیوه‌های سخنوری این سه سالار ادب پارسی گفتم، در میان آوردید. این‌که در سروده‌های عطار واژه‌هایی است دشوار و دیرپاب، برمی‌گردد به آن بخشی از این سروده‌ها که بیشتر در شیوه و زبان گرایش دارد به زبان و شیوهٔ سنایی. این واژه‌های سنگین و درشت در سروده‌های سنایی بیشتر از سروده‌های عطار است. در سروده‌های مولانا از شمار این واژگان بسیار کاسته می‌شود، زیرا شیوهٔ مولانا در سخنوری آن‌چنان که گفتم، رهاتر و انگیزشی‌تر از شیوهٔ عطار و سنایی است.

عطار نیشابوری هم آثاری به نظم دارد و هم به نثر. عده‌ای نثر او را بیشتر می‌پسندند و این آثار را بیشتر می‌خوانند. به عقیده شما عطار در کدام بخش موفق‌تر عمل کرده؟

بی‌گمان در سرائندگی کامگراتر از نویسندگی است، هرچند نثر او در «تذکره اولیا» هم در شمار شیواترین نثرهای زبان پارسی است. اما آوازهٔ عطار و جاودانگی او بازسته به سروده‌های اوست، نه به نوشته وی. این نثرها آبشخوری شده برای شناخت پیشوایان و درویشان، از این روست که شاید این کتاب را بیشتر از دیگر یادگاری‌های عطار می‌خوانند. من نمی‌انگارم که «تذکره اولیا» را از این‌رو بخوانند که نثری شورانگیز دارد، زیرا سروده‌های عطار بیشتر از نوشته‌های او دلاویز است. شاید به این سبب نثرش بیشتر خوانده می‌شود که خواندنش برای امروزان آسان‌تر از شعر است.

عطار هم عارف بوده است و هم شاعر. وجه عارفی او چه تأثیری بر شعر وی گذاشته؟

اگر بخواهم پاسخی فراگیر به پرسش شما بدهم، باید بگویم که در فرهنگ ایرانی، عارفی از شاعری، گسسته نیست. زبان عرفان نهان‌گرایانهٔ درویشی در ایران و در هنر، زبان شعر بوده؛ زیرا آن سرمستی و شوریدگی‌ها و آزمون‌های درونی جز به زبان شعر نمی‌توانست بازگو شود. از همین روست که بخش گسترده‌ای از ادب پارسی، ادب نهان‌گرایانه است. دو قلمرو گسترده در پارسی یکی ادب پهلوانی و یکی ادب نهان‌گرایانه و درویشانه است و نمی‌توان این دو را از هم گسست. تاب و تب‌ها در سروده‌های عطار، از آن‌روست که او سخنوری عارف است.

و به پرسش شما پاسخ گفتم، یک پاسخ، آن خوی درویشی و نهان‌گرایی است که در فروتنی و بر خودشکنی استوار است. مولانا چنان پیرو و شاگرد عطار یا پیش از او، سنایی، خود را در میانه نمی‌بیند. برخورد مولانا با عطار، هرچند که فراتر از عطار رفته، رفتاری چنان شاگرد است با استاد. از همین روی این سخن مولانا را نمی‌توان بهانه یا برهانی دانست در این‌که عطار از مولوی بالاتر است. در یک بیت پرآوازه، که آن را به مولانا باز می‌خواند اما از پسر وی، سلطان ولد است، مولانا، هم عطار و هم سنایی را گرمی داشته؛ گفته است: «عطار روی بود و سنایی دو چشم او/ ما از پی سنایی و عطار آمدم». در این بیت این نکته نهفته می‌تواند باشد که مولانا و در پی او، سلطان ولد، بهره‌مند از اندیشه‌ها و آموزه‌های پدر بر آن است مولانا که در پی سنایی و عطار آمده، وامدار آن دو است؛ اگر آن‌ها پیش از مولانا نمی‌آمدند، مولانا هم نمی‌توانست پدیدار شود.

ویژگی اصلی شعر عطار را چه می‌دانید؟

اگر هم‌چنان فراخ‌بگریم، ویژگی بنیادین شعر عطار، شیوه‌ای است در میانهٔ شیوهٔ سنایی و شیوهٔ مولانا در غزل‌پردازی و در سروده‌هایی که ساختار داستانی ندارند. شیوهٔ سنایی در سخنوری شیوه‌ای است دانشورانه، فنی و اگر به زبان امروزیان بگوییم، دانشگاهی. از این‌رو در سنجش با سروده‌های عطار و به‌ویژه مولانا، سخت و درشت می‌نماید. عطار این شیوه را بسیار نرمی و همواری بخشیده است و شور و شرار و تب و تاب افزون‌تر به آن داده. مولانا آن را به فرازهای اندیشندگی و شورآفرینی برده است. غزل‌های مولانا آکنده از شیدایی و سرمستی است. از دیدی دیگر می‌توان گفت سروده‌های سنایی، خودآگاهانه‌ترین است و سروده‌های مولانا ناخودآگاهانه‌ترین و

با توجه به این‌که عطار نیشابوری آثار بسیاری به نظم و نثر نوشته و مضامین عرفانی بسیاری در اشعار خود دارد، به نظر می‌رسد کمتر از حافظ و مولانا به او پرداخته می‌شود. نظر شما در این باره چیست؟

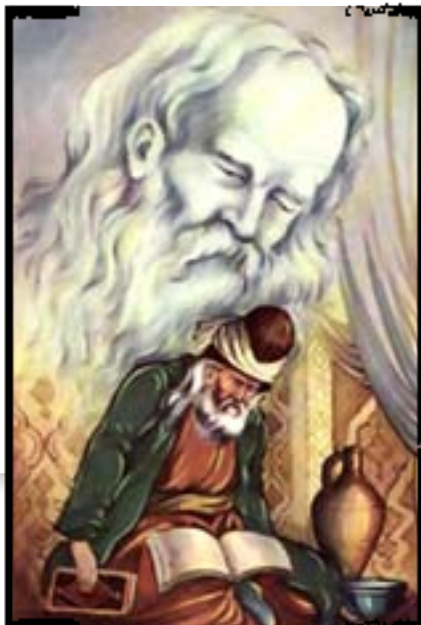
اگر بسیار فراخ به جایگاه عطار در پهنهٔ سخن پارسی بنگریم، می‌توان بر آن بود که عطار پلی است بلند و استوار در میانهٔ دو شاعر بزرگ، سنایی و مولانا. زیرا سنایی آغازگر ادب نهان‌گرایانهٔ پارسی است، به شیوه‌ای بسامان، چنان قلمرویی گسترده از این ادب. عطار راهی را که سنایی گشود، فراخی و همراهی بسیار بخشیده و زمینه را به شایستگی آماده گردانیده است برای سربرآوردن مولانا که این راه را به فرجام رسانیده. من برآنم که اگر عطار در میانهٔ این دو بزرگ سر بر نمی‌آورد و با سروده‌های پرشمار خود آن‌چه را که سنایی پی افکنده بود، نمی‌پرورد و در نمی‌گسترده، نه مولانا پدیدار می‌شد چنان برترین چهره در این‌گونه از سخن پارسی و نه این‌گونه از سخن به آن گستردگی و ژرفا و گرانمایگی می‌رسید، که به آن رسیده است.

همان‌طور که شما بیان کردید، عطار در شیوهٔ سرائندگی مولانا تأثیر گذاشته. درواقع عطار جایگاه ویژه‌ای دارد، اما با این حال جامعهٔ ما کمتر از دیگر شاعران کلاسیک ما، او را می‌شناسند و اشعارش را می‌خوانند. دلیل این موضوع را در چه چیزی می‌دانید؟

پاسخ این پرسش هم کمابیش داده شد. زیرا مولانا آن‌چنان که خود در لختی از بیتی در رازنامهٔ بزرگ خود فرموده، صد (۱۰۰) است؛ کسی که به صد می‌رسد، خواه ناخواه شمارهای دیگر (هفتاد، هشتاد و ...) را نیز پیش از آن به دست آورده. مولانا از سخنوران ستیغینه است؛ یعنی سخنورانی که در ستیغ سخن پارسی ایستاده‌اند. می‌توان گفت به مانند کوه‌نوردی که با رنج و تلاش بسیار به ستیغ کوه می‌رسد؛ آن کوه‌نورد دیگر نیازی ندارد به میانه یا دامنهٔ کوه بپردازد و به آن بیندیشد. عطار و سنایی به گونه‌ای در مولانا و سروده‌های او نهفته‌اند، از همین روست که ایرانیان، ادب نهان‌گرایانهٔ پارسی را با مولانا بیشتر می‌شناسند. اما ادب‌دانان و سخن‌سنان و شعر‌دوستان بی‌گمان با سروده‌های عطار و سنایی آشنا هستند و آن‌ها را ارج می‌نهند و گرمی می‌دارند.

با این حساب نظر شما این است که مولانا از عطار تأثیر پذیرفته و شعرش را به کمال رسانده. پس چطور است که در جایی می‌گوید «هفت شهر عشق را عطار گشت/ ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم؟» درواقع با این سخن، جایگاه عطار را بالاتر از خود بیان می‌کند.

به این سخن مولانا می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون نگرست





سینما

انیمیشن‌هایی برتر که دیدنشان را نباید از دست بدهید

گم شدن میکی‌موس در تونل وحشت!



زمانی که اولین طرح‌ها برای ساخت یک انیمیشن ساده به ذهن انسان رسید، شاید فکرش را هم نمی‌کرد این هنر تا حدی پیشرفت کند که تشخیص واقعیت از آن بسیار سخت و دشوار شود. امروزه این هنر نه تنها به‌طور مستقل راه خودش را پیش می‌گیرد، که حتی به کمک کارگردان‌های خیال‌پرداز و فانتزی‌ساز هم آمده. حالا فیلم‌های انیمیشن سینمایی در جدول فروش فیلم‌ها، بالاتر از اسامی بسیاری از بازیگرها و کارگردان‌های معروف قرار می‌گیرد. راستش را بخواهید، خیلی سخت است اگر بخواهیم از بین انیمیشن‌هایی که تا امروز ساخته شده، فقط ۱۰ فیلم را انتخاب کنیم. اگر به اختیار من بود، کل مجله را پر می‌کردم از انیمیشن‌ها. تصمیم گرفتم گلچینی از انیمیشن‌های قدیم و جدید را پیش هم بگذارم. پس این شما و این ۱۰ فیلم انیمیشن برتر جهان.

یک

دسلا

اولین فیلمی که به‌عنوان انیمیشن به جشنواره کن راه پیدا کرد! انیمیشن «بالا» درباره یک پیرمرد بادکنک‌فروش است که دلش می‌خواهد برود بالا. نخندید! چون او موفق هم می‌شود و با همان بادکنک‌ها می‌رود آمریکای جنوبی و کلی اتفاق برایش می‌افتد. در سال ۲۰۰۹ این فیلم دو اسکار هم گرفت. بهترین انیمیشن و بهترین موسیقی. این دو جایزه، یک اتفاق خوب و یک تشویق بزرگ برای تمامی انیمیشن‌سازها بود. کارگردان این فیلم پیت داکتر بود.

شاد

در سال ۲۰۱۱ یک انیمیشن درباره یک مارمولک ساخته می‌شود که دچار بحران هویت است! زیاد که پیچیده نشود؟! ساده بگویم که یک مارمولک خیلی اتفاقی از درون یک ماشین به یک صحرای خشک و بی‌آب و علف پرتاب می‌شود، و بعد به یک شهری می‌رسد که آن‌جا هم خشک و بی‌آب است. انیمیشن «رنگو» با کارگردانی گرورینسکی، جایزه اسکار بهترین انیمیشن را گرفت.

کلمات

بعد از این فیلم‌های انگلیسی‌زبان که ساخت شرکت‌های بزرگ آمریکایی بودند، برای آخرین فیلم، یک انیمیشن ژاپنی را انتخاب کردم به اسم «روح سرگردان». داستان درباره دخترکی است که به همراه خانواده‌اش برای ادامه زندگی به شهر جدیدی می‌روند، اما آن‌ها که شهر جدید را خوب بلد نیستند، یک روز که به طرف خانه‌شان می‌آیند، مسیر را گم می‌کنند و وارد یک تونل می‌شوند... بقیه‌اش را تعریف نمی‌کنم تا بروید ببینید! این فیلم با کارگردانی هایائو میازاکی توانست جایزه اسکار بهترین انیمیشن را در سال ۲۰۰۳ بگیرد.



دو

حالا با یک پرش بزرگ می‌رسیم به سال ۲۰۰۳ و انیمیشن «در جست‌وجوی نمو». این یکی را که حتما دیده‌اید. ماجرای یک دلقک‌ماهی که پسرش (نمو) را در اقیانوس گم می‌کند و راه می‌افتد (یعنی شنا می‌کند!) دنبالش. در آن سال، این فیلم نزدیک به ۸۶۴ میلیون دلار فروش کرد و کارگردانش، اندرو استنتون، هم از این همه درآمد و پول خیلی خوشحال شد و هم از این که فیلمش از طرف انجمن فیلم آمریکا در بین ۱۰ انیمیشن برتر دنیا قرار گرفت.



هفت

حالا چند سال عقب‌تر می‌رویم. سال ۱۹۹۴ میلادی و انیمیشن محبوب «شیر شاه». این انیمیشن را که راجر آلز کارگردانی کرده، با فروشی نزدیک به ۹۵۰ میلیون دلار، در بخش فیلم‌های انیمیشن یک رکورد جدید و عجیب و غریب زد! در آن زمان، جایزه اسکار بهترین موسیقی و ترانه اصلی به این فیلم رسید. نکته جالب این‌که یک بار هم در سال ۲۰۰۲ این انیمیشن با کیفیتی بسیار خوب دوباره اکران شد.

نه

حالا دوباره برمی‌گردیم عقب! می‌رویم به سال ۱۹۴۰ میلادی و سراغ انیمیشن «پینوکیو». این انیمیشن از روی کتاب «ماجراهای پینوکیو» نوشته کارلو کلودی ساخته شد. اما دو نکته جالب: اول این‌که این فیلم هفت کارگردان داشت! که فکر کنم یک رکورد حساب می‌شود. نکته دوم هم این‌که آن زمان که جایزه اسکار هنوز بخش انیمیشن نداشت، جایزه بهترین ترانه اصلی به این فیلم تعلق گرفت.

نقش

مطمئنم که می‌دانید کدام انیمیشن یک شخصیت الاغ دارد! البته شخصیت اصلی‌اش یک گول سبز نه‌چندان خوشگل است. شاید قبل از ارائه آن به بازار، هیچ‌کس، حتی سازندگان هم فکرش را نمی‌کردند که این گول بتواند تا این حد سروصدا به پا کند، ولی انیمیشن «شرک» (قسمت اول) با کارگردانی اندرو آدامسون و ویکی جنسون، سال ۲۰۰۱ جایزه اسکار بهترین انیمیشن را گرفت و خیلی‌ها را انگشت به دهان کرد. این موفقیت باعث شد تا قسمت‌های بعدی آن هم ساخته شود و فروش خوبی هم در گیشه داشته باشد.





دانستنی‌ها

مینا عینی‌فر

گشتی میان واژه‌های جست‌وجو شده گوگل در سالی که گذشت

Google Search

I'm Feeling Lucky

به دنبال چه می‌گشتیم؟

هر سال موتورهای جست‌وجو فهرستی منتشر می‌کنند که نشان می‌دهد چه عبارت‌هایی در طول سال بیش از بقیه جست‌وجو شده‌اند. فهرستی که نشان می‌دهد افکار عمومی به چه اشخاص و رویدادهایی توجه می‌کند. فهرست ۲۰۱۴ گوگل می‌گوید اولین دغدغه جهانی که باعث شده مردم در این سال جست‌وجو کنند، رابین ویلیامز بود، بیماری ابولا، هواپیمایی مالزی، بازی فلیپ برز، چالش سطل آب یخ، داعش، شهر فرگوسن، انیمیشن «یخ‌زده» و اکراین رتبه‌های بعدی بیشترین جست‌وجو در گوگل را کسب کردند. در ایران گشتن میان واژه‌هایی که بیشتر جست‌وجو کرده‌ایم، نشان می‌دهد بعضی دغدغه‌هایمان هم‌سو با مردم جهان و بعضی دیگر مخصوص خودمان بود. در ادامه واژه‌هایی را می‌بینید که بیش از همه جست‌وجو شدند.

جهان

ابولا

در ماه اکتبر، جست‌وجو برای «ابولا» ۷۶ برابر مارس بود. جست‌وجوها زمانی به مقیاس جهانی رسید که موارد مبتلا در خارج از آفریقا مشاهده شدند. مردم می‌خواستند از «شیوع ابولا»، «درمان ابولا» و «علایم ابولا» بدانند.

پرواز ام‌اچ ۳۷۰ مالزی

در هشتم مارس هواپیمای «ام‌اچ ۳۷۰» خطوط هوایی مالزی کمتر از یک ساعت پس از بلند شدن از زمین مفقود شد. بیش از ۲۰۰ میلیون جست‌وجو به دنبال نشانی از ۲۳۹ سرنشین گم‌شده انجام شد، اما سرنخی به دست نیامد. با این حال مردم جهان امیدوار بودند؛ جست‌وجو برای عبارت «ام‌اچ ۳۷۰ پیدا شد» ۱۴ برابر «ام‌اچ ۳۷۰ گم شد» بود.

داعش

وقتی داعش کوبانی را محاصره کرد، جست‌وجوی عبارت «کوبانی کجاست» تا ۳۰ برابر افزایش یافت. صدمین سالگرد شروع جنگ جهانی اول بهانه دیگری برای جست‌وجو درباره جنگ بود. جست‌وجو برای «جنگ جهانی اول» در ۲۸ ژوئیه، روزی که جنگ شروع شد، به ۱۳ برابر رسید.

جان لتو

جان لتو و ماتئو مک‌کانی، برای اولین بار از سال ۱۹۵۹، جایزه بهترین بازیگر و بهترین بازیگر نقش دوم را برای یک فیلم از آن خود کردند. اما لتو در نبرد جست‌وجو اول شد.

چگونه

از میان پرسش‌ها، «چگونه» هشت برابر «چه کسی» و «عشق چیست» پنج برابر «علم چیست» جست‌وجو شد. مردم در لحظاتی که با بحران‌های وجودی روبه‌رو می‌شوند، با سوال‌هایی مانند «زندگی چیست» و «من که هستم» به جست‌وجو در اینترنت می‌پردازند.

سلفی و چالش آب یخ

چالش آب یخ، باعث شد بیماری ای‌ال‌اس بیشتر از کل دهه قبل جست‌وجو شود. خودگرفت‌ها (سلفی‌ها) هم مورد علاقه کاربران گوگل بودند و نسبت به سال قبل هشت برابر بیشتر جست‌وجو شدند. هم‌چنین افرادی که می‌خواستند بدانند چگونه یک «سلفی بهتر» بگیرند، شش برابر شدند.

رابین ویلیامز

روز بعد از مرگ رابین ویلیامز، کم‌دین مشهور، جست‌وجوی دیالوگ‌های او شش برابر شد. تاثیر مرگ او به حدی زیاد بود که مردم شروع به جست‌وجوی بیشتر برای اطلاعات مربوط به بهداشت روانی کردند.

ایران

والیبال

ایرانی‌ها خود را فوتبالیست دوست می‌دانند، اما سال گذشته درخشش تیم والیبال ایران در مسابقات لیگ جهانی باعث شد آن‌ها برای والیبال هم زیاد جست‌وجو کنند. نام محمد موسوی و غفور، بازیکنان امتیازآور تیم، هم محبوب‌تر شد.

ظریف

کاترین اشتون توانست در اسفند ۹۲ روحانی را پشت سر بگذارد و بیشترین جست‌وجو را به خود معطوف کند. در آذر ۹۳ مذاکرات بیشتر از مذاکره‌کنندگان جست‌وجو شد و ظریف با اختلاف زیاد در رتبه بعدی بود. سعید مرتضوی تمام مدت با ظریف رقابت تنگاتنگ داشت و هم‌زمان با حکم انفصال او از قضاوت در آذر بیش از ظریف جست‌وجو شد.

بابک زنجانی

در دی‌ماه ۹۲ جست‌وجو برای بابک زنجانی از ظریف، روحانی و «مذاکرات» بیشتر شده بود. در طول سال ۲۰۱۴ جست‌وجو برای بابک زنجانی بیشتر از «اختلاس» و «فساد اقتصادی» بود، اما با شیب ملایمی تا آخر ۲۰۱۴ کم‌رنگ شد. از ۱۶ تا ۲۶ آذر هم‌زمان با آشکار شدن اختلاس ۱۲ هزار میلیاردی بانک تجارت کرمان جست‌وجو برای «اختلاس» اوج گرفت و بابک زنجانی را پشت سر گذاشت.

اسیدپاشی

وقتی مردم جهان «چالش آب یخ» را به کمپینی محبوب و فراگیر تبدیل کردند، مردادماه در ایران هم جست‌وجو برای این موج و تصاویر مربوط به آن زیاد شد. چیزی حدود دو ماه بعد، اسیدپاشی در اصفهان چالش آب یخ و سقوط هواپیما را با هم به حاشیه برد. جست‌وجو برای اسیدپاشی در زمان اوج حوادث تقریباً شش برابر جست‌وجو برای چالش آب یخ در هنگام اوجش بود.

مرتضی پاشایی

با درگذشت مرتضی پاشایی در آبان ۹۳، جست‌وجو برای او ناگهان ۱۷ برابر شد. درگذشت سیمین بهبهانی هم جست‌وجوی نام او را در مرداد ۱۱ برابر کرد. با این حال خواننده پاپ پس از مرگش ۳۳ برابر شاعر مشهور مورد توجه بود.

کلاه قرمزی

هیچ‌کدام از بازیگران سینما و تلویزیون به اندازه کلاه قرمزی محبوب نبودند. او در فروردین با فاصله زیاد رکورد همه را شکست و حالا هم بالاتر از رامبد جوان و رضا عطاران قرار دارد.





فتوتراپه

میترا ناهیدپور

عکاس‌های معروف در قاب عکس‌های معروف‌ترشان

قاب‌های ماندگار

فقط وقتی یک خوره عکاسی باشید، می‌دانید مردمی که در قاب عکس‌های عکاس‌های مشهور قرار می‌گیرند، چه حرف‌هایی برای گفتن دارند. تیم مانتوانی، عکاس آمریکایی، تمام این عکاس‌های بزرگ را با عکس‌های مشهورشان در یک قاب قرار داده و از آن‌ها عکاسی کرده است.

همه چیز از سال ۲۰۰۶ شروع شد، وقتی مانتوانی دوربین پولارویدی اجاره کرد که سه پایه چرخ‌داری داشت. مانتوانی می‌گوید: «از آن‌جا که اجاره دوربین گران بود، می‌خواستم از چیزی عکس بگیرم که برایم مهم باشد، و به چند عکاسی که می‌شناختم، زنگ زدم. این پروسه هم برای من و هم برای سوژه‌هایم خاص بود و می‌دانستم دارم کار مهمی می‌کنم؛ کاری که بیننده‌ها هم از عکاس و هم از عکس خوششان بیاید. سپس از آن‌ها خواستم چیزی درباره عکسشان بنویسند. از این‌جا، به عکاسان دیگری نزدیک شدم؛ از کالیفرنیا تا بوستون رفتم، و در دوره‌ای بیش از پنج سال، از ۱۵۰ عکاس با این قالب عکاسی کردم.»



وینسنت لافوره؛ «من و انسان من»



باب گروئن؛ «جان لنون»



هرمان لئونارد؛ «موسیقی‌دان جاز»



دیوید دوبیه؛ «دسته نيزه‌ماهی‌ها»



نیل لایفر؛ «محمدعلی و لیستون»

توماس منگلسون؛ «خرس قهوه‌ای»



Thomas Mangelsen is a professional wildlife photographer and conservationist. He has been awarded numerous awards for his photography, including the Wildlife Photographer of the Year award. He is also a member of the National Geographic Society and the International League of Conservation Photographers.

موری الن مارک؛ «فیل و استادش»



Muriel Nazzari is a professional wildlife photographer and conservationist. She has been awarded numerous awards for her photography, including the Wildlife Photographer of the Year award. She is also a member of the National Geographic Society and the International League of Conservation Photographers.



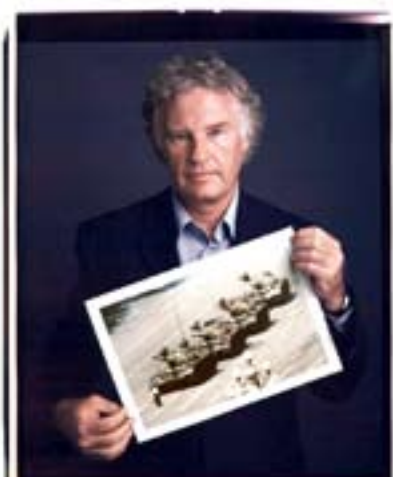
Laila Auerkhan is a professional wildlife photographer and conservationist. She has been awarded numerous awards for her photography, including the Wildlife Photographer of the Year award. She is also a member of the National Geographic Society and the International League of Conservation Photographers.

لایل اوورکو؛ «یازده سپتامبر»



Herry Bensson is a professional wildlife photographer and conservationist. He has been awarded numerous awards for his photography, including the Wildlife Photographer of the Year award. He is also a member of the National Geographic Society and the International League of Conservation Photographers.

هری بنسون؛ «بیتل‌ها»



Jeff Waidner is a professional wildlife photographer and conservationist. He has been awarded numerous awards for his photography, including the Wildlife Photographer of the Year award. He is also a member of the National Geographic Society and the International League of Conservation Photographers.

جف وایدنر؛ «پکن ۱۹۸۹»



Asit Mehta is a professional wildlife photographer and conservationist. He has been awarded numerous awards for his photography, including the Wildlife Photographer of the Year award. He is also a member of the National Geographic Society and the International League of Conservation Photographers.

استیو مک‌کوری؛ «دختر افغان»



Karl Fischer is a professional wildlife photographer and conservationist. He has been awarded numerous awards for his photography, including the Wildlife Photographer of the Year award. He is also a member of the National Geographic Society and the International League of Conservation Photographers.

کارل فیشر؛ «محمدعلی»

اینستاگرام

مانی ساکت

در دنیای امروز خبرها به کسری از ثانیه همه جا می‌پیچد. تا غفلت کنی، می‌شوی یک آدم بی‌خبر! تمام این سرعت نشر خبرها را باید به پای دنیای مجازی گذاشت. حالا چند سالی هست این دنیای مجازی با چیزی به اسم صفحه شخصی مجهز شده است که دست در دست هم گذاشته‌اند و جیب و پوک همه چیز را پرلا می‌کنند. می‌تواند هم خوب باشد و هم بد که ما نمی‌خواهیم وارد این مسائل شویم. می‌خواهیم سوی دیگری از این اتفاق را که انگار خوشایند خیلی‌هاست، ببینیم. هر انسانی برای نمایش علایق و روزمرگی‌های خود نیاز به ابزاری دارد و صفحه شخصی هم این نیازها را بدون زحمتی در اختیار می‌گذارد؛ بدون روتوش یا با روتوش. خلاصه می‌توانی هر آن‌چه را می‌بینی و حس می‌کنی، بدون درنگ به اشتراک گذاری و دوستی را که هزاران کیلومتر از تو فاصله دارد، در آن لحظه و حس شریک کنی. سال‌ها بود که فیس‌بوک و دیگر شبکه‌های مجازی این رسالت را برعهده داشتند. اما انگار اینستاگرام توانسته بر آن‌ها غلبه کند و محبوب‌تر شود. زاک‌برگ، بنیان‌گذار فیس‌بوک، هم از این ماجرا خبردار شد و بخش اعظمی از سهام این پدیده نوظهور را خریداری کرد تا باز خودش را وارد این بازی پرسود کند. عکسی که گرفته می‌شود و با هشتگ مربوط به خودش یا متن کوتاهی شیر می‌شود. می‌توان این استقبال را این‌طور دید که انگار عکس برای ما گویاتر و جذاب‌تر است. ما بیشتر دوست داریم ببینیم تا بخوانیم. در این بین حس کنجکاوی (اسم محترمانه‌ای است...) هم یک دم گریبان ما را ول نمی‌کند و اینستاگرام این فرصت را می‌دهد تا این حس را به‌خوبی تغذیه کنیم. کنجکاوی بودن هم زمانی بیشتر ما را تحریک می‌کند که بخواهیم سر از رازها و لحظه‌های آدم‌های مشهور دریاوریم. دیگر استفاده صفحه شخصی عوض می‌شود و جایش را حتی می‌تواند به اطلاع‌رسانی حرفه‌ای نیز بدهد. یا شاید نقابی باشد بر نقاب‌های بی‌شمار این قشر؛ و اگر بخواهیم خوش‌بین باشیم، برداشتن نقاب و نشان دادن لحظاتی که تمام ما در طول روز تجربه می‌کنیم و آدم‌های مشهور هم این تجربه‌ها را ناگزیر از سر می‌گذرانند. دیگر ما در جهانی یکسان وارد می‌شویم. تا قبل از آن خیال می‌کردم آن‌ها در جهانی خارج از جهان ما زندگی می‌کنند. با غم‌ها و شادی‌هایی که ما هرگز آن را تجربه نخواهیم کرد و تفریحاتی دارند که فقط مختص به خودشان است. ولی اینستاگرام تمام این تصورات را ما باطل می‌کند. دیگر نمی‌شود با جمله‌ای از شکسپیر از دل‌تنگی غروب جمعه گفت. آن‌ها مجبورند برای نشان دادن این دل‌تنگی عکسی را از حال‌وهوایی که در آن این حس را استنشاق می‌کنند، بگذارند، و گرنه قواعد این بازی را رعایت نکرده و بازی را باخته‌اند.

آدم‌های مشهوری در کشور خودمان با تیزهوشی از این فرصت ارتباط نزدیک و بی‌واسطه استفاده کرده‌اند و صفحه‌ای در اینستاگرام ایجاد کرده‌اند که این روزها شده است منبع موثق زندگی خارج از قاب آن‌ها.

به چند نفر از آن‌هایی که بیشترین فعالیت را در اینستاگرام داشته‌اند و به‌خوبی قدرت جادویی آن را درک کرده‌اند، می‌پردازیم. آن‌ها بیشترین توجه را به خود جلب کرده‌اند و بیشترین فالوئر (دنبال‌کننده) را دارند.

فالوئر فالوئر

چه کسانی در اینستاگرام بیشترین طرفدار دارند؟



بهرام رادان

تعداد فالوئر: ۵۵۴ هزار نفر

این بازیگر خوش‌چهره و خوش‌پوش طرفداران بسیاری دارد. عکس‌هایی که در اینستاگرام می‌گذارد هم در جذب طرفدار بی‌تاثیر نیست. عکس‌هایی شیک و حساب‌شده. از طرفی بیشترین لایک‌ها را هم برای عکس‌های کودکی خود گرفته است. بهرام رادان نگاهی هم به مسائل مهم اجتماعی دارد و به گرد و خاک در استان خوزستان با اشتراک گذاشتن عکسی از اهواز واکنش نشان داده است.



علی کریمی

فالوئر: ۲۱۲ هزار نفر

علی کریمی بیشترین استفاده را از صفحه خود در اینستاگرام می‌برد. او خداحافظی خودش را از نیمکت تیم ملی در این صفحه منتشر کرد. یک بار هم زمانی که به تیم ملی به‌عنوان مربی دعوت شد، تمام عکس‌های خود را پاک کرد که گفته می‌شود برای این بوده که بیشتر وقت خودش را در اختیار تیم ملی بگذارد! علی کریمی در یکی از پست‌های خود شعری از سیمین بهبهانی گذاشته است.



مهناز افشار

فالوئر: ۶۹۵ هزار نفر

مهناز افشار همیشه سوژه جذابی برای پرفروش بودن بوده است. امسال دو فیلم از او به جشنواره راه نیافتند و او با گذاشتن عکسی از این فیلم‌ها به نوعی اعتراض نرم (!) کرده است. صفحه شخصی به درد همین وقت‌ها می‌خورد دیگر. مهناز افشار کار عجیبی هم کرده است. او عکسی را که با یکی از طرفدارانش به‌عنوان یادگاری گرفته و البته پرواضح است که بنا به درخواست طرف مقابل بوده، در صفحه خود به اشتراک گذاشته.



الناز شاکردوست

تعداد فالوئر: ۷۹۸ هزار نفر

اینستاگرام الناز شاکردوست هم مثل فیلم‌هایی که بازی می‌کند، طرفدارانی دارد که به حواشی بیشتر دل‌پسته‌اند تا خود متن! در صفحه شاکردوست می‌توان به این نتیجه رسید که برخلاف تصور او سعی در پنهان کردن لحظات روزمره زندگی خود ندارد. از عکس‌های سفر به سوییس تا تبلیغ دستگاه سولاریوم و هویچ بستنی خوردن با عباس آقا(!) را می‌شود در صفحه شخصی این بازیگر مشهور دید.



صابر ابر

فالوئر: ۱۷۵ هزار نفر

شاید تعداد بالایی نباشد، ولی می‌شود لقب فعال‌ترین آدم مشهور در اینستاگرام را به او داد. تقریباً روزی دو پست. عکس‌های ابر بیشتر به اصطلاح هنری هستند تا شخصی. رنگ‌بندی هنرمندانه و نگاه نوستالژیک او باعث شده است طرفداران خاص خودش را پیدا کند. رستوران‌ها و خانه‌هایی با پنجره‌های قدیمی بیشترین توجه را در صفحه صابر ابر به خود جلب می‌کند.



سیروان خسروی

فالوئر: ۵۸۷ هزار نفر

خواننده‌ای که با سبک خاص خودش توانسته با رعایت اصول حرفه‌ای خودش را بالا بکشد، تا جایی که می‌گویند بیشترین درآمد را نسبت به همکاران خود دارد. کنسرت‌هایش همیشه پر است و کم‌رقیب از لحاظ جذابیت. می‌شود در صفحه سیروان خسروی تبلیغ کنسرت‌هایش را نیز دید. باید لقب سلفی‌اندازترین را به او داد. کافی است به اینستاگرامش نگاهی بیندازید.



بهنوش بختیاری

فالوئر: ۸۴۳ هزار نفر

کشف راز محبوبیت این بازیگر سخت‌تر از کشف راز لب‌خند ژکوند است. بهنوش بختیاری انگار خودش را زیاد درگیر آداب و رسوم آدم‌های مشهور نکرده است و تا جایی که اجازه دارد، سعی می‌کند خودمانی و صمیمی باشد. این را می‌شود هم از نوع بازی و هم از عکس‌هایی که در اینستاگرام خود می‌گذارد، فهمید. از معرفی کتاب تا دل‌نوشته و عکس صفحه‌بندی مجله‌اش را می‌توان آن‌جا دید. بدون هیچ ملاحظه محافظه‌کارانه‌ای.



درباره وارن بافت افسانه‌ای از فروش قوطی نوشابه تا تصاحب کارخانه کوکاکولا

آدم‌های ثروتمند بسیاری در دنیا هستند که شیوه زندگی یکسانی دارند؛ قصرهای باشکوه، ماشین‌های لوکس، مسافرت‌های پرخرج، خریدهای میلیونی و کارهایی که هر کسی از میلیاردرها انتظار دارد. اما وارن بافت ۷۴ ساله که جزو ۱۰ ثروتمند دنیا محسوب می‌شود، زندگی جالبی داشته که می‌تواند درس بزرگی برای مشتاقان کار و سرمایه باشد. او توصیه‌هایی برای جوانان دارد که از تجربیات شخصی او نشئت می‌گیرد و برای همین می‌تواند عملی شود. فقط کافی است آن‌ها را باور داشته باشیم. در این شماره قصد داریم مختصری از زندگی‌نامه این مرد افسانه‌ای و توصیه‌هایش را با هم مرور کنیم.

در طول این دوران تفاوت‌هایی بین روند کار گراهام و بافت آشکار شد. بافت می‌خواست بداند که چگونه یک شرکت در بین رقبا به برتری دست می‌یابد و بن به دنبال اعداد و ارقام بود. هم‌چنین وارن مدیریت شرکت را عاملی مهم در سرمایه‌گذاری می‌دانست؛ اما گراهام صرفاً به ترازنامه و صورت درآمد و سود و زیان شرکت اهمیت می‌داد و به نوع رهبری و مدیریت شرکت کمتر توجه می‌کرد. بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۶ وارن سرمایه‌گذاری شخصی خود را از ۹/۸۰۰ دلار به ۱۴۰/۰۰۰ دلار رساند.

تحلیل‌گر بزرگ معروف شد. او به دلیل بی‌خطر بودن سهام‌های ارزان، به دنبال آن‌ها بود. در سال ۱۹۵۴؛ بن گراهام، استاد دانشگاه بافت و سرمایه‌گذار مشهور، از او دعوت کرد تا با حقوق سالانه ۱۲۰۰۰ دلار برایش کار کند. سرانجام وارن بعد از مدت‌ها انتظار به آن‌چه می‌خواست، رسید. بافت و همسرش در حومه شهر نیویورک خانه‌ای اجاره کردند. بافت روزها به تجزیه و تحلیل گزارش‌ها و تحقیق در زمینه‌های موفقیت در سرمایه‌گذاری می‌پرداخت.

وارن ادوار بافت، مشهور به دانشمند اوماها، در ۳۰ اوت ۱۹۳۰ در اوماهای ایالت نبراسکا در ایالات متحده آمریکا متولد شد. پدرش، هاوارد، در ابتدا دلال سهام شرکت‌ها بود و بعد نماینده کنگره شد. او تنها پسر خانواده و دومین فرزند از سه فرزند بود. او در کودکی در زمینه پول و تجارت استعداد شگفت‌انگیزی از خود نشان داد. سوابق او و توانایی‌هایش در محاسبه دقیق اعداد در ذهن خود، هنوز هم همکاران تجارانش را متحیر می‌کند. بافت در شش سالگی، شش جعبه کوکاکولا به قیمت ۲۵ سنت از مغازه پدر بزرگش خرید و هر بطری را به ازای یک سکه پنج سنتی فروخت؛ در حالی که کودکان هم‌سن‌وسال او روی چمن لی‌لی و بولینگ بازی می‌کردند.

در سال ۱۹۴۳، بافت به دلیل گرفتن مالیات ۳۵ دلاری برای دوچرخه‌اش، به اداره مالیات اعتراض کرد و سرانجام موفق شد مالیات ۳۵ دلاری دوچرخه‌اش را حذف کند. در سال ۱۹۴۷ در ۱۷ سالگی از دبیرستان وودرو ویلسون در واشنگتن دی‌سی فارغ‌التحصیل شد. در دوران دانش‌آموزی‌اش ۵۰۰ دلار روزنامه توزیع کرد. (با احتساب نرخ تورم این مقدار معادل ۴/۲۶۱/۰۸۱ دلار در سال ۲۰۰۰ است). پدرش تمایل زیادی داشت تا وارن برای ادامه تحصیل به دانشکده علوم اداری و بازرگانی دانشگاه پنسیلوانیا برود. بافت دو سال به دانشگاه نفت و عقیده داشت بیشتر از استادها می‌داند! وقتی پدرش، هاوارد، در مبارزات مجلس شکست خورد، وارن به خانه‌شان در اوماها برگشت و برای ادامه تحصیل به دانشگاه نبراسکا رفت. با وجود کار تمام‌وقت، تنها در مدت سه سال موفق شد دوره لیسانس را در این دانشگاه بگذراند و فارغ‌التحصیل شود. با وجود سرسختی و مقاومت زیاد، بالاخره راضی شد تا در سال ۱۹۵۱ وارد دانشکده علوم اداری و بازرگانی شود، ولی دانشگاه به دلیل سن کم بافت او را نپذیرفت و او مجبور شد برای دوره فوق لیسانس رشته اقتصاد به دانشگاه کلمبیا برود.

آن‌جا سرمایه‌گذاران مشهوری همچون بن گراهام، که بافت زندگی و موقعیت‌های اقتصادی آینده خود را مدیون او می‌داند، و دیوید دود، تدریس می‌کردند؛ تجربه‌ای که زندگی بافت را برای همیشه تغییر داد.

بن گراهام در طول دهه ۱۹۲۰ به دلیل داشتن تفکرات نو در زمینه بازار سهام، خیلی زود به‌عنوان یک سرمایه‌گذار و





در اوایل می ۱۹۵۶ او با خواهرش دوریز و عمه الیس به سرمایه‌ای به ارزش ۱۰۵/۰۰۰ دلار شریک شد. او ۱۰۰ هزار دلار در Buffet Association Ltd سرمایه‌گذاری کرد. قبل از پایان سال سرمایه او به ۳۰۰/۰۰۰ دلار رسید و یک خانه گچ‌کاری‌شده با پنج اتاق خواب به قیمت ۳۱/۵۰۰ دلار در خیابان فارنام خریداری کرد که آن را حماقت بافت نامید.

در اواخر همان سال او فرصت پیدا کرد تا شرکتی به نام seescandy به مبلغ ۲۵ میلیون دلار بخرد. این خرید بزرگترین سرمایه‌گذاری برک شایرهای وی بود. بعد از چندین سرمایه‌گذاری دارای خالص او افزایش پیدا کرد. در فاصله سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ ارزش هر سهم برک شایر از ۲۰ دلار به ۹۵ دلار رسید. در طول این دوره بافت که صاحب ۲۹ درصد از سهام برک شایر بود، توانست ۱۴ درصد دیگر از سهام شرکت را بخرد و سهام او و همسرش که سه درصد از سهام را داشت، به ۴۶ درصد رسید. در سال ۱۹۷۳ بافت سهام شرکت واشنگتن پست را خرید. این کار او سبب شد تا کاترین گراهام سرپرست روزنامه و نشریات شرکت و هم‌چنین عضو هیئت مدیره شود.

در سال ۱۹۹۸، بافت بیش از هفت درصد سهام شرکت کوکاکولا را به قیمت ۱/۲ میلیارد دلار خرید. او در ۱۹۸۹، به مبلغ ۹/۷ میلیون دلار هواپیمای جتی برای شرکت خرید، اما به دلیل انتقادهایی که خود او در گذشته از مدیرعاملان شرکت‌های دیگر برای چنین خریدهایی کرده بود، این عمل را توجیه‌ناپذیر دانست. در سال ۱۹۶۹ گروه کارسون، بافت را به‌عنوان پول‌دارترین مدیر قرن بیستم معرفی کردند. او هم‌چنین در سال ۲۰۰۲ به میزان ۱۱ میلیارد دلار برای قراردادهای سلف سرمایه‌گذاری کرد تا دلار آمریکا را در برابر دیگر پول‌های در گردش نجات دهد. سود بافت از این معامله دومیلیارد دلار بود. او موفق شد با سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که سهام آن‌ها به ارزش واقعی خود نرسیده بودند، هر روز به ثروت خود بیفزاید و لقب یکی از ثروتمندترین مردان تاریخ را از آن خود کند. که با اتکا به توانایی‌های خود به این‌جا رسیده است. در ژوئن ۲۰۰۶ بافت اعلام کرد که بیش از ۷۰ درصد ثروت خود، یعنی ۳۷ میلیارد دلار از ۵۲ میلیارد دارایی خویش را به صورت کمک‌های سالانه به بزرگترین موسسه خیریه جهان، موسسه بیل و ملیندا گتس می‌بخشد تا در امور خیریه صرف شود.

بافت به زمان خرید هم توجه دارد. او نمی‌خواهد در کارهایی که ارزش مشخصی ندارند، سرمایه‌گذاری کند. او منتظر کسادی و اصلاح بازار می‌ماند تا کالاهای مطمئن و هم‌چنین سهام شرکت‌های مطمئن را با قیمت منطقی (پایین) خریداری کند، زیرا کسادی و رکود بازار سهام، فرصت خرید ایجاد می‌کند.

هر گاه در بازار، احتکار رایج باشد، بافت محافظه‌کار می‌شود و هر گاه سایرین نگران سرمایه خود باشند، بافت پرتکاپو می‌شود. این استراتژی دوگانه و متضاد، سبب شده تا شرکت بافت به پیشرفت جهانی برسد و خسارت مهم قابل توجهی به این شرکت وارد نشود. البته انتقادهایی نیز وجود دارد که برک شایر در طول این دوران فرصت‌های خوبی را از دست داده است. بافت معتقد است که سرمایه‌گذار در خرید سهام باید به گونه‌ای آن شرکت را مورد بررسی قرار دهد که گویی می‌خواهد تمامی شرکت را بخرد.

دو قانون وارن بافت:

اول، پول سهام‌دارانتان را نسوزانید.
دوم، قانون اول را فراموش نکنید!

■ اگر تنها یک درصد انسان‌ها خوش‌شانس باشند، شما حتما خود را در ۹۹ درصد باقی‌مانده قرار می‌دهید.

■ همیشه می‌دانستم که ثروتمند می‌شوم، حتی یک لحظه هم به آن شک نکردم.

■ همان‌طور که سرمایه برک شایر به‌شدت رشد می‌کند، جهان سرمایه‌گذاری با همان سرعت می‌تواند بر نتایج کار ما اثر گذارد، پس بررسی بیشتری نیاز داریم و باید با استفاده از هوشمندی، برنامه و نقشه‌ای طرح کنیم. البته استفاده از هوش و تفکر زیاد، نه فقط چند لحظه تفکر، پس هر سال می‌توانیم یک طرح خوب اجرا کنیم. (این تفاوت من است).

■ رایج‌ترین دلیل پایین بودن قیمت سهام شرکت‌ها این است: بدبینی عام و خاص به شرکت یا صنعت. قصد داریم تا تجارت را در چنین محیطی انجام دهیم؛ البته نه به خاطر طرفداری از بدبینی، بلکه به دلیل علاقه به چنین قیمت‌هایی. بدبینی، یکی از دشمنان یک خریدار منطقی است.

■ به دست آوردن موفقیت در سرمایه‌گذاری به ضریب هوش بستگی ندارد. پس برای بررسی مباحثی که مردم در طول سرمایه‌گذاری با آن روبه‌رو می‌شوند، با ضریب هوشی بالای ۲۵ درصد یا متوسط هم تنها به یک روحیه عالی نیاز دارد.

■ زمان، دشمن تجارت ضعیف و دوست تجارت قوی است. چنان‌چه شما ۲۰ تا ۲۵ درصد سود از سرمایه خویش به دست آورید، زمان دوست شماست، اما اگر بازده تجارت شما پایین‌تر بود، زمان دشمن شماست.

■ دنبال سرمایه‌گذاری در بزرگ‌ترین تجارت‌های جهان هستیم. موفقیت از آن من است. اگر موقعیت آن برسد، باید جای خود بایستید و منتظر پرتاب به نقطه‌ای باشید که آن را دوست دارید. ممکن است بقیه رقبا در خواب باشند، در آن هنگام می‌توانید در راستای هدف خویش راحت گام بردارید.

■ بازار سهام یک بازی بیسبال و بولینگ نیست؛ نباید بر همه چیز چیره شوید. می‌توانید منتظر پرتاب باشید. مشکل اساسی مربوط به زمانی است که شما مدیر مالی هستید، یعنی زمانی که طرفداران داد می‌زنند: «پرتاب کن.» و شما در این هنگام باید محکم و استوار و بدون دخالت احساس، کار خود را انجام دهید.

■ اگر بازارها همیشه موثر باشند، پس من حالا می‌بایست یک ولگرد کاسه به دست باشم.

■ قانون شماره ۱، هرگز از سرمایه کم نکن. قانون شماره ۲، قانون اول را هرگز فراموش نکن.

■ خرید سهام یک شرکت معمولی با قیمت نسبتاً پایین بهتر از خرید یک شرکت متوسط با قیمت بالاست.

■ باوجود بیمه هیچ محدودیتی برای حماقت و اشتباه وجود ندارد.

■ اگر تجارت یک شرکت خوب عمل کند، به دنبال آن سهام شرکت نیز از آن پیروی می‌کند.

■ برای به دست آوردن شهرت به ۲۰ سال زمان نیاز است و برای تخریب آن تنها پنج دقیقه زمان لازم است.

■ هرگاه از بافت سوال شده است که چگونه در زمینه سرمایه‌گذاری موفق شدی؟ او پاسخ داده است: هر سال صدها و صدها گزارش سالانه شرکت‌ها را خوانده‌ام.

■ هرگز چیزی نمی‌خرم مگر این‌که بتوانم براساس استدلال و منطق خویش قیمت درست را پرداخت کنم. باوجود آگاهی از اشتباه خویش راحل آن را می‌دانم. در حال حاضر ۳۲ میلیارد دلار به شرکت کوکاکولا پرداخت کرده‌ام، به این دلیل که...؟ اگر نتوانید به این سوال پاسخ دهید، پس قادر به خرید آن نیستید و اگر نتوانستید در طول چند دقیقه از عهده آن برآیید، می‌توانید.

تحصیلات و مدارک علمی:

تحصیل در دانشگاه نبراسکا
فوق لیسانس رشته اقتصاد در دانشگاه کلمبیا

مسئولیت و مقام‌ها:

تدریس در دانشگاه
تأسیس موسسه سرمایه‌گذاری بافت

رئیس برکشایر هاتاوی

تحلیل‌گر اوراق بهادار در شرکت گراهام نیومن
فروشنده سرمایه‌گذار در شرکت بافت - فالک
شریک عمومی شرکت بافت

هرگز چیزی نمی‌خرم مگر این‌که بتوانم بر اساس استدلال و منطق خویش قیمت درست را پرداخت کنم. باوجود آگاهی از اشتباه خویش راحل آن را می‌دانم. در حال حاضر ۳۲ میلیارد دلار به شرکت کوکاکولا پرداخت کرده‌ام، به این دلیل که...؟ اگر نتوانید به این سوال پاسخ دهید، پس قادر به خرید آن نیستید و اگر نتوانستید در طول چند دقیقه از عهده آن برآیید، می‌توانید.

افتخارات:

در رتبه‌بندی فوربس در سپتامبر سال ۲۰۰۸ میلادی، به‌عنوان ثروتمندترین مرد جهان شناخته شد.

در سال ۱۹۶۹ گروه کارسون، بافت را به‌عنوان پول‌دارترین مدیر قرن بیستم معرفی کردند.

در سال ۲۰۰۷ نامش به‌عنوان یکی از ۱۰۰ فرد پرنفوذ جهان در مجله تایمز به چاپ رسید.

سخنان جالب و مفید وارن بافت:

■ سال‌ها پیش اسحاق نیوتن سه قانون حرکت را کشف کرد که بسیاری از پیشرفت‌های دنیا در تکنولوژی و صنعت مدیون آن است و از بهترین کارهای اوست، اما هیچ‌کس روی هوش و استعداد نیوتن سرمایه‌گذاری نکرد! ما می‌توانیم حرکت ستاره‌ها را محاسبه کنیم، اما دیوانگی انسان‌ها را هرگز. اسحاق دچار سانحه شد و در کشف قانون چهارم ناکام ماند. به نظر سرمایه‌گذاران، افزایش حرکت با کاهش سود همراه است.

مکان‌هایی که قبل از مرگ باید به آن‌جا سفر کنید جاذبه مرگبار!

سفر برای رفع کسالت و خستگی است. پر است از تجربه‌هایی که در سکون به دست نمی‌آید. مکان‌هایی در دنیا وجود دارند که شاید فقط در قصه‌ها به آن‌ها برخورد کرده باشیم، ولی باید بگوییم وجود دارند. سالانه هزاران توریست از این مکان‌ها بازدید می‌کنند.



آکواریوم یخی در کسنوما در ژاپن

موجودات آبی که یخ زده‌اند. شاید غم‌انگیز باشد، ولی در شهر کسنوما ۴۵۰ گونه مختلف از موجودات دریایی در قالب‌های یخی بزرگی به صورت منجمد وجود دارد که با نورهای سرد تزیین شده است و سالانه هزاران نفر از این صحنه غم‌انگیز دیدن می‌کنند.



رستوران زیردریایی، جزیره رنگالی در کونراد مالدیو

تجربه غذا خوردن، آن هم پنج متر زیر آقیانوس، تجربه‌ای عجیب و بکر است که به همین راحتی‌ها نمی‌توان به آن رسید. رستوران ایتا طوری طراحی شده است که انگار در یک آکواریوم بزرگ هستید. در این رستوران غذاهای بومی مالدیو و غربی ارائه می‌شود. ایتا در زبان محلی یعنی مروراید.

روستای اسکیمو در وسط جنگل در فنلاند

زندگی کردن در خانه اسکیموهایی که فقط در فیلم‌ها آن‌ها را دیده‌ایم، می‌تواند هیجان‌انگیز باشد. سقف این خانه‌ها شیشه‌ای است و هیچ‌وقت یخ نمی‌زند تا ما بتوانیم اگر شانس داشتیم، درحالی‌که روی تخت دراز کشیده‌ایم، شفق قطبی را هم ببینیم.



استخر شنای شیطان، آبشار ویکتوریا در آفریقا

سلفی انداختن درحالی‌که در لبه آبشاری در حال سقوط هستید، می‌تواند هزاران لایک بخورد. پس اگر به زیمبابوه سفر کردید، شانس شما کردن در این استخر طبیعی را از دست ندهید.



رستوران آبشار، ویلا اسکودرو در فیلیپین

در فاصله‌ای نزدیک به آبشار و بر میزهایی از جنس چوب بامبو نشسته باشی و از غذاهای محلی آن منطقه میل کنی و پاهایت در آب زلال باشد... چه چیز دیگری از زندگی می‌خواهید؟





موفقیت

بچه پول دارهای مشهور

این فهرست نشان می‌دهد برای پول‌دار شدن سن و سال مهم نیست. فقط کافی است کمی خلاقیت به خرج داد و از ایده‌ها استفاده کرد و از شکست نترسید.

۲۳ ساله‌ای با ۵/۱ میلیارد دلار درآمد

اکثر کسانی که با رایانه کار می‌کنند، با سایت فیس‌بوک آشنا هستند. خوب است بدانید که موسس این سایت یک پسر جوان به نام مارک البوت زوکربرگ است. طبق اعلام مجله فوربس، این فرد جوان‌ترین میلیاردر در سال ۲۰۰۸ میلادی است. او در یک خانواده معمولی متولد شده و پدرش نیز دندان‌پزشک بود. مارک همواره تلاش می‌کرد برنامه‌های مناسبی برای رایانه بنویسد و طراحی کند. او برای ادامه تحصیل به دانشگاه هاروارد رفت. او در خوابگاه فرصت زیادی برای فکر کردن داشت و تصمیم گرفت به قصد رسیدن به شهرت و بعد هم ثروت، یک سایت عمومی طراحی کند. این ایده درون همان خوابگاه عملی و سایت فیس‌بوک متولد شد. زوکربرگ به همراه هم‌اتاقی‌هایش به نام‌های داستین موسکویس و اندرو مک‌کالوم سایت را به تکامل رساندند. به گفته کارشناسان، درآمد سالانه زوکربرگ حدود ۵/۱ میلیارد دلار برآورد می‌شود. او در ابتدا یک سایت برای دانشگاه هاروارد به نام «فیس‌مش» طراحی کرد که دانشجویان دانشگاه می‌توانستند در این سایت حاضر شوند و با یکدیگر گفت‌وگو داشته باشند و این ایده بعداً سراسری شد.



پول‌دار شدن با جست‌وجو

نفر اول فهرست میلیاردرهای جهان را کمتر کسی است که نشنیده باشد. او لری پیج، موسس موتور جست‌وجوگر گوگل، است و با درآمد خالص ۶/۱۸ میلیارد دلار در رده اول فهرست میلیاردرهای جوان و نفر پنجم ثروتمندان جهان قرار می‌گیرد. تحصیل در دانشگاه استنفورد و فارغ‌التحصیلی در رشته مهندسی رایانه به انجام فعالیت‌های درآمدزا خیلی کمک کرده است. در سال ۱۹۹۸ که گوگل گسترش یافت، تصور نمی‌شد ثروت عظیمی را به دنبال داشته باشد. اما گفت‌وگوهای دوجانبه لری با دوست روسی‌اش، سرگئی برین، موجب پیشرفت گوگل شد. ضمن آن‌که این فرد باهوش، با به‌عبارتی زرق، از درآمد گوگل در فعالیت‌های تجاری نیز سرمایه‌گذاری می‌کند.



۵/۱ میلیارد دلار درآمد از خورشیدی



ژائو فینگ پنگ یک میلیاردر جوان است که ثروتش بالغ بر ۵/۱ میلیارد برآورد می‌شود. نردبان موفقیت او در مسیر رسیدن به ثروت، انرژی خورشیدی است. آقای پنگ ۳۴ ساله، همواره در صدد انجام کاری برای رسیدن به ثروت بود. او پس از مدت‌ها فکر، به این نتیجه رسید که باید در زمینه‌ای بی‌پایان و تمام‌نشده سرمایه‌گذاری کرد. به نظر او کار در حوزه انرژی تجدیدشونده مانند انرژی خورشیدی بهترین روش دستیابی به ثروت بود. او در سال ۲۰۰۵ میلادی یک شرکت در زمینه تولید صفحات خورشیدی را که انرژی آفتاب در آن ذخیره می‌شد، تأسیس کرد. تولید انبوه و ارزان آن، همچنین رغبت کشورها به استفاده از انرژی بی‌پایان، موجب شد که کار آقای پنگ سرعت بگیرد. موفقیت او هنگامی تضمین شد که در سال ۲۰۰۷ شرکت او در سطح بین‌الملل پذیرفته شد. فینگ در حال حاضر یک شرکت بزرگ دارد که نزدیک به ۱۲ هزار نفر از مردم چین در آن مشغول به کار هستند. با این حال و بیش از گذشته آقای پنگ در حال گسترش شرکتش است. در سال جدید نیز یک قرارداد ۲۲۰ میلیون دلاری برای تولید صفحات خورشیدی بسته است.

تجارت نفت در رایانه

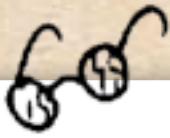
جان آرنولد مثل دیگر جوان‌ها نبود، بلکه تلاش می‌کرد همواره از سنش جلوتر باشد. او اینک در فهرست میلیاردرهای جوانی که با ابتکار شخصی به ثروت رسیده‌اند، قرار دارد. ثروت او را بالغ بر ۵/۲ میلیارد دلار تخمین می‌زنند. پدر جان یک مشاور حقوقی و مادرش یک حسابدار بود. او از دانشگاه «واندر بیل» فارغ‌التحصیل شده و سپس به استخدام شرکت تجاری «انرون» درآمد و زمانی که ۲۷ ساله بود، همکاری‌اش را با این شرکت آغاز کرد. کار او فروش نفت از طریق اینترنت بود. با ابتکارانی که جان به کار گرفت، توانست در سال ۲۰۰۱ فروش شرکت را به ۷۵۰ میلیون دلار برساند. این امر باعث شد به عنوان بازرگان بین‌المللی شناخته شود و شرکت هم به او هشت میلیون دلار پاداش داد. یک سال بعد جان از این شرکت بیرون آمد و به هوستون تگزاس رفت و شرکت خودش را بنیان گذاشت. او هشت میلیون پاداش را دست‌مایه تأسیس شرکت جدید کرد و به سرعت به جرگه میلیاردرهای جوان پیوست.



کسب ثروت از زمین

سمیر گیلاوت ۳۴ ساله با درآمدی که دارد، در رده چهل و پنجمین ثروتمند هند قرار می‌گیرد. او دارای ۲/۱ میلیارد دلار ثروت است. سمیر در سال ۲۰۰۰ شرکت «ایندیا بولز» را افتتاح کرد. این شرکت که در زمینه فروش املاک فعال بود، در ابتدا برای کارهایش فقط حق دلالتی دریافت می‌کرد. اما شرکت به سرعت پیشرفت کرد و تبدیل به یک موسسه مالی معتبر شد. این شرکت به بهترین نحو سرمایه‌های سرازیر شده را به سمت خرید زمین‌های مرغوب و با درآمد بالا، هدایت می‌کرد. سمیر در رشته مهندسی مکانیک با رتبه بالا در سال ۱۹۹۵ از دانشگاه دهلی فارغ‌التحصیل شد، سپس به آمریکا رفت و برای شرکت هالیبرتون کار کرد. با کسب تجربه به هند برگشت و شرکت خودش را راه‌اندازی کرد. زمانی که شرکتش را بنیان می‌گذاشت، ۲۶ ساله بود.





یک فنجان چای

sargarmi.kharazm@gmail.com

خوانندگان گرامی مجله در این دو صفحه شما را دعوت می‌کنیم. تا ضمن سرگرم شدن با یافتن پاسخ‌های مربوطه در قرعه کشی جایزه‌ای نفیس شرکت کنید. با حداقل جواب دادن به سه تا از سرگرمی‌های این صفحه اسم خود را در گردونه شانس قراد دهید. در ضمن پاسخ‌های خود را تا تاریخ ۲۰ فروردین ۹۴ به آدرس ای میل صفحه ارسال کنید. همراهان گرامی جواب کلیه سرگرمی‌ها را هم در شماره آینده و خارزم مشاهده خواهید کرد.



چپستان

- زن وشوهری هفت پسر دارند و هر پسر یک خواهر این خانواده چند نفرند.
- آن چپست سخت است ولی سنگ نیست تخم می‌گذارد و مرغ نیست چهارپا دارد و سگ نیست.
- چه پرنده‌ای است اگر نامش را برعکس کنیم نام پرنده دیگری می‌شود.
- بالای آن جای حساب است، پایین آن بازی تاب است.
- آن چپست قبابی زرد در بر دارد. تلخ است ولی طعمی چو شکر دارد زرد است و معطر آید به مشام. با هزاران سوار می‌گردد.
- آن کدام سه است که هرگز چهار نمی‌شود.



بازی شطرنج



سفید شروع و در دو حرکت مات می‌کند.



برای شرکت در مسابقه جداول شرح در متن و جدول متقاطع فقط کافیست حروف داخل کادرهای قرمز را برای ما ارسال کنید و نیازی به پیدا کردن کلمه رمز نیست.



شماره سیزدهم - فروردین ۱۳۹۴

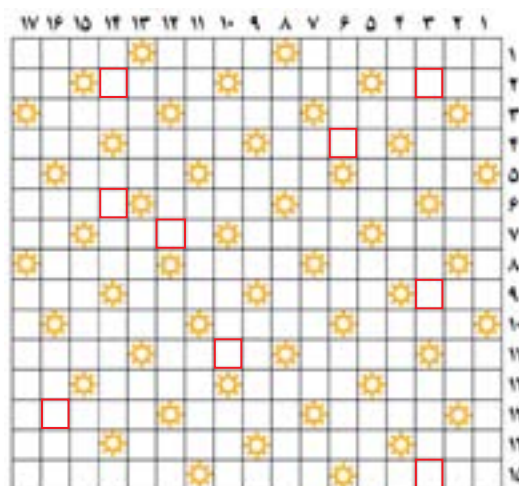
۵۸

عمودی

- گروه مسلحی که در مراسم تشریفاتی شرکت کنند- رهی- از توبه استان هرمزگان ۲- قورباغه درختی- رقص هنری- ورزش مفرح - دست ۳- نابودی- واحد درخت- شهری در خوزستان ۴- پرستار- هوای باران‌زا- سمت چپ ۵- سیم برق روکش دار و پر رشته- غذایی ساده- خالص، ناب ۶- نبی- رودبار- دانای علم و ادب ۷- گفت وگویی خودمانی- کوزه‌گر- ارايه- حرف آخر ۸- برقرار، معمور- چوب، تخته- مزاد ائمه ۹- زنان- بیهوده- شادمانی و خوشی ۱۰- واژگون- فصل سبز- از رنگ‌های اصلی ۱۱- یقین- موجب شفا - اسب بارکش ۱۲- قرمز انگلیسی- گوش‌خراش- قطعات اضافی جایگزین قطعه خراب ۱۳- همدم- رتبه- سوک ۱۴- پول فلزی- جوان- گرفتگی زبان ۱۵- گرینده امواج رادیویی تولویزون- شارب- بانگ ۱۶- میوه ای استوایی- مرکور- نام طایفه‌ای از مردم قزوين ۱۷- چهره شطرنجی- درخشان- دگرگون شده

افقی

- مخترع ماشین چاپ- میوه تازه به بازار آمده- امپراطور مشهور روم باستان ۲- بزرگتر- امتنان- مترسک- رفیق- سوزن ۳- شهری در آذربایجان شرقی خانم- بخشنده و کریم ۴- ظرف پلاستیکی- حرف اول یونانی- پر بها- رودخانه ۵ بازآمدن- پادشاه- خویشی ۶- مخترع تلفن- آشوب- کم- دلخوری ۷- غذای ظهر- محل لشکر- کشوری پادشاهی در آسیا- پول زاین ۸ شکارچی- پیشوا- موش خورما ۹- سراسر- ملخ دریایی- خجوراک خرگوش- قیمت ۱۰- ستاره آخر فصل گرما- شهری در ترکیه- شهر قدیم و جدید هندوستان ۱۱- حرف صریح- از صفات خداوند- انبار- قلعه‌ای که روی کوه باشد ۱۲- خانه یلاقی- پارچه اریشمی رنگین- محفوظ، مصون- بخل ورزیدن ۱۳ نوع پنجره مشبک- از شیرینی‌های شهر یزد- پایتخت کشور کانادا ۱۴- طایفه- فصل بهار- لوله آزمایشگاه- جانوی شبیه سوسمار دارای نیشی زهردار ۱۵- مونت ندیم- رام - مجاور



جدول متقاطع





در تصویر زیر چهره‌های پنهان را پیدا کنید.



13837

عدد سیزده هزار و هشتصد و سی و هفت ضربدر رقم سن شما ضربدر عدد هفتاد و سه

۷۳ × سن شما ۱۳۸۳۷ × با امتحان کردن ضرب فوق و مشاهده نتیجه حاصل حتما شگفت زده خواهید شد



مردی که در طبقه دهم ساختمانی زندگی می کند صبح ها پس از خروج از آپارتمان خود با آسانسور به پایین رفته و به سر کار خود می رود و در بازگشت از کار اگر آن روز بارانی بوده و یا اینکه اشخاص دیگری نیز در آسانسور باشند، مستقیما به طبقه دهم باز می گردد. در غیر اینصورت او به طبقه هفتم رفته و سه طبقه باقی مانده را پیاده بالا می رود تا به آپارتمان خود برسد. می توانین دلیلش رو پیدا کنین؟



از صفر تا صد چند تا ۹ وجود دارد؟

$$\sqrt{x} = 4$$



جدول سودوکو به جدول ژاپنی که بهش جدول اعداد متقاطع هم گفته میشه. این جدول به جدول مربعی شکله که از ۹ سطر

	1		7		2	
7		2		4		8
	8		2		1	
		4		9		6
8			6	2		3
	9			4	5	
		9		5		8
5			4		7	1
	2		8		5	

و ۹ ستون تشکیل شده. از طرفی به ۹ تا مربع مساوی هم تقسیم شده بطوریکه اون مربع های ۳ در ۳ داخلی تو دل مربع اصلی قرار دارن که بهشون بلوک گفته میشه. قانون های این بازی شامل ۴ شرط اصلی و ساده :

- ۱- همه سطر و ستون ها شامل اعداد بین ۱ تا ۹ باشه.
- ۲- تو هیچ سطر و عدد تکراری نباشه.
- ۳- تو هیچ ستونی عدد تکراری نباشه.
- ۴- تو هیچ بلوکی عدد تکراری نباشه ...

قاب طنز



همان طور که از اسم این ستون پیداست. اینجا اختصاص دارد به عکس های بامزه و جالب. این ستون محلی است برای شما خوانندگان عزیز مجله که عکس های بامزه خود را از سوژه های مختلف، اتفاقات پیرامون و هر چیز دیگری که شما فکر می کنید جذابیت دارد، برای ما بفرستید تا ما هم با اسم خودتان در این ستون چاپ کنیم. پس منتظر چی هستید همین الان دست به کار شوید، دوربین موبایل خود را روشن کنید و از سوژه های جالبی که در اطرافتان اتفاق می افتد عکاسی کنید و برای ما بفرستید. ما هم به بهترین عکس ها با نظر خود شما خوانندگان جایزه می دیم. چی از این بهتر!

پی نوشت: دقت داشته باشید که عکس هایی که برای ما می فرستید حتما کار خود و یا یکی از اطرافیانان باشد و از فرستان عکس های اینترنتی خوداری کنید.



۵۹

شماره سیزدهم - فروردین ۱۳۹۴

پیشی جونم چند تا انگشت داری؟



بیاری؟! پیشی کوچولو هم گفت: «آوردم دیگه!»
ریحانه دو تا از انگشتهای دستش را قایم کرد و گفت: «نه خیر پیشی کوچولو حواس پرت! این قدر کاغذ آوردی.»
پیشی کوچولو هم عصبانی شد و همه انگشتهای دستش را به ریحانه نشان داد و گفت: «ریحانه خانم بد اخلاق! من این قدر کاغذ آوردم.»

ریحانه انگشتهای پیشی کوچولو را نگاه کرد. بعد انگشتهای خودش را نگاه کرد. بعد دوباره انگشتهای پیشی کوچولو را نگاه کرد و گفت: «یک... دو... سه چهار... حالا اون یکی دست... پنج... شش...»



ریحانه دراز کشید روی زمین و گفت: «فکر کنم انگشت‌های ما با هم فرق داره!»
پیشی گفت: «مثل گوش هامون!»
ریحانه گفت: «آره! مثل موهامون!»
پیشی گفت: «مثل چشم هامون!»
ریحانه گفت: «آره! مثل دماغ هامون!»
پیشی گفت: «مثل... مثل... دم هامون!»
ریحانه گفت: «آره! ولی ما دوستیم.»
پیشی کوچولو از زیر میز بیرون آمد و گفت: «خیلی هم دوستیم، پس بیا بازی!»



وقتی ریحانه از مهد کودک برگشت، پیشی کوچولو گفت: «ریحانه جون! بیا بازی!»
ریحانه انگشتهای دو تا دستش را به پیشی کوچولو نشان داد و گفت: «پیشی جون! فردا بازی بکنیم؟ آخه امروز باید این همه نقاشی بکشم.»
پیشی کوچولو گفت: «منم بکشم؟»
ریحانه گفت: «آره! بدو ده تا کاغذ بیار.»
پیشی کوچولو بدو رفت توی اتاق. اما یادش رفت ریحانه چند تا کاغذ می‌خواست. برای همین انگشتهای دو تا دستش را شمرد و به اندازه‌ی انگشتهایش برای ریحانه کاغذ برد.
ریحانه با مداد روی کاغذها سیب و درخت و ماهی و گل و کلی چیزهای قشنگ قشنگ دیگر کشید. پیشی کوچولو هم برای همه‌ی نقاشی‌های ریحانه چشم چشم دو ابرو گذاشت؛ بعد هم با مداد رنگیهایشان همه نقاشیها را رنگ کردند.
وقتی رنگ کردنشان تمام شد، نقاشیهایشان خیلی خیلی قشنگ شده بود. ریحانه هم دو تا دستش را به پیشی کوچولو نشان داد و گفت: «آخ جون! فردا این قدر هزار آفرین میگیرم.»

پیشی کوچولو هم برایش دست زد و گفت: «آفرین ریحانه جون جون!»
فردا که شد، ریحانه نقاشیهایش را برداشت و رفت مهد کودک. پیشی کوچولو هم توی خانه منتظر ریحانه ماند تا برگردد و با هم بازی کنند. ولی وقتی ریحانه برگشت، کلی اخم کرده بود. پیشی کوچولو گفت: «چرا به من اخم کردی همه‌اش؟»
ریحانه گفت: «چون که دو تا هزار آفرین ندارم.»
پیشی کوچولو گفت: «اصلا به من چه؟»
ریحانه همه انگشتهایش را به پیشی کوچولو نشان داد و گفت: «من به تو نگفتم این قدر کاغذ

هفت... هشت... اِه چرا دو تا انگشت نیست؟»
پیشی کوچولو گفت: «من که از اول این قدر انگشت داشتم.»
ریحانه انگشتهای دست خودش را به پیشی کوچولو نشان داد و گفت: «نمی‌شه که! باید این قدر انگشت داشته باشی!»
پیشی کوچولو انگشتهای ریحانه را نگاه کرد و گفت: «یک... دو... سه... چهار... پنج... اون یکی دست رو بده... شش... هفت... هشت... نه... ده... اِه اشتباهی شمردم!»
ریحانه گفت: «نه، من از اولش هم ده تا انگشت داشتم.»
پیشی کوچولو رفت زیر میز و گفت: «ببخشید! انگشت‌های من کمتر خبا!»

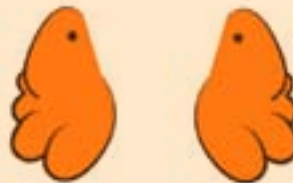


کار دسته

نیلوفر نیک‌بنیاد

جوجه دوست داشتنی

۱. برای درست کردن این جوجه‌ی دوست‌داشتنی وسیله‌ی خاصی لازم نیست. فقط باید یک ورق کاغذ، یک قیچی و کمی چسب (یا سوزن ته‌گرد) داشته باشید.



۲. شکل بدن و پره‌های کاکل جوجه را روی یک کاغذ بکشید و رنگ کنید. با قیچی دور آن را ببرید.

۳. پاهای جوجه و بال‌هایش را هم جداگانه روی کاغذ بکشید، رنگ کنید و با قیچی ببرید. (می‌توانید هر کدام از مدل بال‌هایی را که دوست دارید، انتخاب کنید).

۴. حالا پاها و بال‌ها را مثل تصویر، به بدن جوجه بچسبانید. اگر به جای چسب از سوزن استفاده کنید، پاها و بال‌های جوجه‌تان راحت‌تر تکان می‌خورد. فقط یادتان باشد پشت سوزن را برگردانید که زخمی نشوید.

جدول نوجوان

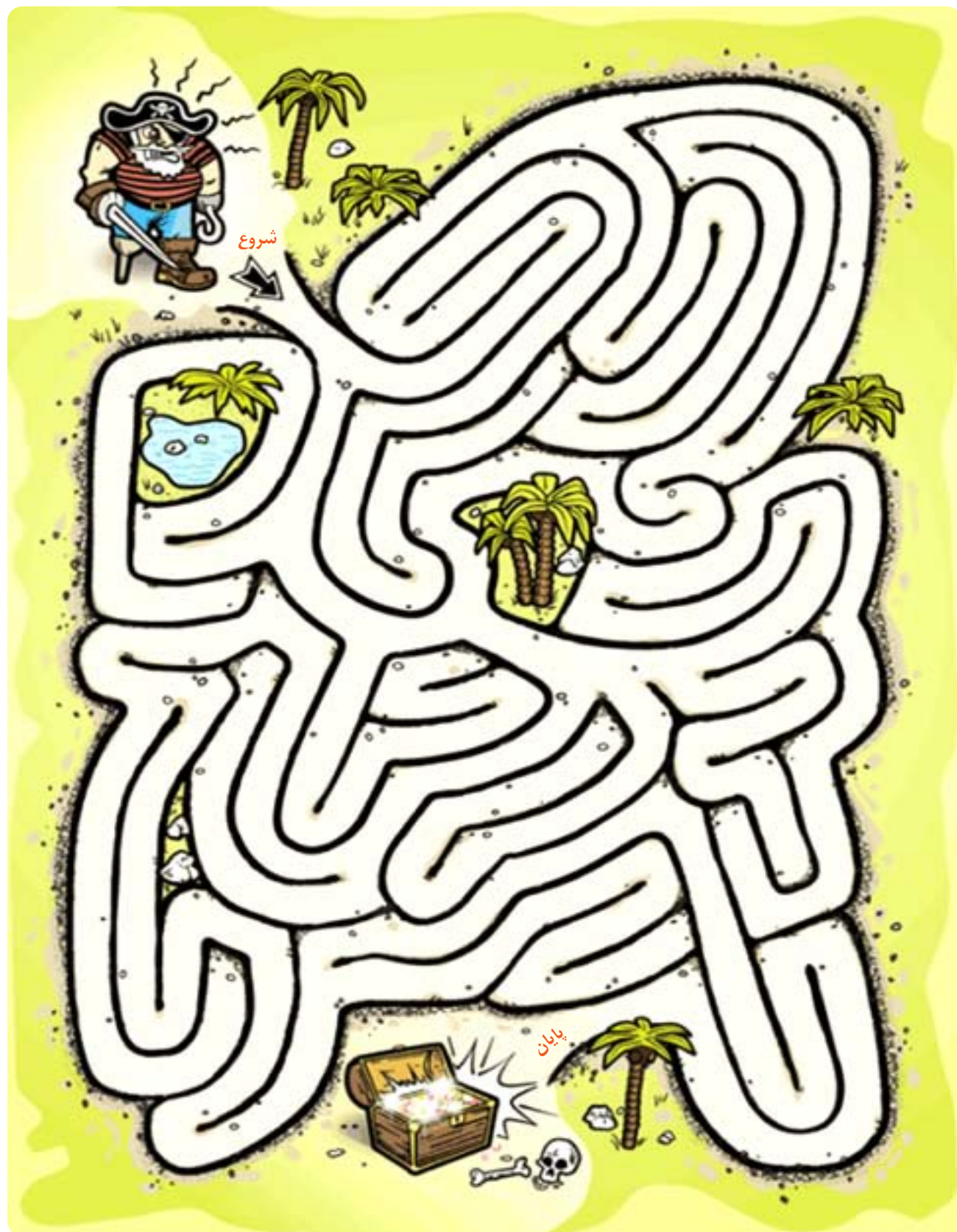
۲					۱
					۳
					۴
			۶		۵
			۷		
		۹		۸	

- ۱- کاری ضروری به‌خصوص بعد از اضافه وزن
- ۲- دهخدا در یکی از شعرهایش این‌گونه به یادآوری توصیه می‌کند.
- ۳- اولش با دودوتا چهارتا شروع می‌شود و بعدا سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود!
- ۴- یک زمانی خانه ما بود.
- ۵- اندازه‌گیری چند وقت یک بار آن برای پی‌گیری یکی از نشانه‌های رشد است!
- ۶- درخت دیوانه!
- ۷- جمع رأی
- ۸- بهتر است در معاشرت‌ها این‌طور باشیم.
- ۹- بیان کردن



نقشه گنج

این دزد دریایی نمی‌داند چطوری به صندوقچه‌ی گنج برسد، تو می‌دانی؟



کیکی برای دو نفر

نویسنده: لی آن ریوز
مترجم: سعیده موسوی
تصویرگر: حمید حاجی میرزایی

گفتم: «من نمی‌روم. اون دختر اسمش روث است. یک شاگرد تازه‌وارد، یک بچه سیاه‌پوست که همه می‌گویند توی یک محله کثیف و فقیر زندگی می‌کند که پر است از سگ‌های‌هار. هر کس هم پیش را آن‌جا بگذارد، سگ‌ها حمله می‌کنند و گازش می‌گیرند! از آن گذشته برنیک و پت هم گفتند که نمی‌آیند. اون دختر احمق تمام ۳۶ بچه‌ی کلاس را دعوت کرده.»

همین‌طور که مادر داشت دعوت‌نامه دست‌ساز روث را می‌خواند، به طرز عجیبی ناراحت شد. بعد انگار که داشت چیزی را به من اعلام می‌کرد، گفت: «بسیار خب، تو به آن جشن تولد خواهی رفت. فردا یک کادو می‌خرم که ببری.»

نمی‌توانستم باور کنم. مادر هیچ وقت مجبورم نکرده بود به مهمانی‌ای بروم یا کاری را به‌زور انجام دهم. فکر کردم اگر بخواهد مجبورم کند، حتما دق می‌کنم و خب با احساساتی که تحت‌تاثیرش قرار گرفته بود، اگر چیزی می‌گفتم، بدجوری عصبانی می‌شد.

شنبه از راه رسید. صبح مادر از رخت‌خواب بلندم کرد و از من خواست تا اتاقم را گردگیری و مرتب کنم، دوش بگیرم و موهایم را ببافم. بعد هم کاری کرد تا یک جعبه‌ی خیلی قشنگ آینه، شانه و برس صورتی‌رنگی را که دو دلار و نودوهشت سنت خریده بود، کادوپیش کنم. بعد با ماشین قراضه مدل هزار و نهصد و پنجاهش مرا رساند. زنگ زدم. روث در را باز کرد و با اشاره دست از من خواست تا از شیب‌دارترین و ترسناک‌ترین پلکانی که در عمرم دیده بودم، به دنبال او بالا بروم. وارد خانه که شدم، ترسم کم شد و احساس آرامش کردم. کف اتاق نشیمن چوبی بود و شعاع‌های نور خورشید روی زمین پهن شده بود. زیرگلدانی‌هایی به رنگ سفید زیر پایه مبل‌های کهنه قرار گرفته بود.

بزرگ‌ترین کیکی که تا آن موقع دیده بودم، روی میز قرار داشت. روی کیک ۱۲ تا شمع صورتی کاشته شده بود و با غنچه‌های کوچولوی رز روی کیک نوشته شده بود: «تولدت مبارک روثی». ۳۶ تا لیوان پایه بلند پر از شکلات خامه‌ای خانگی نزدیک کیک قرار داشت که روی هر لیوان اسم یکی از بچه‌های کلاس نوشته شده بود. با خودم گفتم اگر همه بیایند این‌جا، خیلی هم بد نیست. از روث پرسیدم: «پس مادرت کجاست؟» نگاهش را به زمین دوخت و گفت: «او مریض است.»

«پدرت چی؟ اون کجاست؟»

«او ما را ترک کرده و از این‌جا رفته.»

و بعد سکوت همه جا را فرا گرفت. تنها چیزی که شنیدم، صدای چند سرفه‌ی خشک و آزاردهنده بود که از پشت یکی از درهای بسته می‌آمد. دو ساعتی گذشت. ناگهان واقعیت وحشتناکی به ذهنم آمد. هیچ‌کس دیگری قرار نیست بیاید. چطور می‌توانم من یک نفر این‌جا را ترک کنم. همین‌طور که در افکار دلسوزانه‌ی خودم غرق بودم، صدایی شنیدم، سرم را بلند کردم. روث را دیدم که با دست جلوی دهانش را گرفته بود تا صدای هق‌هق گریه‌اش شنیده نشود و اشک تمام صورتش را خیس کرده بود. با دیدن این صحنه قلب کوچکم بد جوری به درد آمد. دلم خیلی برایش سوخت. توی دلم ۳۵ هم‌کلاسی خودخواهم را سرزنش می‌کردم. چطور می‌توانستند این‌قدر بدجنس باشند. با کفش‌های سفید چرمی که به پا داشتیم، مثل فتر به هوا پریدم و فریاد زدم: «ما به کسی احتیاج نداریم.»

نگاه متعجب روث یک‌باره به نگاهی هیجانی و موافقت‌آمیز تبدیل شد. آن‌جا دو تا دختر نوجوان بود و یک کیک سه طبقه، ۳۶ ظرف پر از شکلات خامه‌ای، بستنی، شربت، وسایل بازی و جایزه‌هایی برای بردن. ما از کیک شروع کردیم. البته نتوانستیم جای کبریت‌ها را پیدا کنیم و روث هم نمی‌خواست مادر مریضش را به دردسر بیندازد. برای همین با حرکت دست وانمود کرد که دارد شمع‌ها را روشن می‌کند و درحالی‌که توی

دلمش آرزو و شعله‌های خیالی را فوت می‌کرد، من هم شعر تولدت مبارک را برایش می‌خواندم. ما با هم کلی بازی کردیم؛ دنبال‌بازی و صندلی‌بازی و بادکنک‌بازی. موزیک شاد گوش کردیم و یک عالمه بالا و پایین پریدیم. در یک چشم به هم زدن شب شد. مادر داشت از بیرون بوق می‌زد و همین‌طور که قاقالی‌لی‌ها را جمع می‌کردم، از روث به خاطر مهمانی خویش تشکر کردم. سرشار از انرژی و شاد و خوشحال سوار ماشین شدم. به مادر گفتم: «من همه جایزه‌های مسابقاتی را که اجرا کردیم، بردم. البته روث هم یک بار برنده شد و جایزه برد، اما گفت درست نیست دختری که تولدش است، جایزه را بردارد. برای همین آن را هم به من داد. همه‌ی خوراکی‌ها را هم پنجاه، پنجاه تقسیم کردیم. تنها هدیه‌ای هم که او دریافت کرد، جعبه‌ی آینه‌ای بود که من بهش دادم. چون از بچه‌های کلاس خانم بلک فقط من آن‌جا بودم. وای نمی‌دانی چقدر عجله دارم. نمی‌توانم صبر کنم تا فردا به بچه‌ها بگویم که چه مهمانی باشکوهی را از دست دادند!»

مادر ماشین را کنار جدول خیابان نگه داشت و من را محکم بغل کرد. درحالی‌که اشک در چشمانش حلقه زده بود، گفت: «من به تو افتخار می‌کنم دخترم.» آن روز بود که یاد گرفتم حتی یک نفر تنها هم این قدرت را دارد که تفاوت ایجاد کند. من باعث شده بودم جشن تولد ۱۲ سالگی روث متفاوت برگزار شود و مادر بود که این درس بزرگ را در زندگی به من یاد داد.



همسفر ابر



انگار همراه ما می آمد



از پشت شیشه قطار ابری را دیدم



قطار که برای نماز صبح ایستاد
خودم را به او رساندم



می آمد و می بارید



شب که برای نماز قطار ایستاد
زیر نور مهتاب پیداش کردم
توان حرکت نداشت



از نماز که برگشتم، او نبود



بغلش کردم و آوردمش توی کوپه
و دوباره شدیم همسفر همدیگه